روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت

کلید واژه‌ی



در قرآن کریم

به ضمیمهٔ کتابنامهٔ رجعت

مقدمه استاد محقق،
علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

سید محمد جعفر روشنائی

بسم الله الرحمن الرحیم

کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم

نویسنده:

محمد جعفر روضاتی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه : روضاتی، سیدمحمدجعفر، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور : کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم : روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت در قرآن کریم

مشخصات نشر : قم : بهار قلوب ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۲۵۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۲۹-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر

یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

شناسه افزوده : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۰۴۸۱۸

ص: ۱

تقدیرنامه

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
خراسان رضوی



شماره: ۱۳/۶/۱۳۹۹۲
تاریخ: ۱۳۹۶/۰۹/۰۷



«کتاب را باید ترویج داد، مردم باید به کتابخوانی عادت کنند و کتاب وارد زندگی مردم شود.»

«مقام معظم رهبری»

نویسنده و فرهیخته گرامی جناب آقای سیدمحمد جعفر روضاتی

سپاس خدایی را که به ما موهبت مکتبی را عطا فرمود که تعلیم و تعلم را بزرگترین ارزش جامعه بشری دانسته است و در پرتو این ارزش، در طول تاریخ، جهانیان از فرهنگ مکتوب و آثار نگارش یافته ی اندیشمندان ایرانی بهره‌های علمی فراوان برده و اندیشه ایرانی و اسلامی را در برگ برگ دفتر تاریخ به ثبت رسانده اند.

حضـور ارزشـمند شما در **چهاردهمین آیین انتخاب کتاب سال خراسان رضوی** موجب خرسندی و قدردانی است. ضمن تبریک انتخاب اثر ارزشـمند جنابعالی با نام **کلیدواژه‌ی آیات رجعت در قرآن کریم** در موضوع **دین** از سوی هیأت داوران این دوره از انتخاب کتاب سال ؛ در سال **۹۶** جزء کتاب های برگزیده شناخته شده است، به رسم قدر شناسی و یادمان زحمات شما تقدیر می‌گردد.

توفیق روز افزون شـما را به عنوان یکی از خادمان و مروجان فرهنگ توسـعه و ترویج کتابخوانی از محضـر خداوند منان در پناه توجهات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) خواهانم.

سید سعید سرابی
مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی

اشاره

کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم

روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات رجعت

در قرآن کریم

تألیف: سیّدمحمّدجعفر روضاتی

ص: ۳

[۱] کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم

ص: ۴

تقدیم به محضر مقدسّه ی

السَّیـدَهِ الْجَلیلَـهِ الْجَمیلَـهِ، اَلْمَعْصُـومَهِ الْمَظْلُـومَهِ، اَلکَریمَهِ النَّبیلَهِ، اَلْمَکْرُوبَهِ الْعَلیلَهِ، ذاتِ الْـاَحْزانِ الطَّویلَهِ فِی الْمُـدَّهِ الْقَلیلَهِ، اَلرَّضِـیهِ الْحَلیمَهِ، اَلعَفیفَهِ السَّلیمَهِ، اَلْمَجْهُولَهِ قَـدْرًا وَ الْمَخْفِیهِ قَبْرًا، اَلْمَدْفُونَهِ سِـرًّا وَ الْمَغْصُوبَهِ جَهْرًا، سَـیدَهِ النِّساءِ، اَلْاِنْسِـیهِ الْحَوْراءِ، اُمِّ الْاَئِمَّهِ النُّقَباءِ النُّجَباءِ، بِنْتِ خَیرِ الْاَنْبِیاءِ، اَلطّاهِرَهِ الْمُطَهَّرَهِ، اَلبَتُولِ الْعَذْراءِ، فاطِمَهَ التَّقِیهِ النَّقِیهِ.

ص: ۵

فهرست

۹_ کتابنامه ی رجعت۴۹

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۱۰

مقدّمه

ص: ۱۳

سیمای رجعت در آیینه ی آیات نورانی قرآن و دیگر کتب آسمانی

گلواژه ی رجعت

رجعت در لغت به معنای بازگشت، و در اصطلاح، بازگشت گروهی از مردگان به دنیا، پیش از رستاخیز می باشد.

خداوند منّان گروهی از مردگان را به هنگام ظهور امام زمانعَلَیهِ السَّلام به این دنیا باز می گرداند، برخی از آن ها را عزّت می دهد، و برخی دیگر را خوار می سازد.

گروهی از صالحان را برمی گرداند، تا دولت حقّه را مشاهده کنند، به عزّت، شکوه و آرزوی دیرینه ی خود برسند.

گروهی از تبهکاران را برمی گرداند، تا انتقام ستم دیدگان را از آن ها بگیرد، و دل رنج دیده ها با مشاهده ی ذلّت آن ها مسرور گردد.

آنگاه هر دو گروه می میرند، و به هنگام رستاخیز عمومی برانگیخته می شوند، تا به ثواب و عقاب جاویدان برسند.(۱)

زیر بنای رجعت، قدرت بی پایان حق تعالی است، خداوند با قدرت بیکران خود، استخوان های پوسیده و اجسام فرسوده ای را که هزاران سال در زیر خاک ها نهفته اند، به زندگی باز می گرداند، تا هابیلیان شاهد انتقام الهی، از قابیلیان در راستای تاریخ باشند.

ص: ۱۵

۱- ۱ . شیخ مفید، اوائل المقالات، ص۷۷؛ همو، تصحیح الاعتقاد، ص۹؛ همو، المسائل السّرویّه، ص۳۲.

خداوند با رجعت انسان ها، دورنمای رستاخیز را در سرتاسر گیتی به نمایش می گذارد و هزاران انسان را، که از قرن ها پیش در زیر خاک ها مدفون شده اند، با یک فرمان جان می بخشد، تا پیش از رستاخیز شاهد گرفتن حق مظلومان از ستم پیشگان باشند.

پیشینه ی رجعت

قرآن کریم در آیات فراوان از وقوع رجعت در میان اقوام گذشته خبر داده، که با تعدادی از آن ها در این کتاب آشنا می شوید.

پس از ثبوت وقوع آن در میان اقوام گذشته، اثبات امکان و لزوم وقوع آن در میان امّت اسلامی نیز ثابت می شود، زیرا:

۱. بهترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع آن است.

پس از اثبات وقوع آن در میان اقوام پیشین، در مورد امکان وقوع آن در میان امّت اسلامی، هیچ شک و تردیدی باقی نمی ماند.

۲. براساس قاعده ی معروف: «حکم الأمثال فیما یجوز و ما لا ـ یجوز»، اگر ثابت شود که آن در میان گذشتگان واقع شده، احتمال امتناع آن از بین می رود و ممکن بودن آن ثابت می شود.

۳. در احادیث فراوان از رسول اکرم، آمده است که:

آنچه در امّت های پیشین واقع شده، حتماً در این امّت نیز واقع خواهد شد. و اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

لَتَرْكَبُنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُم؛

بی گمان راهی را که پیشینیان پیموده اند، شما نیز خواهید پیمود.(۱)

۱- ۱ . احمد حنبل، المسند، ج ۵، ص۲۱۸ و ۳۴۰.

لَتَرْکَبُنَّ سُنَنَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکَمْ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

بی گمان دقیقاً همان راه پیشینیان را، همانند تطابق دو لنگه ی کفش خواهید رفت.(۱)

لَتَرْکَبُنَّ سُنَنَ مِنْ قَبْلِکُمْ؛

بی گمان راه پیشینیان را خواهید پیمود.(۲)

لَتَرْکَبُنَّ سُنَنَ مَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ، شِبْراً بِشِبْرٍ، وَ ذِرَاعاً بِذِرَاعٍ، حَتَّی لَوْ دَخَلُوا جُحْر ضَبٍّ لَدَخَلتُم؛

بی گمان راه پیشینیان را، وجب به وجب، ذراع به ذراع خواهید پیمود. اگر آن ها به لانه ی سوسماری داخل شده باشند، شما نیز داخل خواهید شد.(۳)

لَتَرْکَبُنَّ طَرِیقَتَهُمْ حَذْوَ الْقُذَّه بِالْقُذَّهِ؛

بی گمان همانند تطابق دو تیرکمان، راه آن ها را خواهید پیمود.(۴)

احادیث یاد شده عموماً از منابع اهل سنّت تقدیم گردید، این احادیث از طریق اهل بیت: به قدری زیاد است، که دو تن از محدّثان بزرگ، کتاب مستقلی در این رابطه تألیف کرده اند:

۱. فضل بن شاذان، متوفّای ۲۶۰ ق.

۲. شیخ صدوق، متوفّای ۳۸۱ ق.

۱- ۱ . طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۶: ص ۲۰.

۲- ۲ . بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۴: ص۱۶۳.

۳- ۳ . حاکم، المستدرک علی الصّحیحین، ج ۴: ص۴۵۵؛ سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۶: ص۵۶؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۷: ص۲۶۱؛ متّقی هندی، کنز العمّال، ج۱۱: ص۱۳۴؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج۱۹: ص۲۷۹.

۴- ۴ . طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰: ص۳۹.

هر دو محدّث بزرگوار کتاب خود را «حذو النّعل بالنّعل» نامیده اند.(۱)

روی این بیان اگر ثابت شود که رجعت در میان امّت های پیشین واقع شده، نه تنها امکان، بلکه ضرورت وقوع آن در میان امّت اسلامی ثابت خواهد شد.

رجعت در میان پیشینیان

در کتابی که پیش رو دارید، آیات شماره ی یک تا شماره شش، شش نمونه از بازگشت انسان ها پس از مرگ به این دنیا را در میان امّت های پیشین بیان نموده است.

شیخ حرّ عاملی، در کتاب گرانسنگ: «الایقاظ من الهجعه فی اثبات الرّجعه» ۲۶ روایت از رسول گرامی اسلام۹ نقل کرده، که آنچه در امّت های پیشین اتّفاق افتاده، مو به مو، در امّت من نیز واقع خواهد شد.(۲)

رجعت در امّت اسلامی

بر اساس روایات فراوانی که از خاندان عصمت و طهارت: به ما رسیده، در میان امّت اسلامی نیز به مواردی از وقوع رجعت در قرون اوّلیّه برمی خوریم،(۳) که تعداد ۷۰ مورد آن را شیخ حرّ عاملی گرد آورده است.(۴)

عبد الله بن محمّد بن عبید، مشهور به: «ابن ابی الدّنیا» (۱۸۰ _ ۲۸۱ ق) کتابی به نام: «من عاش بعد الموت» در این رابطه گرد آورده است.(۵)

۱- ۱ . نگارنده، کتابنامه ی حضرت مهدی f، ج۱: ص۲۱۹.

۲- ۲ . شیخ حرّ، الایقاظ، ص۹۸ _ ۱۱۱.

۳- ۳ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۹: ص۵۳؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴: ص۱۵۱؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴: ص۳۹۷؛ حویزی، نور الثّقلین، ج ۴: ص۶۱۰.

۴- ۴ . شیخ حرّ، الایقاظ، ص۱۸۸_ ۲۳۱.

۵- ۵ . ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج۱۳: ص۴۰۳.

وی در این کتاب، ۶۴ مورد از افرادی که در سه قرن اوّل اسلامی، پس از مرگ، زنده شده، کم یا زیاد، زنده مانده اند را معرفی کرده است.(۱)

دکتر «رایموند مودی» در این رابطه کتابی نوشته و آن را «بازگشت روح» نام نهاده است.

او در این کتاب، از کسانی سخن گفته که طبق نظر پزشک قانونی، مرده، سپس زنده شده اند.(۲)

بر اساس روایات اسلامی، کتاب ابن ابی الدّنیا و دکتر رایموند مودی، بازگشت روح به بدن و زنده شدن انسان پس از مرگ، نه تنها ممکن، بلکه اتفاق افتاده است و از نظر زیست شناسی نیز مانعی ندارد.

لزوم اعتقاد به رجعت

آیات فراوانی از قرآن کریم، بر اساس روایات معصومین:، به رجعت تفسیر شده، که ۸۰ نمونه ی آن ها را در این کتاب ملاحظه می فرمایید.

در چهلمین آیه ای که در این کتاب، با کُد ۸۳ / ۲۷ بیان شده، آمده است:

«وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ یكَذِّبُ بِآیاتِنا فَهُمْ یوزَعُونَ»؛

آن روز از هر امّتی گروهی را محشور می سازیم که منکر آیات ما بودند، آن ها بازداشت می شوند.(۳)

به یقین این آیه مربوط به رستاخیز نیست، زیرا در رستاخیز همه محشور می شوند و احدی فروگذار نمی شود.(۴)

۱- ۱ . این کتاب به سال ۱۴۰۶ ق. در ۱۵۱ صفحه، در بیروت، از سوی عالم الکتب، منتشر شده است.
۲- ۲ . مجلّه ی «التمدن الاسلامی» سال ۴۸، شماره ی ۴۸ و مجلّه ی «المختار» شماره ی شعبان ۱۴۰۰ ق.
۳- ۳ . سوره ی نمل، آیه ی ۸۳.
۴- ۴ . سوره ی کهف، آیه ی ۴۷.

امام صادق عَلَیهِ السَّلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«وَ لَا یرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً وَ مَنْ مَحَضَ الْکُفْرَ مَحْضاً»؛

تنها کسی در رجعت برمی گردد که مؤمن خالص، یا کافر خالص باشد.(۱)

پیشینه ی اعتقاد به رجعت

اعتقاد به رجعت و بازگشت گروهی از مردگان پیش از رستاخیز، سابقه ای بس طولانی دارد و در همه ی کتب آسمانی به نمونه هایی از آن برمی خوریم.

اینک به سه نمونه، از سه دین معروف «یهود»، «نصاری»، و «مجوس» اشاره می کنیم:

۱. رجعت در عهد عتیق

در کتاب «دانیال نبی» آمده است:

بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده اند، بیدار خواهند شد، اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی.(۲)

پدر «آنتونیو دوژزو» از کشور پرتقال، رئیس پیشین دیر آگوستین های اصفهان، که پس از تشرّف به اسلام به نام: «علی قلی جدید الاسلام»، مشهور شد، در کتابی که به عنوان شرح و نقد تورات نوشته، فراز بالا را از دلایل روشن رجعت بیان کرده است.(۳)

۲.رجعت در عهد جدید

در کتاب مکاشفه ی یوحنای رسول آمده است:

ص: ۲۰

۱- ۱ . علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج۲: ص۱۳۱؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج۳: ص۲۱۰.
۲- ۲ . کتاب مقدّس، عهد عتیق، کتاب دانیال نبی، باب۱۲، فراز ۲.
۳- ۳ . آنتونیو دوژزو، ترجمه، شرح و نقد سِفر پیدایش، ص۲۹۸.

آنان که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید.(1)

آنتونیو در مورد این فراز نیز به تفصیل سخن گفته، و دلالت آن را بر اثبات رجعت توضیح داده است.(2)

۳. رجعت در آیین مجوس

جز از طریق کتب زرتشتیان به کتاب آسمانی مجوس راه نداریم، از این رهگذر فرازی را از کتب زرتشتیان که برگرفته از کتاب مجوس است نقل می کنیم:

در بخش «یشت ها» از کتاب «اوستا» در ضمن فرازهای مربوط به «سوشیانت»(3) آمده است:

بدان هنگام که مردگان دیگر باره زنده شوند و زندگی جاودانه آغاز گردد، «سوشیانت» بدر آید و جهان را به آرزوی خویش دیگرگون سازد.(4)

سه فراز از سه کتاب مقدّس، سه آیین مشهور جهان، تورات، انجیل و اوستا نقل کردیم، در هر سه مورد بر زنده شدن مردگان تأکید شده و کاملاً روشن است که مربوط به رستاخیز نیست، بلکه در همین دنیا و پیش از رستاخیز می باشد.

روی این بیان، اعتقاد به رجعت، اختصاص به دین مقدّس اسلام ندارد، بلکه سابقه ای بس طولانی دارد، و در همه ی کتاب هایی که به اعتقاد پیروانشان کتاب آسمانی به شمار می آید، به صراحت و شفّافیّت آمده است.

۱- ۱ . کتاب مقدّس، عهد جدید، مکاشفه ی یوحنّا، باب۲۰، فرازهای ۵ و ۶.

۲- ۲ . آنتونیو، همان، ص۲۹۹.

۳- ۳ . آخرین رهایی بخش جهان.

۴- ۴ . اوستا، بخش یشت ها، زامیاد یشت، کرده ی یکم، فراز یازدهم.

تواتر احادیث رجعت

با توجّه به این که دشـمنان اهلبیت، برای از بین بردن کتاب های شـیعیان در طول قرون و اعصار، تلاش فراوان نموده و بیش از ۹۰٪ کتاب های ما را از بین برده اند، هنوز احادیث بر جای مانده پیرامون رجعت بیش از حدّ تواتر است.

شیخ حرّ عاملی در کتاب گرانسنگ «الایقاظ» ۶۰۰ حدیث پیرامون رجعت گرد آورده و بعد از اثبات تواتر آن ها فرموده:

ثبوت رجعت از ضروریّات مذهب شیعه است.(۱)

مرحوم علامه مجلسی در دائره المعارف بزرگ خود می نویسد:

اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، در هیچ موردی نمی توان ادّعای تواتر نمود.(۲)

رجعت هراسی

در شماری از احادیث رجعت تأکید شده که چون منتقم الهی ظهور کند، دو بت بزرگ قریش را از قبر بیرون می کشد، به دار می زند، طعمه ی حریق می سازد و خاکسترشان را به باد می دهد.(۳)

در شمار دیگری آمده است، زنی که به «ماریه ی قبطیّه» مادر ابراهیم ـ فرزند پیامبر اکرم۹ تهمت زده بود را زنده می کند، بر او حدّ جاری می کند.(۴)

از این رهگذر شیفتگان آن ها از شنیدن نام رجعت هراس دارند و خیال

۱- ۱ . شیخ حرّ، الایقاظ، ص ۶۰.
۲- ۲ . مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۲۳.
۳- ۳ . بحرانی، حلیه الأبرار، ج۲: ص۵۹۸ ـ ۶۰۶ (چاپ سنگی)
۴- ۴ . طبری، دلائل الامامه، ص۴۸۵.

می کنند که اگر احادیث رجعت در مجلسی مطرح شود، ترس آن است که سقف آن مجلس بر سرشان فرو بریزد!

سفیان بن عُیَینَه می گوید:

در خانه ی جابر جُعفی نشسته بودیم، چیزی گفت که از خانه اش بیرون رفتیم، زیرا ترسیدیم که سقف خانه بر سرمان فرو ریزد!(۱)

سفیان ثوری می گوید:

مردم از جابر بن یزید جعفی روایت می کردند، تا هنگامی که عقیده اش را ابراز کرد، دیگر از او حدیثی نقل نکردند! پرسیدند: چه چیزی را ابراز کرد؟ گفت: اعتقاد به رجعت را.(۲)

در حالی که خود سفیان می گوید:

جابر بسیار راستگو بود، من کسی را راستگوتر از او در نقل حدیث ندیدم.(۳)

جابر بن یزید جعفی بدون تردید، از راستگوترین اصحاب ائمّه بود، حتّی به اعتراف دشمنان اهل بیت:

۱) شعبه گوید: جابر از موثّق ترین انسان هاست.(۴)

۲) وکیع گوید: اگر در هر چیزی شک بکنید، در این شک نکنید که جابر جعفی ثقه است.(۵)

۳) سفیان گوید: جابر جعفی در نقل حدیث پارسا بود، من در حدیث پارساتر از او ندیده ام.(۶)

۱- ۱ . دمیری، حیاه الحیوان، ج ۱: ص ۴۵۹.

۲- ۲ . مسلم، صحیح مسلم، ج ۱: ص ۲۰.

۳- ۳ . آیه الله خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴: ص ۲۳.

۴- ۴ . ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱: ص ۳۷۹.

۵- ۵ . همان.

۶- ۶ . همان.

پس از اعتراف همه ی بزرگان جرح و تعدیل به وثاقت او، جریر می گوید:

من جابر بن یزید جعفی را ملاقات کردم، ولی حدیثی از او ننوشتم، زیرا به رجعت ایمان داشت.(۱)

زهیر می گوید:

از جابر شنیدم که گفت: نزد من ۵۰/۰۰۰ حدیث است که چیزی از آن را نقل نکرده ام.(۲)

از این رهگـذر علمـای شـیعه در طول قرون و اعصار، به تألیف آثار گرانقـدری در این رابطه همّت گماشـته انـد، که با عناوین ۱۳۰ مورد از آنها در مقـدمه ی این کتاب آشـنا می شویـد، که تازه ترین آن ها کتاب حاضـر است، که مؤلّف بزرگوار آن، با ابتکار و حسن سـلیقه ی خود، آیات مربوط به رجعت را کُـد گـذاری کرده، برای هر آیه ای نامی برگزیده، آنگاه یک یا چند حدیث از منابع معتبر، در ذیل هر آیه ای آورده است.

امیدواریم نشـر این اثر به تعمیم فرهنگ مهدویّت و غنای مکتب پربار تشیّع کمک کرده، مسائل مرتبط با رجعت را در دسترس پژوهشگران قرار دهد و شاهد انتشار ده ها کتاب جدید در این عرصه باشیم.

از خداوند منّان تقات روز افزون، مؤلّف، ناشر و دیگر دست اندرکاران چاپ و نشر این اثر ارزشمند را خواهانیم.

۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۶ ق.

حوزه ی علمـیّه ی قم

علـی اکبـر مهـدی پـور

۱- ۱ . مسلم، صحیح مسلم، ج ۱: ص ۲۰.

۲- ۲ . همان.

پیشگفتار

اشاره

ص: ۲۵

۱_ لغت رجعت

«رجعت» در لغت، به معنی «بازگشتن» است، و کلمه ی «رجوع» در لغت به معنای بازگشتن به مبدأ، مکان و یا فعل و حالت اصلی، می باشد.

«ایاب» هم به معنای رجوع است، با این تفاوت که «ایاب» به برگشتن با اراده و اختیار گفته می شود، امّا رجوع به معنای اعم از آن استعمال می شود.

۲_ اصطلاح رجعت

«رجعت» در اصطلاح، بازگشت و زنده شدن بعضی از مؤمنان و بعضی از کافران، به این دنیا، در هنگام ظهور امام زمان۴ است، و البته قبل از قیامت.

به تعبیری دیگر «رجعت» ، عبارت است از اینکه خداوند، همزمان با ظهور حضرت مهدی۴، عدّه ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه ی مؤمنان بوده اند، و همچنین عدّه ای از کفّار و منافقان را که در کفر و نفاق، سر سلسله ی کفّار و منافقان بوده اند، به دنیا برمی گرداند، تا اینکه هر دو گروه، نتیجه ی اعمالشان را در این دنیا ببینند.

پس رجعت یک قیامت کوچکی است، که مهم ترین وجه مشترک آن با قیامت، زنده شدن مردگان، و خروج آنها از قبورشان، می باشد.

ص: ۲۷

۳_ اعتقاد به رجعت

اعتقاد به اصل «رجعت» از ضروریات مذهب شیعه ی امامیّه به شمار می رود، تمام ائمّه ی اطهار:، به طرق مختلف، و شاگردان و پیروان آنها، از صدر اسلام، به «رجعت» اعتقاد داشته و از این عقیده، دفاع و حمایت نموده اند.

شاید هیچ شعاری در تشیّع برجسته تر از «رجعت» نباشد، که قبول آن از نشانه های توحید است، و اعتقاد به آن از مظاهر ایمان به قدرت الهی محسوب می شود.

یکی از آثار سازنده و تربیتی اعتقاد به «رجعت»، این است که انسان را به آینده امیدوار نموده، و از سقوط در گرداب فساد و گناه، بازداشته، و از ترس اینکه او، از گروه رجعت کنندگان حذف شود، و فیض ملاقات معصومین: را در عصر شکوهمند رجعت، از دست بدهد، به تلاش و کوشش بیشتر در راه بندگی و اطاعت خداوند می پردازد، چنین شخصی اگر در این مسیر مقدّس، مرگ به سراغش بیاید، باکی نداشته، بلکه ازآن استقبال هم می نماید.

۴_ احادیث «رجعت»

در مسئله ی رجعت، قبل از هر چیز، باید به این نکته دقّت شود، که رجعت امری است ممکن، و عقلائی، و بهترین دلیل بر امکان آن، این است که دست قدرت الهی، نمونه های زیادی از آن را، که در گذشته ی تاریخ، به صورت معجزه، رخ داده است، توسّط بعضی از پیامبرانش، به بشر نشان داده، که این وقایع، در بعضی از کتب آسمانی، از جمله قرآن کریم، به ثبت رسیده است، که البته در این کتاب، به این آیات، و شرح و تفسیر آنها اشاره شده است.

علاوه بر آنچه که گفته شد، دلائلی که علمای شیعه بر این مسئله اقامه کرده اند، سه دسته است:

۱_ آیات قرآن کریم

۲_ سنّت نبوی

۳. احادیث اهل بیت:، که عمده ترین دلیل آنان، احادیثی است که به صورت متواتر، از ائمّه ی اطهار: در این باره، روایت شده است.

در این بخش، از بین صدها حدیثی که در باره ی «رجعت» وجود دارد، بنا به اختصار، به بعضی از آنها، به عنوان نمونه، اشاره می نماییم:

الف) قال الشیخ فی کتاب «من لا یحضره الفقیه»: قَالَ الصَّادِقُ عَلَیهِ السَّلام: لَیسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یؤْمِنْ بِکَرَّتِنَا وَ ...(۱)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب من لا یحضره الفقیه، از امام صادق عَلَیهِ السَّلام روایت نموده که آن حضرت فرمودند: از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و ...

ب) ... عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذَکَرْنَا الْقَائِمَعَلَیهِ السَّلام وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا ینْتَظِرُهُ، فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللهعَلَیهِ السَّلام: إِذَا قَامَ أُتِی الْمُؤْمِنُ فِی قَبْرِهِ، فَیقَالُ لَهُ: یا هَذَا! إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُکَ، فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَ إِنْ تَشَأْ أَنْ تُقِیمَ فِی کَرَامَهِ رَبِّکَ فَأَقِمْ.(۲)

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: در خدمت حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام صحبت از حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام، و کسانی که در انتظار او جان داده اند، به میان آمد، حضرت فرمودند: هنگامی که قائمعَلَیهِ السَّلام قیام کند، مأمورانی بر سر قبور مؤمنین بیایند، و گویند: مولای تو ظهور کرده است، اگر

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۷؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۹۲، ح۱۰۱؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۴۴۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص۳۷۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳: ص۴۵۸، ح۴۵۸۳.

۲- ۲ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۷۱، ح۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۹۱، ح۹۸؛ کتاب الغیبه (طوسی قدس سره)، ص۴۵۹.

می خواهی، به او ملحق شو، و اگر می خواهی، در جوار پروردگارت بمان.

ج) عَنْ محمّد بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَ أَبَا الْخَطَّابِ يحَدِّثَانِ جَمِيعاً قَبْلَ أَنْ يحْدِثَ أَبُو الْخَطَّابِ مَا أَحْدَثَ أَنَّهُمَا سَمِعَا أَبَا عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام يقُولُ: أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يرْجِعُ إِلَى الدُّنْيا الْحُسَينُ بْنُ عَلِى وَ إِنَّ الرّجعه لَيسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِی خَاصَّةٌ لَا يرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضاً.(۱)

از محمّد بن مسلم نقل است که گفت: شنیدم: حمران بن اعین و ابو الخطاب، پیش از انحرافش، می گفتند: شنیدیم از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در حدیثی می فرمودند: اوّل کسی که از قبر بیرون می آید و به دنیا برمی گردد، حسین بن علیعَلَیهِ السَّلام است، و رجعت، عمومی نیست، کسی به این دنیا بر نمی گردد، مگر اینکه مؤمن خالص و یا مشرک خالص باشد.

د) عَنْ بُرَيدِ بْنِ مُعَاوِيةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام يقُول: ... ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللهِ لَا تَذْهَبُ الْأَيامُ وَ اللَّيالِی حَتَّى يحْيی اللهُ الْمَوْتَى، وَ يمِيتَ الْأَحْياءَ، وَ يرُدَّ اللهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ يقِيمَ دِينَهُ الَّذِی ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ نَبِيهِصَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ آلِه، فَأَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا، فَوَ اللهِ! مَا الْحَقُّ إِلَّا فِی أَيدِيكُمْ.(۲)

حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: به خدا قسم! روزها و شب ها به پایان نمی رسد، تا اینکه خداوند، مُرده ها را زنده نماید، و زنده ها را بمیراند، و خداوند، حقّ را به اهلش بازگرداند، و دینی را که مورد رضایت خود و

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۳۰۱؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرّجعه، ص۲۷۷، ح۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۳۹، ح۱؛ البرهان فی تفسير القرآن، ج ۳: ص۵۰۷، ح۱۲؛ حليه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار عليهم السلام ، ج ۶: ص۳۶۸، ح۱۵؛ مختصر البصائر، ص۱۰۷، ح۲۳.

۲- ۲ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۱: ص۱۲۷، ح۳۶؛ تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج ۴: ص۹۷، ح۸؛ الكافی، ج ۳: ص۵۳۸، ح۱.

رسولش می باشد، به پا دارد، پس بشارت باد بر شما! بشارت باد بر شما! و بشارت باد بر شما! به خدا قسم! که حقّ جز در دست های شما نمی باشد.

ه_) عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ الصادقعَلَیهِ السَّلام: ... یا أَبَا بَصِیرٍ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللهُ إِلَیهِ قَوْماً مِنْ شِیعَتِنَا قِبَاعُ سُیوفِهِمْ عَلَی عَوَاتِقِهِمْ فَیبْلُغُ ذَلِکَ قَوْماً مِنْ شِیعَتِنَا لَمْ یمُوتُوا فَیقُولُونَ بُعِثَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ وَ هُمْ مَعَ الْقَائِمِ...(1)

حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام به ابو بصیر فرمودند: ای ابا بصیر! هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را، که دسته های شمشیرشان را روی دوششان گذارده اند، زنده نماید، این خبر به گوش جمعی از شیعیان ما، که هنوز نمرده اند، برسد، آنها به هم گویند: فلانی و فلانی و فلانی از فبرهایشان بیرون آمده اند و زنده شده اند، و همراه حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام هستند.

۵_ ادعیه و «رجعت»

در برخی از ادعیه ای که از گنجینه های علم خاندان وحی به ما رسیده، موضوع «رجعت» در قالب دعا، بیان شده، که ما در اینجا، به بعضی از آنها اشاره می نماییم:

الف) دعای روز سوّم شعبان:

چون اوّلین شخصیتی که در زمان رجعت زنده می شود، حضرت امام حسینعَلَیهِ السَّلام می باشند، از دعای روز ولادت ایشان شروع می کنیم:

۱- ۱ . إثبات الهداه، ج ۵: ص۶۳، ح۵۴؛ إلزام الناصب، ج ۱: ص۷۰؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۴۸، ح۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۹۲، ح۱۰۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ، ج ۷: ص۲۰۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۵۴، ح۸۳، الکافی، ج ۸: ص۵۱: ح۱۴.

خَرَجَ إِلَی الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ الْهَمَدَانِی، وَكِيلِ أَبِی محمّدعَلَيهِ السَّلَام: أَنَّ مَوْلَانَا الْحُسَينَعَلَيهِ السَّلام وُلِدَ يوْمَ الْخَمِيسِ لِثَلَاثٍ خَلَوْنَ مِنْ شَعْبَانَ، فَصُمْهُ وَ ادْعُ فِيهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِی هَذَا الْيوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَ وِلَادَتِهِ بَكَتْهُ السَّمَاءُ وَ مَنْ فِيهَا وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيهَا وَ لَمَّا يطَأْ لَابَتَيهَا، قَتِيلِ الْعَبَرَهِ، وَ سَيدِ الْأُسْرَهِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَهِ يوْمَ الْكَرَّهِ، الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ نَسْلِهِ، وَ الشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ، وَ الْفَوْزَ مَعَهُ فِی أَوْبَتِهِ، وَ الْأَوْصِياءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيبَتِهِ، حَتَّی يدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَ يثْأَرُوا الثَّارَ وَ يرْضُوا الْجَبَّارَ وَ يكُونُوا خَيرَ أَنْصَارٍ، صَلَّی اللهُ عَلَيهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيلِ وَ النَّهَارِ.

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيكَ أَتَوَسَّلُ وَ أَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِی ءٍ إِلَی نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّطَ فِی يوْمِهِ وَ أَمْسِهِ يسْأَلُكَ الْعِصْمَهَ إِلَی مَحَلِّ رَمْسِهِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی محمّد وَ عِتْرَتِهِ وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ وَ بَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَهِ وَ مَحَلَّ الْإِقَامَهِ.

اللَّهُمَّ وَ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَ ارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَ سَابِقَتَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَ يكْثِرُ الصَّلَاهَ عَلَيهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَ عَلَی جَمِيعِ أَوْصِيائِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الِاثْنَی عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهْرِ وَ الْحُجَجِ عَلَی جَمِيعِ الْبَشَرِ.

اللَّهُمَّ وَ هَبْ لَنَا فِی هَذَا الْيوْمِ خَيرَ مَوْهِبَهٍ وَ أَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَهٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَينَ لِمحمّد جَدِّهِ، وَ عَاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَ نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».(۱)

۱- ۱ . الإقبال بالأعمال الحسنه، ج ۳: ص۳۰۳؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۸: ص۳۴۷، ح۱؛ زاد المعاد و مفتاح الجنان، ص۵۱؛ مختصر البصائر، ص۱۳۵؛ مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، ج ۲: ص۸۲۶.

در کتاب «اقبال» مرحوم سید بن طاوس قدس سره و کتاب «مصباح» مرحوم شیخ طوسی قدس سره ، روایتی است از حضرت امام حسن عسکریعَلَیهِ السَّلام، که آن را به صورت نامه، برای وکیلشان، قاسم بن علاء همدانی، فرستادند، که این طور نوشته بودند: مولای ما، حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام، پنجشنبه سوّم شعبان به دنیا آمد، آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

خداوندا! به حق مولود امروز، که پیش از تولّد خبر شهادتش را دادی، و پیش از آنکه پا بر زمین مدینه نهد، آسمان و اهلش، و زمین و مردمش، بر او گریستند، آن کشته ی اشک، و سرور اهلبیت، که وی را در رجعت مدد می کنی، و در عوض شهادت امامان را از نسل او، و شفاء را در تربتش قرار دادی، و در هنگام بازگشت غلبه را برای او مقدّر کرده ای، و بعد از حضرت قائم و غیبت وی، اوصیائش را از عترت آن جناب مقرر کردی، تا انتقام خونهای مقدّس را بگیرند، و خدای جبار را خشنود کنند، و بهترین یاور دین باشند، رحمت خدا بر آنها باد، ما دام که شب و روز پشت سر یکدیگر در حرکت اند.

خداوندا! درود فرست بر محمّد و آلش، و ما را در زمره ی ایشان محشور فرما، و با ایشان در منزل نیکان و سرای جاودان جایمان ده.

خداوندا! چنانکه ما را به معرفت او سرفراز کردی، به مجاورتش نیز مفتخرمان فرما، و همنشینی او را نصیبمان گردان، ما را از آنان قرار ده که در برابر او تسلیم اند، و چون یاد او می کنند، درود فراوان بر او و دوازده ستاره ی فروزان، اوصیای بزرگوارش می فرستند.

خداوندا! امروز بهترین عطاها را به ما عنایت نما، چنانکه حسینعَلَیهِ السَّلام را به محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه عطاکردی، خدایا! «فطرس» ملك به گهواره ی او پناه برد، ما به قبرش پناه آورده ایم، تربت پاکش را می نگریم و در انتظار بازگشتش به سر می بریم.

ص: ۳۳

ب) دعای افتتاح:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِکَ وَ ... تا آنجا که می فرماید:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی وَلِی أَمْرِکَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، حُفَّهُ بِمَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ، وَ أَیدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، یا رَبَّ الْعَالَمِین ...

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِیهَا مِنَ الدُّعَاهِ إِلَی طَاعَتِکَ، وَ الْقَادَهِ إِلَی سَبِیلِکَ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا کَرَامَهَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ، ... وَ انْصُرْنَا عَلَی عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِینَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْکُو إِلَیکَ فَقْدَ نَبِینَا، صَلَوَاتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ، وَ غَیبَهَ وَلِینَا، وَ کَثْرَهَ عَدُوِّنَا، وَ قِلَّهَ عَدَدِنَا، وَ شِدَّهَ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَینَا، فَصَلِّ عَلَی محمّد وَ آلِهِ، وَ أَعِنَّا عَلَی ذَلِکَ بِفَتْحٍ مِنْکَ تُعَجِّلُهُ، وَ بِضُرٍّ تَکْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَهٍ مِنْکَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَ عَافِیهٍ مِنْکَ تُلْبِسُنَاهَا، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».(۱)

بارالها! ما به درگاه تو شکایت می کنیم از فقدان پیامبرمانصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، و غیبت امام مان، و بسیاری دشمنان مان، و کمی تعدادمان، و فتنه های سخت بر ما، و غلبه ی روزگار بر ما، پس درود فرست بر محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه و آلش، و ما را در همه ی این امور یاری نما، به پیروزی زود رسی که از جانب خودت است، و برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت و یاری با اقتدار و عزّتمند، و سلطنت حقّه ای که تو آشکار گردانی، و رحمتی از توجّهت که بر همه ی ما شامل گردد، و لباس عافیت که ما را بپوشاند، به حق رحمت نامنتهایت، ای مهربانترین مهربانان عالم.

۱- ۱ . الإقبال بالأعمال الحسنه، ج ۱: ص۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۴: ص۳۳۲؛ تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۳: ص۱۰۸؛ زاد المعاد ، مفتاح الجنان: ص۸۹؛ المصباح للکفعمی، ص۵۸۱.

ج) دعای شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان:

عَنْ محمّد بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِینَ: قَالَ: وَ کَرِّرْ فِی لَیلَهِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَائِماً وَ قَاعِداً وَ عَلَی کُلِّ حَالٍ، وَ الشَّهْرِ کُلِّهِ، وَ کَیفَ أَمْکَنَکَ، وَ مَتَی حَضَرَکَ فِی دَهْرِکَ، تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِیدِ اللهِ تَعَالَی وَ الصَّلَاهِ عَلَی النَّبِی وَ آلِهِ::

«اللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیکَ الْقَائِمِ بِأَمْرِکَ، الْحُجَّهِ، محمّد بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِی، عَلَیهِ وَ عَلَی آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاهِ وَ السَّلَام، فِی هَذِهِ السَّاعَهِ وَ فِی کُلِّ سَاعَهٍ، وَلِیاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً، وَ نَاصِراً وَ دَلِیلًا وَ مُؤَیداً، حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فِیهَا طُولًا وَ عَرْضاً، وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّیتَهُ مِنَ الْأَئِمَّهِ الْوَارِثِینَ.

اللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ، وَ اجْعَلِ النَّصْرَ مِنْکَ لَهُ وَ عَلَی یدِهِ، وَ الْفَتْحَ عَلَی وَجْهِهِ، وَ لَا تُوَجِّهِ الْأَمْرَ إِلَی غَیرِهِ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِینَکَ وَ سُنَّهَ نَبِیکَ، حَتَّی لَا یسْتَخْفِی بِشَی ءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَرْغَبُ إِلَیکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِیهَا مِنَ الدُّعَاهِ إِلَی طَاعَتِکَ، وَ الْقَادَهِ إِلَی سَبِیلِکَ، وَ «آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ» وَ اجْمَعْ لَنَا خَیرَ الدَّارَینِ، وَ اقْضِ عَنَّا جَمِیعَ مَا تُحِبُّ فِیهِمَا، وَ اجْعَلْ لَنَا فِی ذَلِکَ الْخِیرَهَ بِرَحْمَتِکَ وَ مَنِّکَ فِی عَافِیهٍ، آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ، وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِکَ وَ یدِکَ الْمَلِی ءِ، فَإِنَّ کُلَّ مُعْطٍ ینْقُصُ مِنْ مِلْکِهِ، وَ عَطَاؤُکَ یزِیدُ فِی مِلْکِک».(۱)

مرحوم سید بن طاوس قدس سره در اقبال، به اسناد خودش از ائمّه ی اطهار: روایت نموده که: این دعا را در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، در حال سجده، برخاستن، نشستن، و در هر حال تکرار می کنی، و

۱- ۱ . الإقبال بالأعمال الحسنه، ج ۱: ص۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۴: ص۳۴۹، ح۱۶.

نیز هر قـدر که می توانی و هر گـاه که به یـادت آمـد در دوران زنـدگیت، می خوانی، پس از حمـد خـدای تبارک و تعالی، و درود بر پیامبر اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ بگو:

خداونـدا! برای ولی قائم به أمرت، حجّت بن الحسن مهـدیعَلَیهِ السَّلام، که بر او و بر پـدرانش بهترین درود و سـلام باد، در این سـاعت و در همه ی سـاعت هـا، سـرپرست و نگهبـان و پیشوا و یاور و راهنما و تأییـد کننـده باش، تا این که بر سراسـر زمینت فرمانروای مطاعش سازی، و از کران تا کران گیتی برخوردارش نمایی، و او و فرزندانش را از امامانِ وارث قرار دهی.

خـدایا! او را یاری نموده، و به وسـیله ی او پیروزی را برای (دین) خویش تحقّق بخش، و نصـرت خود را برای او و به دست او فراهم آور، و یاری را به او اختصاص ده، و فتح و پیروزی را به روی او بگشای و امر (حکومت) را به غیر او متوجّه مساز.

خداوندا! دینت و سنّت پیامبرت، که درود و سـلامت بر او و خاندانش باد، را به وسـیله ی او آشـکار نما، تا چیزی از حق را از بیم احدی از خلق مخفی ندارد.

خـدایا! من به درگـاه تو زاری می کنم به جهت دولتی گرامی که اسـلام و اهـل آن را به آن عزت دهی، و نفـاق و اهـل آن را خوار گردانی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت قرار داده، و در شـمار راهنمایان به راهت منظور داری، و «در دنیا حسـنه ای و در آخرت حسـنه ای به ما عنایت فرمای و ما را از عـذاب آتش نگهدار»، و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم ساز، و تمام آنچه در آن دوست داری برای ما قرار ده، و اختیار آن را برایمان محفوظ بدار، به رحمتت و منت خودت و با عافیت، اجابت فرمای، ای پروردگار عالمیان! و از فضل و نعمتت بر ما بیفزای (و پیمانه مان را) پر کن، که هر بخشـنده ای از دارائیش کاسته می شود، ولی عطای تو در ملکت می افزاید.

خـدایا! من به درگـاه تو زاری می کنم به جهت دولتی گرامی که اسـلام و اهـل آن را به آن عزّت دهی، و نفـاق و اهـل آن را خوار گردانی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت قرار داده، و در شـمار راهنمایان به راهت منظور داری، و «در دنیا حسـنه ای و در آخرت حسـنه ای به ما عنایت فرمای و ما را از عـذاب آتش نگهدار»، و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم ساز، و تمام آنچه در آن دوست داری برای ما قرار ده، و اختیار آن را برایمان محفوظ بـدار، به رحمت و منّت خودت و با عافیت، اجابت فرمای، ای پروردگار عالمیان! و از فضل و نعمتت بر ما بیفزای (و پیمانه مان را) پر کن، که هر بخشـنده ای از دارائیش کاسته می شود، ولی عطای تو در ملکت می افزاید.

ص: ۳۶

د) دعای عهد:

فی مصباح الزّائر، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ محمّد الصَّادِقِعَلَیهِ السَّلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَی اللهِ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ، كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللهُ تَعَالَی مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَهٍ أَلْفَ حَسَنَهٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَیِّئَهٍ، وَ هُوَ هَذَا:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِیِّ الرَّفِیعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ، وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ، وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ، وَ رَبَّ الْمَلَائِكَهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ الْأَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ ...»

در کتاب «مصباح الزّائر» مرحوم سید بن طاوس قدس سره از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام روایت نموده که حضرت فرمودند: هر کس چهل بامداد، دعای عهد را بخواند، از یاوران حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام خواهد بود، و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون می آورد، و با هر کلمه ی این دعا، هزار ثواب به او عطا فرماید، و هزار گناه از نامه ی عمل او محو نماید، تا آنجا که به خداوند عرضه می دارد:

«... اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَینِی وَ بَینَهُ الْمَوْتُ، الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلَی عِبَادِكَ حَتْماً مَقْضِیاً، فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی، مُؤْتَزِراً كَفَنِی، شَاهِراً سَیفِی، مُجَرِّداً قَنَاتِی، مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدَّاعِی، فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِی، اللَّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ، وَ الْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ، وَ اكْحُلْ نَاظِرِی بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیهِ، ...»(۱)

پروردگارا! اگر مرگ، که برای بندگانت یک امر حتمی قرار داده ای، میان من و آن حضرت جدائی انداخت، پس مرا از قبرم بیرون آور، تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده ام و نیزه ام را به دست

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۹۵، ح۱۱۱ و ج ۹۹: ص۱۱۱؛ زاد المعاد، ص۳۰۲ و ص۵۴۲.

گرفته ام، در میان آنها که در شهر حاضرند، یا آنان که کوچ می کنند، قرار گیرم و ندای دعوت کننده ی آن حضرت را اجابت کنم.

خداوندا! آن طلعت رعنا و آن صورت زیبا را به من بنما، و با نگاهی که به او می کنم، دیدگانم را روشن گردان.

۶_ زیارات و «رجعت»

در بسیاری از زیارتهائی که از ناحیه ی حضرات معصومین: رسیده است، اشاره به موضوع «رجعت» شده، که ما در این بخش به بعضی از آنها اشاره می نماییم:

الف) زیارت آل یاسین:

از محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل است که گفت: امام زمان۴ در جواب نامه ای، پس از جواب مسائل مختلفی، مرقوم فرمودند: بسم اللّه الرّحمن الرّحیم ... وقتی که خواستید به وسیله ی ما متوجّه خداوند تبارک و تعالی شوید، چنانکه خدا فرموده است، بگوئید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يس، السَّلَامُ عَلَيكَ يا دَاعِيَ اللهِ وَ رَبَّانِي آياتِهِ، ... وَ سَاقَ الزِّيارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ: ... وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللهِ أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ، وَ أَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيبَ فِيهَا، يوْمَ لا ينْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيراً، ...»(۱)

سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا ... مولای من! شما را گواه می گیرم و شهادت می دهم که شما حجّت خدا هستید، اوّل و آخر، شمائید، رجعت شما حق و بی تردید است، روزی که هرکس قبلاً

---

۱ – ۱ . الإحتجاج (للطبرسی)، ج ۲: ص۴۹۴؛ إلزام الناصب، ج ۲: ص۸۳؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۵۱، ح۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۷۱، ح۵.

ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری به دست نیاورده باشد، ایمانش سودی نبخشد. ...

ب) زیارت جامعه ی کبیره:

عَنْ مُوسَی بْنِ عَبْدِ اللهِ النَّخَعِی، عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِعَلَیهِ السَّلام، فِی الزِّیارَهِ الْجَامِعَهِ، وَ سَاقَ الزِّیارَهَ إِلَی أَنْ قَالَ:

«... عَارِفٌ بِحَقِّکُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِکُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِکُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ، مُعْتَرِفٌ بِکُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِیابِکُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِکُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِکُم ...»

از موسی بن عبد الله نخعی نقل است که گفت: حضرت امام علی الهادیعَلَیهِ السَّلام، در سه قسمت از زیارت جامعه ی کبیره، اشاره به رجعت ائمّه ی اطهار: نموده اند:

یکی در این قسمت زیارت که می خوانیم:

«... عَارِفٌ بِحَقِّکُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِکُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِکُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ، مُعْتَرِفٌ بِکُمْ، وَ مُؤْمِنٌ بِإِیابِکُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِکُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِکُمْ، ...»

... و من به حقّ شما عارف هستم، و بف فضل و برتری شما اقرار دارم و قبول دارم، و علوم شما را حق می دانم، و خود را در امان شما در آورده، دخیل شما شده ام، و به حقیت شما اعتراف می کنم، و به بازگشت شما معتقدم، و ایمان دارم، و تصدیق کننده ی رجعت شما هستم، و منتظر امر شما هستم، و انتظار زمان تشکیل دولت شما را می کشم ...

و در فرازی دیگر از این زیارت می خوانیم:

«... وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّهٌ، حَتَّی یحْیی اللهُ دِینَهُ بِکُمْ، وَ یرُدَّکُمْ فِی أَیامِهِ، وَ یظْهِرَکُمْ لِعَدْلِهِ، وَ یمَکِّنَکُمْ فِی أَرْضِهِ ...»

... و یاریم برای شما آماده است، تا آنکه خدا دینش را به وسیله ی شما زنده سازد، و شما را در ایام خود بازگرداند، و برای اجرای عدالتش پیروز سازد، و در زمین خودش تسلّط و تمکین بخشد ...

و در بخش دیگری از زیارت جامعه می خوانیم:

«... وَ جَعَلَنِی مِمَّنْ یقْتَصُّ آثَارَکُمْ، وَ یسْلُکُ سَبِیلَکُمْ، وَ یهْتَدِی بِهُدَاکُمْ، وَ یحْشَرُ فِی زُمْرَتِکُمْ، وَ یکِرُّ فِی رَجْعَتِکُمْ، وَ یمَلَّکُ فِی دَوْلَتِکُمْ، وَ یشَرَّفُ فِی عَافِیتِکُمْ، وَ یمَکَّنُ فِی أَیامِکُمْ، وَ تَقَرُّ عَینُهُ غَداً بِرُؤْیتِکُمْ ...»(۱)

... و مرا در زمره ی کسانی قرار ده، که در پی شما گام همی سپارند، و به راه شما می روند، و در پرتو هدایت شما راه همی جویند، و در جمع شما محشور می شوند، و در رجعت شما برای پیکار بر ضدّ دشمنانتان باز می گردند، و در دولت شما به حکومت می رسند، و در جوّی از سلامت و عافیت شما به شرف و علوّ مقام نائل می شوند، و در ایام شما عزّت و تمکین می یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می گردد.

ج) زیارت رجبیه:

مرحوم شیخ طوسی قدس سره از جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی(رضوان الله علیه)، که سوّمین نایب خاصّ حضرت صاحب الامر۴ بوده است، روایت کرده، که حضرت فرمودند: در ماه رجب، در هر زیارتگاهی از مشاهد مشرّفه که بودی، به این زیارت، صاحب آن مزار را زیارت کن، پس چون وارد حرم می شوی بگو:

«الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِی أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِیائِهِ فِی رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَینَا مِنْ

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۹۹ : ص۱۲۷، ح۴؛ عیون أخبار الرضا × ، ج ۲: ص۲۷۲، ح۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ی کبیره؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲: ص۶۰۹، ح۳۲۱۳.

حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَب ... وَ سَاقَ الزِّيارَهَ إِلَی أَنْ قَالَ:

... وَ أَنْ يرْجِعَنِی مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيرَ مَرْجِع إِلَی جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَ خَفْضٍ مُوَسَّعٍ وَ دَعَهٍ وَ مَهَلٍ إِلَی حِينِ الْأَجَلِ وَ خَيرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلٍّ فِی النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَ الْعَيشِ الْمُقْتَبَلِ وَ دَوَامِ الْأُكْلِ وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَ نَهَلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلَ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِياتُهُ حَتَّی الْعَوْدِ إِلَی حَضْرَتِكُمْ وَ الْفَوْزِ فِی كَرَّتِكُمْ وَ الْحَشْرِ فِی زُمْرَتِكُمْ ...»(۱)

و از خدا می خواهد که باز به سوی شما بازگردد، و تلاش و بازگشت او به سوی شما پایان نپذیرد، و این که با بهترین بازگشت در حضور شما بازگردد، یعنی به سوی آستانه ی پرنعمت و زندگانی آسوده و گسترده و فراخی و آرامش تا به هنگام سرآمد عمر و بهترین بازگشت و جایگاه در نعمت فراوان ازلی و زندگانی نو و خوراکی های پیوسته و نوشیدن شراب و نوشیدنی های گوارا و نوشیدن های پی درپی که از آن خسته و دلتنگ نگردم و رحمت، برکات و درودهای خدا بر شما، تا هنگام بازگشت به حضور شما و کامیاب گردیدن به حضور در رجعت شما، و زنده شدن جزو گروه شما ...

د) زیارت حضرت صاحب الامر۴:

زِيارَهٌ أُخْرَی يزَارُ بِهَا مَوْلَانَا صَاحِبُ الْأَمْرِ۴ إِذَا زُرْتَ الْعَسْكَرِيينِ۱، فَأْتِ إِلَی السِّرْدَابِ، وَ قِفْ مَاسِكاً جَانِبَ الْبَابِ، كَالْمُسْتَأْذِنِ وَ سَمِّ، وَ انْزِلْ وَ إليك السَّكِينَهَ وَ الْوَقَارَ، وَ صَلِّ رَكْعَتَينِ فِی عَرْصَهِ السِّرْدَابِ، وَ قُل:

پس از زیارت امامین عسکریین:، نزد سرداب غیبت حضرت صاحب الامر۴ برو، و کنار درب بایست، و درها را با دست خود بگیر، و صدا را در

۱- ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۹: ص۱۹۵؛ مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، ج ۲: ص۸۲۱؛ مفاتیح الجنان، زیارت رجبیه.

سینه رفت و برگشت بده، همانند کسی که اجازه ی وارد شدن می خواهد، و «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» بگو، و به آرامی، و با حضور قلب پایین برو، و در فضای سرداب دو رکعت نماز بخوان، سپس بگو:

«اللهُ أَکْبَرُ اللهُ أَکْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَکْبَرُ، وَ للهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ للهِ الَّذِی هَدانا لِهذا، وَ عَرَّفَنا أَوْلِیاءَهُ ... وَ سَاقَ الزِّیارَهَ إِلَی أَنْ قَالَ:

... اللَّهُمَّ کَمَا جَعَلْتَ قَلْبِی بِذِکْرِهِ مَعْمُوراً، فَاجْعَلْ سِلَاحِی بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً، وَ إِنْ حَالَ بَینِی وَ بَینَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلَی عِبَادِکَ حَتْماً، وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَی خَلِیقَتِکَ رَغْماً، فَابْعَثْنِی عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِراً مِنْ حُفْرَتِی، مُؤْتَزِراً کَفَنِی، حَتَّی أُجَاهِدَ بَینَ یدَیهِ فِی الصَّفِّ الَّذِی أَثْنَیتَ عَلَی أَهْلِهِ فِی کِتَابِکَ، فَقُلْتَ: «کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ»

اللَّهُمَّ طَالَ الِانْتِظَارُ، وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ، وَ صَعُبَ عَلَینَا الِانْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِیکَ الْمَیمُونِ فِی حَیاتِنَا وَ بَعْدَ الْمَنُونِ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَدِینُ لَکَ بِالرّجعه بَینَ یدَی صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَهِ ...»(۱)

خدایا! چنانکه دلم را با یادش آباد کردی، پس اسلحه ام را در جهت یاری اش آماده گردان، و اگر مرگ، که بر بندگانت حتم نمودی، و با آن بر آفریده هایت علی رغم آنان، قدرت نمایی کردی، بین من و دیدارش فاصله انداخت، پس مرا به هنگام ظهورش برانگیز، تا از قبرم سر برآورم، درحالی که کفن پوشیده ام، در پیش رویش به جهاد برخیزم، در صفی که در قرآنت، بر اهل آن ستایش نمودی، و فرمودی: «گویی آنان بنای استوارند».

خدایا! انتظار ما طولانی شد، و ناپاکان ما را شماتت کردند، و به دست آوردن پیروزی بر ما سخت گشت.

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۹۹: ص۱۰۳؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر f .

خـدایا! جمال بامیمنت ولیّ ات را، در حیاتمان، و پس از مرگ، به ما بنمایان، خـدایا! من در پیشـگاه صاحب این بارگاه، برای تو به رجعت ایمان دارم ...

هـ) زیارت ائمّه ی اطهار: از راه دور:

مرحوم شـیخ طوسی قدس سره در کتاب «مصباح» در اعمال روز جمعه، از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام نقل می کند که آن حضـرت فرمودند: هرکه بخواهد از راه دور پیامبر اکرمصَـلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، حضرت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام، حضرت زهراء قدس سره و یا یکی از ائمّه ی اطهار: را زیارت کند، غسل کند ... و بگوید:

«...إِنِّی مِنَ الْقَائِلِینَ بِفَضْلِکُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکُمْ، لَا أُنْکِرُ لِلّهِ قَدْرَهُ، وَ لَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ الله ...»(۱)

من از کسانی هسـتم که اعتقاد به فضل شـما دارم، رجعت شـما را اقرار می کنم، و این قدرت را از خداوند انکار نمی نمایم، و به چیزی جز آنچه خداوند می خواهد عقیده ندارم ...

و) زیارت اربعین امام حسینعَلَیهِ السَّلام:

مرحوم شـیخ طوسـی قدس سره در کتاب «تهذیب» و «مصباح»، در زیارت اربعین امام حسینعَلَیهِ السَّلام از صفوان بن مهران نقل می کند که حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: در زیارت اربعین بگو:

«... وَ أَشْهَدُ أَنِّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِإِیابِکُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِینِی، وَ خَوَاتِیمِ عَمَلِی، وَ قَلْبِی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ، وَ أَمْرِی لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ، وَ نُصْرَتِی لَکُمْ

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۷: ص۱۸۹، ح۱۲؛ مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، ج ۱: ص۲۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴: ص۵۷۹.

مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللهُ لَكُم، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ ...»(۱)

... و شهادت می دهم که من به شما ایمان دارم، و به بازگشتتان، و احکام دینم، و سرانجام کارم یقین دارم، در هر امر پیرو شما هستم، و نیرویم برای نصرتتان آماده است، تا وقتی که خدا به شما رخصت خروج دهد، با شمایم، با شما، نه با دشمنان شما ...

۷_ زیبائی های «رجعت»

وقتی انسان به آیات قرآن کریم و تفاسیر آنها و روایاتی که از ناحیه ی ائمّه ی اطهار: به ما رسیده است، به دقّت می نگرد، می بیند در زمان «رجعت» زندگی چه قدر زیبا خواهد شد.

تصوّر کنید، زندگی در زمان «رجعت» در کنار شخصیت هایی مثل پیامبر اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ و ائمّه ی اطهار:، که زنده می شوند و حضور دارند، چه قدر لذّت بخش و زیبا است.

حتّی وقتی انسان فکر ملاقات با بعضی از اصحاب پیامبر اکرم و امیر مؤمنانعَلَیهِما السَّلام، مثل جناب سلمان، را می کند، و یا دیدن شهدای کربلا، مثل حضرت علی اکبر و حضرت قاسمعَلَیهِما السَّلام، از جوانان، و جناب حبیب بن مظاهر، از پیرمردان را، به بخشی از زیبائی های رجعت پی می برد.

پس «رجعت» نقطه ی امید ی است، برای هر شیعه ی معتقد، و منتظر امام زمان۴، که اگر هم در طول عمرش توفیق دیدن مولایش حضرت صاحب الزّمان۴ را پیدا نکند، با امید به آینده، هیچ گاه خودش را در مقابل حوادث ناگوار زندگی نمی بازد، و با خواندن ادعیه ی مخصوص، از خداوند متعال می خواهد، که او را جزو رجعت کنندگان در زمان ظهور

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۸: ص۳۳۱، ح۲؛ تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۶: ص۱۱۳؛ مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، ج ۲: ص۷۸۸.

حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، قرار دهد.

۸_اقوال علماء در باره ی «رجعت»

اجماع علمای شیعه، احادیث رجعت را متواتر دانسته اند از جمله:

الف) مرحوم علامه شیخ صدوق قدس سره می فرماید:

و قد صحّ أنّ الرّجعه کانت فی الامم السّالفه، وَ قَالَ النَّبِیصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه: «یکُونُ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ مِثْلُ مَا یکُونُ فِی الْأُمَمِ السَّالِفَهِ، حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّهِ».

فیجب علی هذا الأصل أن تکون فی هذه الأمّه رجعه.(۱)

«قول صحیح آن است که رجعت در میان امّت های پیشین بود است، و پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه فرمودند: «هر آنچه در بین امّت های پیشین اتفاق افتاده، در این امّت نیز اتفاق خواهد افتاد»، پس واجب است که در این امّت نیز «رجعت» باشد».

قَالَ الشَّیخُ الصَّدُوقُ فِی کِتَابِهِ الِاعْتِقَادَاتِ: إعتقادنا فِی الرّجعه أَنَّهَا حَقٌّ.(۲)

شیخ صدوق قدس سره در کتاب اعتقادات می گوید: عقیده ی ما، درباره ی رجعت این است که این رویداد قطعاً به وقوع می پیوندد.

ب) مرحوم علامه شیخ مفید قدس سره می فرماید:

«فقال: و قد قالت الإمامیه إن الله تعالی ینجز الوعد بالنصر للأولیاء قبل الآخره عند قیام القائم و الکرّه التی وعد بها المؤمنین فی العاقبه».(۳)

۱- ۱ . اعتقادات الإمامیه (للصدوق)، ص۶۲.

۲- ۲ . اعتقادات الإمامیه (للصدوق)، ص ۶۰، باب۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۲۸.

۳- ۳ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۱۳۰؛ الفصول المختاره، ص۱۵۳.

«امامیه ها معتقدند که خداوند تعالی با نصرت دوستان خود، پیش از آخرت هنگام قیام حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام، و در آن رجعتی که راجع به آخر کار به مؤمنین وعده داده، به وعده ی خویش وفا می کند».

ج) مرحوم علامه سیّد مرتضی قدس سره ، از علمای بزرگ شیعه، می گوید:

«انّ الذی تذهب الشیعه الإمامیه إلیه انّ الله تعالی یعید عند ظهور إمام الزّمان المهدیعَلَیهِ السَّلام قوماً ممّن کان قد تقدّم موته من شیعته لیفوزوا بثواب نصرته و معونته و مشاهده دولته، و یعید أیضاً قوماً من أعدائه لینتقم منهم فیلتذّوا بما یشاهدون من ظهور الحقّ و علوّ کلمه أهله، و الدّلاله علی صحّه هذا المذهب انّ الذی ذهبوا إلیه ممّا لا شبهه علی عاقل فی انّه مقدور لله تعالی غیر مستحیل فی نفسه، فانّا نری کثیرا من مخالفینا ینکرون الرّجعه إنکار من یراها مستحیله غیر مقدوره، و إذا ثبت جواز الرّجعه و دخولها تحت المقدور فالطریق الی إثباتها إجماع الإمامیه علی وقوعها فإنّهم لا یختلفون فی ذلک، و إجماعهم قد بینا فی مواضع من کتبنا انّه حجّه لدخول قول الإمام علیه السّلام فیه، انتهی». (۱)

«خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از کسانی که قبلاً از دنیا رفته اند به این جهان باز می گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده ی حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، و نیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا از آنها انتقام گیرد... دلیل بر صحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که این، امر محالی نیست در حالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می کنند که گوئی آن را محال و غیر

۱- ۱ . سفینه البحار، ج۳: ص۳۱۵، (ماده ی رجع).

ممکن می شمرند... دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است».

د) مرحوم علامه شیخ حرّ عاملی قدس سره ضمن بیان بیش از ششصد حدیث و بیش از شصت آیه می گوید:

«... و لا ریب فی بلوغ الاحادیث المذکوره حدّ التواتر المعنوی بدلیل ایجابها للیقین، لکلّ من خلا قلبه من شبهه أو تقلید...»(۱)

«هیچ شکی نیست که این احادیث به تواتر معنوی رسیده است، زیرا برای کسی که قلبش از شبهه و تقلید پاک باشد، موجب یقین و قطع می شود.

و در جای دیگر می فرماید:

«... و قوه أحادیث الرّجعه و ادلتها کما رأیت، فانها وصلت الی حدّ التّواتر، بل تجاوزت بمراتب، فأوجبت القطع و الیقین بل کل حدیث منها موجب لذلک لکثره القرائن القطعیه من موافقه القرآن و الادلّه و السنّه النبویه ...»(۲)

«... و احادیث و ادلّه ی رجعت، چنانکه معلوم شد، در کمال قوّت بلکه بحد تواتر یا به درجاتی بالاتر از تواتر است، از این جهت موجب قطع و یقین است، بلکه می توان گفت هریک از این احادیث به لحاظ شواهد قطعی زیادی که دارد موجب یقین است، زیرا با قرآن و ادلّه و سنّت پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ موافق است ...»

هـ) مرحوم علامه مجلسی قدس سره بعد از نقل احادیث رجعت می گوید:

«اجمعت الشیعه علیها فی جمیع الأعصار و اشتهرت بینهم کالّشمس

ص: ۴۷

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۳.

۲- ۲ . همان، ص۴۲۸.

فی رابعه النهار الی قوله: و کیف یشک مؤمن بحقیه الأئمه الأطهار: فیما تواتر عنهم فی قریب من مائتی حدیث صریح رواها نیف و اربعون من الثقات العظام و العلماء الأعلام فی ازید من خمسین من مؤلّفاتهم ک: ثقه الأسلام الکلینی، و الصدوق محمّد بن بابویه، و الشیخ ابی جعفر الطوسی، و السید المرتضی، و النجاشی، و الکشّی، و العیاشی، و علی بن ابراهیم، و سلیم الهلالی، و الشیخ المفید، و الکراجکی، و النعمانی، و الصفّار، و سعد بن عبد اللّه، و ابن قولویه، و علی بن عبد الحمید، و السید علی بن طاووس۵، و...»

«شیعه در تمام اعصار معتقد به رجعت بوده و این اعتقاد در میان آنان مسأله ای روشنی است.

سپس می افزاید:

چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار اهل بیت: ایمان داشته باشد و احادیث متواتر رجعت را نپذیرد؟

بیش از چهل نفر از علمای بزرگ شیعه، به طور متواتر، نزدیک دویست روایت را در بیش از پنجاه کتاب خود راجع به رجعت نقل کرده اند، که مرحوم کلینی، صدوق، طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کشّی، عیاشی، قمی، سلیم هلالی، شیخ مفید، کراچکی، نعمانی، صفّار، سعد بن عبد اللّه، ابن قولویه، علی بن عبد الحمید و سید بن طاووس۵، در زمره ی آنها هستند».

سپس می گوید:

«و اذا لم یکن مثل هذا متواترا ففی ای شی ءٍ یمکن دعوی التواتر مع ماروته کافّه الشیعه خلفا عن سلف؟!»(۱)

ص: ۴۸

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۲۲.

«اگر چنین مسأله ای متواتر قلمداد نشود، دیگر در چه مسأله ای می توان ادعای تواتر نمود، با آن که مسأله ی رجعت را تمام علمای شیعه در طول تاریخ از یکدیگر نقل نموده اند».

۹_ کتابنامه ی رجعت

چون مسئله ی «رجعت» یکی از اعتقادات ویژه ی شیعیان است و همواره مورد انتقاد و تهاجم دشمنان بوده، عالمای شیعه، کتابهای فراوانی پیرامون این موضوع تألیف نموده اند، و ما در اینجا به تعدادی از عناوین کتابهائی که مستقلاً در موضوع «رجعت» تألیف شده است، به ترتیب حروف تهجّی، اشاره می نمائیم:

۱. «آیات الحجه و الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّدعلی حائری همدانی، متوفّای ۱۳۷۸ ق.

۲. «آیات الرّجعه»، تألیف: حاج میرزا محسن عماد، مشهور به خوشنویس و متخلص به «اردبیلی» که در سال ۱۳۵۷ ق، در تهران به چاپ رسیده است.

۳. «الآیات المأوله بالحجه و الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی(معروف به سنقری)، متوفّای ۱۳۷۸ ق، این اثر کتاب مفصلی است درباره ی امام زمانعَلَیهِ السَّلام و قیام آن حضرت و رجعت، با استفاده از آیات و روایات و کتب شیعی و سنّی، و مرحوم حاج سید محمّد حسینی یزدی فیروزآبادی، تقریظی را بر آن نگاشته است.

۴. «اثبات الرّجعه»، تألیف: محدّث متبحّر و جلیل القدر مرحوم علامه محمّد باقر مجلسی، متوفّای سال ۱۱۱۰ ق، شیخ حرّ عاملی و محدّث نوری، از این کتاب به نام «رساله فی الرّجعه» نام برده اند.

توضیح: مرحوم شیخ حرّ عاملی و مرحوم محدّث نوری از آن به «رساله فی الرّجعه» تعبیر کرده اند، ولی صاحب «الذّریعه» از آن به «اثبات الرّجعه» یاد نموده است. مصحّح بحارالانوار در شرح حال مرحوم علامه مجلسی قدس سره می نویسد: «این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده است»، در حالی که این کتاب در سال ۱۰۷۸ ق، تألیف شده و در سال ۱۲۶۰ ق، در هندوستان به چاپ رسیده است، و اخیراً با تحقیقات آقای ابوذر بیدار در ۱۴۴ صفحه ی وزیری، تحت عنوان «رجعت» در تهران انتشار یافته است.

۵. «اثبات الرّجعه»، تألیف: مرحوم علامه بزرگوار آقا جمال خوانساری، متوفّای سال ۱۱۲۵ ق.

۶. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ حسن بن سلیمان بن محمّد حلّی، صاحب کتاب «مختصر بصائر الدرجات» که از شاگردان شهید اوّل و از محدثین عالیقدر شیعه در قرن هشتم هجری بوده است.

۷. «اثبات الرّجعه»، تألیف: آیه اللّه علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، مشهور به علامه حلّی، از علمای قرن هشتم، متوفّای سال ۷۲۶ ق.

۸. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ نور الدین علی بن حسین بن عبد العالی، مشهور به محقّق کرکی، متوفّای سال ۹۴۰ ق، از علمای نامی شیعه ی امامیه.

۹. «اثبات الرّجعه»، تألیف: میر محمّد عباس بن علی اکبر موسوی تستری، مفتی لکهنو، متوفّای ۱۳۰۶ ق.

۱۰. «اثبات الرّجعه»، تألیف: ملا سلطان محمود بن غلام علی طبسی، از محدثین عالیقدر قرن ۱۱ ق، و از شاگردان مرحوم علامه مجلسی قدس سره .

۱۱. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ شرف الدین یحیی بحرانی، شاگرد محقّق کرکی و نایب او در یزد، و صاحب کتاب «اسامی المشایخ فی ذکر علماء الشیعه».

۱۲. «اثبات الرّجعه»، تألیف: میرزا حسن بن ملا عبد الرزاق لاهیجی قمی،

مؤلّف کتاب «شمع الیقین»، که آن را به فارسی نوشته است.

۱۳. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد رضا طبسی، متوفّای ۱۴۰۵ ق، که در سال ۱۳۵۴ ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده و به عربی و اردو نیز ترجمه شده است.

۱۴. «اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ سلیمان بن احمد آل عبد الجبار قطیفی، متوفّای ۱۲۶۶ ق.

۱۵. «اثبات الرجعه»، تألیف: حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی، متوفّای ۱۳۹۰ ق، که در سال ۱۳۶۳ ق، در تبریز چاپ شده است.

۱۶. «اثبات الرّجعه»، تألیف: ابو محمّد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن ۳ هجری، متوفّای سال ۲۶۰ ق، و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادیعَلَیهِما السَّلام، بوده و ۱۸۰ جلد کتاب پر ارج از خود به یادگار گذاشته، که سه جلد آنها مربوط به رجعت است، ولی متأسفانه از کتاب «اثبات الرّجعه» ایشان، تنها گزیده ی آن به نام «منتخب اثبات الرّجعه» موجود است.

۱۷. «اثبات الرّجعه»، تألیف: علی آل محسن، چاپ اوّل، تهران، مشعر، ۱۰۳صفحه، جیبی، ۱۴۲۹ق.

۱۸. «احادیث الرّجعه»، تألیف: آیت الله سیّد حسن صدر، متوفّای ۱۳۵۴ ق.

۱۹. «احیاء السنّه و اماته البدعه»، در اثبات رجعت، تألیف: سید دلدار علی نصر آبادی نقوی، متوفّای ۱۲۳۵ ق، که در هندوستان به چاپ رسیده است.

۲۰. «ارشاد الجهله المصرین علی انکار الغیبه و الرّجعه» منسوب به مرحوم ملا محمّد هاشم هروی خراسانی، از علماء و محدثین قرن ۱۲ هجری، عربی.

۲۱. «الامامیه و الرّجعه»، تألیف: میرزا عبد اللّه رزّاق همدانی، متوفای۱۲۹۱ ق، ردّیه بر کتاب «اسلام و رجعت» نوشته ی یکی از شاگردان شریعت سنگلجی، به نام فرید تنکابنی.

ص: ۵۱

۲۲. «انیس المحجّه فی کیفیه الرّجعه»، تألیف: مرحوم آیت الله میرزا محمّد باقر بن شیخ حسینعلی فقیه ایمانی اصفهانی، متوفّای ۱۳۷۰ ق.

۲۳. «ایقاظ الامّه من الضّجعه فی اثبات الرّجعه»، تألیف: سید محمّد مهدی بن محمّد موسوی خوانساری کاظمی، متوفّای ۱۳۹۱ ق، چاپ اوّل ۱۳۶۶ ق، در بغداد.

۲۴. «الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه»، تألیف: مرحوم علامه الشیخ محمّد بن الحسن الحر العاملی، صاحب «وسائل الشیعه»، از علمای قرن ۱۱ قمری، عربی، چاپ اوّل ۱۳۸۱ ق، قم، علمیّه،۴۳۲ص، وزیری، ترجمه به فارسی: احمد جنّتی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاّتی، چاپ اوّل ۱۳۶۲شمسی، تهران، نوید، وزیری.

۲۵. «الایمان و الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد علی بن محمّد جواد شاه آبادی، (۱۲۵۳-۱۳۲۸ ش)، چاپ اوّل ۱۳۶۸ ق، سنگی، تهران، ۱۹۲ ص، رقعی، به همراه «الانسان و الفطره»، عربی.

۲۶. «ایمان به رجعت اهل بیت:»، یا صفیر ولایت، شرح زیارت جامعه ی کبیره، تألیف: آیت الله سیّد محمّد ضیاء آبادی، تهران، ۸۵، پالتوئی، ۱۸ص، فارسی/عربی.

۲۷. «ایمان و رجعت»، تألیف: سید جلال الدین حسینی ارموی، معروف به محدث ارموی، متوفّای ۱۳۹۹ هجری، ۴ جلد، خطی، نسخه ی کتابخانه ی فرزند مؤلّف در تهران، فارسی.

۲۸. «ایمان و رجعت»، تألیف: سید احمد شبیری زنجانی، معروف به آقا سید احمد زنجانی، متوفّای ۱۳۹۳ هجری، که در سال ۱۳۵۹ هجری تألیف کرده و یاوه گویی های عبدالوهّاب فرید تنکابنی را پاسخ گفته است.

۲۹. «بازگشت: نگاهی به مبحث رجعت»، تألیف: سیّد مجتبی حسینی، تهران، ۱۳۸۲ش، رقعی، ۱۸۸ص، فارسی.

۳۰. «بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، تحلیل و بررسی مسئله ی رجعت»،

تألیف: خدامراد سلیمیان، قم، ۸۴ ش، رقعی، ۲۶۴ ص، فارسی.

۳۱. «بازگشت شهید در رجعت»، محمّد جواد خراسانی (متوفای ۱۳۹۷ق)، متن پیاده شده از سخنرانی وی، فارسی.

۳۲. «بحث حول الرّجعه»، تألیف: سید محمّد صدر، چاپ اوّل ۱۴۱۴ ق، بیروت، دار الاضواء، ۳۶ ص، جیبی، عربی.

۳۳. «برهان الشیعه فی اثبات الرّجعه»، تألیف: سید محمّد علی بن شرف الدین سنقری، چاپ اوّل ۱۳۶۹ ق، ۱۶۵ ص، در ردّ «کشف الحقّ»، محمّد بن جعفر گلپایگانی سنقری.

۳۴. «برهان الشیعه فی اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ عباس علی شاهرودی، چاپ اوّل۱۳۵۴ ق، سنگی، تهران، ۵۶ ص، جیبی، اثبات امکان رجعت، وقوع آن در امت های پیشین، بررسی سند روایات رجعت و دفع شبهات، فارسی.

۳۵. «بشارت الرّجعه یا بازگشت مردگان به دنیا»، تألیف: سید هبه اللّه بهشتی لاری، چاپ اوّل ۱۳۵۴شمسی، تهران، انتشارات گلی، ۱۷۶ ص، وزیری، فارسی، مؤلّف در این کتاب به اثبات رجعت به وسیله ی علوم طبیعی و روان شناسی پرداخته است.

۳۶. «بشاره الفرج»، تألیف: ملا محمّد بن عاشور کرمانشاهی تهرانی، معاصر فتحعلی شاه قاجار، صاحب کتاب «اعتذار الفقیر»، متوفای ۱۲۵۰هجری.

۳۷. «بعث الاموات قبل ظهور الحجّه»، تألیف: شیخ محمّد باقر بهاری همدانی(متوفای۱۳۳۳ ق)، عربی.

۳۸. «بیان الفرقان»، تألیف: شیخ مجتبی قزوینی، متوفّای ۱۳۸۷ هجری، چاپ اوّل ۱۳۸۰ ق، مشهد، انتشارات توس،۳۲۰ ص، وزیری، فارسی، که جلد پنجم آن را تحت عنوان «غیبت و رجعت» به مسئله ی رجعت اختصاص داده، شبهات مخالفان را پاسخ گفته است.

۳۹. «بیداری امّت در اثبات رجعت»، ترجمه ی کتاب: «ایقاظ الامّه من الضّجعه فی اثبات الرّجعه»، مترجم: ابوالقاسم سحاب، متوفّای ۱۳۳۵شمسی، چاپ اوّل ۱۳۳۱شمسی، تهران.

۴۰. «پاسخ نامه ی ازگلی»، تألیف: سید علی نقی بن محمّد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای ۱۴۰۵ ق)، چاپ اوّل ۱۳۵۳ ق، تهران، کتابخانه ی ایران، ۸۴ص، رقعی، فاسی.

توضیح: این کتاب در پاسخ نامه ی عیسی ازگلی شمیرانی تهرانی، در اثبات رجعت با زبان ساده، و پاسخ اجمالی به انحرافات و شبهات شریعت سنگلجی است.

۴۱. «تحفه الشیعه در اثبات رجعت و ظهور ائمّه»، تألیف: حسین بن نصر الله ابن صادق الموسوی الحسینی الارومی، (متوفای۱۳۶۹ ق)، حسین عرب باغی، (۱۲۵۶ -۱۳۲۹)، چاپ اوّل ۱۳۳۵ ق، تبریز، به همراه «التحفه المهدویّه»، رحلی؛ چاپ پنجم ۱۳۵۸ ش، قم، وزیری، فارسی.

۴۲. «تحفه اهل الایمان لصاحب العصر و الزّمان۴»، تألیف: محمّد بن عبد علی بن محمّد بن عبدالجبّار (ق۱۳)، نسخه ی کتابخانه ی وزیری یزد، شماره ی ۸۰۶، کتابت ۱۲۵۹ق، ۱۱۱ برگ، بحث در آیات و احادیث رجعت، عربی.

۴۳. «تفریح الکربه عن المنتقم لهم فی الرّجعه»، تألیف: سید محمود بن فتح اللّه حسینی کاظمی نجفی، متوفّای سال ۱۰۸۵ ق، عربی، نویسنده از معاصرین مرحوم شیخ حرّ عاملی بوده، و مرحوم شیخ در مقدمه ی کتاب «الایقاظ»، به این کتاب و مؤلّف محترم آن اشاره نموده است.

۴۴. «تلازم بین رجعت و ولایت»، مؤلّف ناشناخته، نسخه ی کتابخانه ی مدرسه ی آیت الله گلپایگانی، در مجموعه ی شماره ی ۳۱، بیان تلازم رجعت با ولایت امیر مؤمنانعَلَیهِ السَّلام به سبک عرفانی، فارسی.

۴۵. «تناسخ و مقایسه ی آن با رجعت»، تألیف: ایرج حافظی(ق ۱۴)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ۱۳۷۷ش، استاد راهنما دکتر محمّد ذبیحی خبیری، فارسی.

۴۶. «تنبیه الامه فی اثبات الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد رضا طبسی خراسانی نجفی(۱۲۸۲-۱۳۶۳ ش۱۴۰۵/ ق)، چاپ اول ۱۳۴۵ ق، نجف، چاپخانه الغری،۳۲ ص، وزیری؛ چاپ دوم ۱۳۵۴ ق، نجف، ۴۸ ص، رقعی، آیات و احادیث رجعت، امکان رجعت، کتابنامه رجعت، ضروری بودن اعتقاد به رجعت، فارسی.

۴۷. «تنبیه الامه فی اثبات الرّجعه»، تألیف: الشیخ محمّد رضا الطبسی الخراسانی النجفی، وفات ۱۴۰۵ ق، قطع وزیری، فارسی، که در سال ۱۳۵۴ ق، در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

۴۸. «جامعه البیان فی رجعه صاحب الزمان»، تألیف: علی بلادی بحرانی(۱۲۷۴-۱۳۴۰ ق)، نسخه ی کتابخانه ی شیخ محمّد صالح، خواهرزاده ی مؤلّف در قطیف، قصیده ای است در چهارصد بیت، عربی.

۴۹. «الجواهر المنضود فی اثبات الرّجعه الموعود»، تألیف: شیخ احمد بیان اصفهانی از فضلای معاصر، متولد سال ۱۳۱۴ ق.

۵۰. «جوهر المقصود فی اثبات الرّجعه الموعود»، تألیف: احمد بن محمّد حسن بیان الواعظین اصفهانی(۱۳۱۴-۱۳۷۱ ق)، چاپ اوّل ۱۳۵۴ ق، تهران، فارسی.

۵۱. «الحجّه و الرّجعه»، تألیف: محمّد بن حسین بن مهدی مهدوی سعیدی لاهیجی (متوفای۱۴۰۳ق)، عربی.

۵۲. «حذو النّعل بالنّعل»، تألیف: ابو محمّد فضل بن شاذان ازدی نیشابوری، از اعلام قرن سوّم هجری، متوفّای سال ۲۶۰ ق، عربی.

۵۳. «حذو النّعل بالنّعل»، تألیف: شیخ صدوق ابو جعفر محمّد بن علی بن

حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، عربی.

توضیح: فضل بن شاذان و شیخ صدوق، عنوان کتابشان را از حدیث معروف رسول اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ گرفته اند که می فرمایند: آنچه در امّت های پیشین واقع شده، مو به مو در این امّت نیز واقع خواهد شد. متن حدیث در بخش «رجعت در امّت اسلامی» آورده شده است.

۵۴. «حیاه الاموات بعد الموت»، تألیف: شیخ احمد بن ابراهیم بحرانی، متوفّای سال ۱۱۳۱هجری، که پسرش در «لؤلؤ البحرین» از آن یاد کرده است.

۵۵. «حیات الاموات»، تألیف: آقا جمال الدین محمّد بن آقا حسین خوانساری(متوفای ۱۱۲۵ ق)، فارسی.

توضیح: این اثر در سال ۱۱۰۶ قمری، برای شاه سلطان حسین صفوی، درباره ی رجعت و بازگشت ائمّه ی اطهار: و گروهی از مؤمنان در عصر حضرت حجّت۴، تألیف شده است.

۵۶. «دحض البدعه من انکار الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی(معروف به سنقری)، متوفّای ۱۳۷۸ ق، چاپ اوّل ۱۳۵۴ ق، نجف، ۶۴ ص، وزیری، عربی.

توضیح: در این اثر مباحثی پیرامون اصل امامت و اثبات دوازده نفر بودن آنان و نصوص مربوط به امام منتظرعَلَیهِ السَّلام و مسأله ی رجعت مطرح شده، و با استفاده از روایات و اقوال علمای شیعه و سنّی ضروری بودن رجعت را نزد شیعه به اثبات رسانده است، و در پایان کتاب نامه ای از کتب شیعه و سنّی در این باره ارائه داده است.

۵۷. «دعائم الدّین و کشف الرّیبه فی اثبات الکره والرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد محسن بن عنایت الله مشهدی (قرن ۱۲)، عربی.

۵۸. «دلائل الرّجعه، یا ایمان و رجعت»، این کتاب به نام میرزا غلامعلی

ص: ۵۶

عقیقی کرمانشاهی، منتشر شده، لکن به گفته ی صاحب «الذّریعه» مؤلّف حقیقی آن، آقای شیخ حسن علامی کرمانشاهی (۱۳۰۵-۱۳۹۴ ق)، فاضل معاصر است، چاپ اول ۱۳۲۳ ش،کرمانشاه، شرکت سعادت، ۱۳۹صفحه، فارسی، رقعی، که نام خود را مستور داشته، و ردّیه ای است بر کتاب «اسلام و رجعت»، که و به تفاوت رجعت و تناسخ می پردازد.

۵۹. «الدّین و الرّجعه»، تألیف: محمّد حسن تبریزی، در ردّ کتاب «اسلام و رجعت» اثر شریعت سنگلجی، در زمینه ی اسناد احادیث رجعت، عربی.

۶۰. «الرّجعه»، تألیف: ابی نضر محمّد بن مسعود عیاشی سمرقندی، صاحب کتاب تفسیر معروف عیاشی، و از بزرگان شیعه در قرن ۳ هجری، و از معاصرین ثقه الاسلام شیخ کلینی قدس سره بوده است.

۶۱. «الرّجعه»، تألیف: رئیس المحدثین، محمّد بن علی بن بابویه، مشتهر به «شیخ صدوق قدس سره » متوفّای سال ۳۸۱، و صاحب تألیفات کثیره.

۶۲. «الرّجعه»، تألیف: حمد بن صالح بن طوق قطیفی، نسخه ی کتابخانه ی آیت الله مرعشی، رساله ی دوازدهم از مجموعه ی شماره ی ۲۳۵۸، به خط مؤلّف، عربی.

۶۳. «الرّجعه»، تألیف: ابو یحیی احمد بن داوود بن سعید فزاری جرجانی، (قرن سوّم) از مستبصرین و اصحاب امام هادیعَلَیهِ السَّلام، عربی.

توضیح: ابو یحیی احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی، از عالمان بلند مرتبه ی تشیع در قرن سوّم هجری است. او در گذشته از عالمان اهل سنّت بود و سپس به مذهب اهل بیت: گروید. وی در عصر امام هادیعَلَیهِ السَّلام می زیسته و کتاب هایی در دفاع از مکتب تشیع نوشته است. شیخ طوسی در رجال خود، وی را در شمار یاران امام هادیعَلَیهِ السَّلام

ذکر کرده است. محمّد بن طاهر خزاعی، والی خراسان دستور داد او را، به خاطر ردّ یک حدیث که به دروغ در مورد خلیفه ی دوّم گفته شده بود، هزار ضربه شلاق بزنند، و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آن گاه به دار آویزند!

۶۴. «رجعت»، تألیف: ابراهیم ابراهیمی، قم، ۱۳۸۱ش، قطع پالتوئی، ص۷۲، فارسی.

۶۵. «رجعت»، نویسنده: علامه محمّد باقر مجلسی، تحقیق: ابوذر بیدار، تهران، ۸۴ ص، وزیری، ۱۴۴ص، فارسی.

۶۶. «رجعت» تألیف: سید ابو الحسن رفیعی حکمی قزوینی (متوفای ۱۳۹۵ ق)، چاپ اوّل ۱۳۵۳، تهران، کتابفروشی اسلام، ۳۸ ص، جیبی، فارسی، در سال ۱۳۶۹ قمری، با عنوان «رجعت و معراج»، به ضمیمه ی هفت مقاله ی دیگر، و در سال ۱۳۸۹ قمری، با عنوان «رجعت پس از ظهور»، چاپ سوّم ۱۳۹۷ قمری، تهران، کتابفروشی اسلام، ۵۰ص، رقعی.

۶۷. «الرّجعه»، تألیف: عبد الکریم بهبهانی، چاپ اوّل، قم، مجمع جهانی اهلبیت:، ۲۵صفحه، رقعی، ۱۴۲۲ق.

۶۸. «رجعت»، تألیف: محمّد باقر بهبودی، چاپ اوّل ۱۳۵۷ش، تهران، معراجی، نسخه ی کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی، ۳۸ ص، فارسی.

۶۹. «رجعت»، تألیف: سلیمان بن محمّد گیلانی تنکابنی، قرن ۱۲، نگارش در سال ۱۰۸۹ قمری، عربی.

۷۰. «رجعت از دیدگاه اسلام و ادیان»، تألیف: استاد علی اکبر مهدی پور، چاپ اوّل، زاهدان، امور اهل سنّت بلوچستان، ۲۸صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ش.

۷۱. «رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث»، تألیف: حسن طارمی، چاپ

اوّل ۱۳۶۵ش، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۷۹ ص، رقعی، زیر نظر جعفر سبحانی، فارسی.

۷۲. «رجعت از دیدگاه قرآن کریم و عترت» حمید کردنژاد، ۱۳۴۱ ش، چاپ اوّل ۱۳۷۷ش، تهران، مؤسسه ی فرهنگی انتشاراتی سیمیا، ۱۲۱ ص.

۷۳. «رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته ی شیعی و رابطه ی آن با تناسخ»، تألیف: اصغر بهمنی، ۸۵ش، ۳۳۶ص، فارسی.

۷۴. «رجعت از نظر شیعه»، تألیف: شیخ نجم الدین طبسی، چاپ اوّل ۱۳۵۹ ش،۱۴۰۰ ق، قم، ناشر مؤلّف، ۱۴۲ ص، جیبی، فارسی.

۷۵. «رجعت از نگاه عقل و دین»، تألیف: غلام رضا مغیثی، چاپ اوّل ۱۳۸۰ ش، قم، ۹۶ ص، فارسی.

۷۶. «الرّجعه بین العقل والقرآن»، تألیف: حسن طارمی، تعریب: عبد الکریم محمود، چاپ اوّل ۱۴۰۷ ق، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۳۵ص، رقعی.

۷۷. «رجعت، بازگشت بزرگ در هنگام ظهور»، تألیف: حسین شهمیری، نسرین دمیرچی، تهران، ۸۶ش، رقعی، ۲۳۸ص، فارسی.

۷۸. «الرّجعه بین الظهور و المعاد»، تألیف: شیخ محمّد سند، چاپ اوّل، قم، دار زین العابدین، ۲جلد در یک مجلد، ۵۴۴صفحه، وزیری، ۱۳۹۳ش، چاپ دوّم، اصفهان، بهار قلوب، ۲جلد، ۷۶۶صفحه، وزیری، ۱۳۹۳ش.

۷۹. «رجعت، حکومت خاندان رسالت»، تألیف: محمّد خادمی شیرازی، ترجمه به اردو: حافظ اقبال حسین جاوید، چاپ لاهور، انتشارات ولی عصر، ۲۷۲صفحه، رقعی، ۱۴۰۹ق.

۸۰. «رجعت در آثار علامه ی مجلسی»، تألیف: نعمت الله صفری فروشانی، جلد دوّم یادنامه ی علامه مجلسی، به اهتمام مهدی مهریزی و هادی ربانی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اوّل ۱۳۷۹ ش، فارسی.

ص: ۵۹

۸۱. «رجعت در دولت کریمه ی اهلبیت:»، برگرفته از کتاب «حق الیقین» علامه محمّد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ق، به کوشش: مرتضی جنتیان، چاپ اوّل، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۰۰صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ش.

۸۲. «الرّجعه عند آل محمّد»، تألیف: شیخ اسماعیل حریری، چاپ اوّل، بیروت، دار الولاء، ۱۹۲صفحه، وزیری، ۱۴۲۴ق.

۸۳. «الرّجعه، العوده الی الحیاه الدّنیا بعد الموت»، بی نا، بی تا، چاپ قم، مرکز الرّساله، ۱۰۷صفحه، رقعی.

۸۴. «الرّجعه فی مصادر الفریقین»، تألیف: نجم الدّین طبسی، چاپ اوّل، بیروت، دار الولاء، ۴۸صفحه، رقعی، ۱۴۲۷ق.

۸۵. «الرّجعه و احادیثها»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل، ابن محمّد ازدی نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق) نسخه ی کتابخانه ی میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی، عربی.

توضیح: در این کتاب به ذکر روایات رجعت و ظهور و احوال امام زمان۴ پرداخته و تا قرن ۱۱ وجود داشته، و سید محمّد بن محمّد میرلوحی حسینی موسوی سبزواری اصفهانی (۱۰۸۵ ق) «کفایه المهتدی فی احوال المهدی» را در ترجمه، تفسیر و شرح چهل حدیث از این کتاب، نگاشته است.

۸۶. «الرّجعه و احادیثها المنقوله عن آل العصمه»، تألیف: سید احمد بن محسن، از احفاد میر احمد بن موسی الکاظمعَلَیهِ السَّلام، از علماء قرن ۱۳ هجری، عربی.

۸۷. «الرّجعه و الرّد علی اهل البدعه»، تألیف: حسن بن سلیمان بن خالد حلی (قرن هشتم)، نسخه ی کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ی ۲۰۸۱، عربی.

۸۸. «الرّجعه و الظهور»، تألیف: محمّد طبیب زاده، چاپ اوّل ۱۳۷۷ ق، اصفهان، عربی.

۸۹. «الرّجعه و ظهور الحجّه»، تألیف: سید میرزا محمّد مؤمن دوست محمّد استرآبادی، داماد مرحوم ملا محمّد أمین استرآبادی، که مقیم مکّه ی معظّمه بود و پس از نوشتن این کتاب، در سال ۱۰۸۸ ق، در مکّه به شهادت رسید.

۹۰. «رجعت، یا بازگشت به جهان»، تألیف: محمّد رضا ضمیری، چاپ اوّل ۱۳۷۸ش، رقعی، ۸۰ص، تهران، فارسی.

۹۱. «رجعت یا بازگشت به دنیا پس از مرگ»، تألیف: محمّد حسین فصیحی، چاپ اوّل، زاهدان، امور اهل سنّت بلوچستان، ۲۶صفحه، وزیری، ۱۳۷۹ش.

۹۲. «رجعت، یا جامعه شناسی نجات»، تألیف: رجب خادمیان قزوینی، قزوین، ۱۳۷۹ش، رقعی، ۱۸۰ ص، فارسی.

۹۳. «رجعت، یا حیات دوباره، از دیدگاه عقل، قرآن و روایات»، تألیف: احمد علی طاهری ورسی، قم، ۸۶ش، وزیری، ۲۳۲ص، فارسی.

۹۴. «رجعت یا دولت کریمه ی خاندان وحی»، تألیف: محمّد خادمی شیرازی، چاپ اوّل ۱۳۶۵ ش۱۴۰۶ ق، تهران، مؤسسه ی نشر و تبلیغ، ۲۲۸ ص، وزیری، با مقدمه و ویرایش، جناب علامه حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، فارسی.

۹۵. «رساله فی اثبات الرّجعه»، تألیف: محمّد علی ربانی خوراسگانی، چاپ اوّل۱۳۸۱ ق، نجف، ۸۰۵ ص، وزیری، به همراه «الهام ربانی» و چهار رساله ی دیگر، عربی.

۹۶. «رساله فی اثبات الرّجعه»، تألیف: ملا محمّد بن هاشم سرابی تبریزی از علمای معاصر، این کتاب در سه جزء به طبع رسیده است.

۹۷. «رساله فی الرّجعه»، مؤلّف: ناشناخته،کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۹۷۳۶،کتابت ۱۲۸۰ ق، عربی.

۹۸. «رساله فی بقاء النفس و رجعتها بعد موت الجسد»، تألیف: احمد بن ابراهیم درازی بحرانی(متوفای ۱۱۳۱ ق) ، عربی.

۹۹. «رساله فی قتال اهل القبله و انکار الرّجعه»، تألیف: عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی، عربی.

۱۰۰. «رساله ای در بیان رجعت ائمّه:»، تألیف: حبیب الله شریف بن علی مدد کاشانی ساوجی(۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق)، چاپ اول ۱۳۲۹ ش، به همراه «خواصّ الاسماء فی شرح الاسماء و اسرار الحسینیه»، و چاپ ۱۳۶۸ ق، وزیری، ترجمه به فارسی به کوشش احمد شریف زادهٔ کاشانی.

۱۰۱. «رهبر گمشدگان فی اثبات الرّجعه»، تألیف: سید علی نقی بن محمّد سدهی اصفهانی، معروف به فیض الاسلام (متوفای ۱۴۰۵ ق)، چاپ اوّل ۱۳۵۳، اصفهان، چاپ دوّم ۱۳۵۹، اصفهان، ۳۰۰ ص، فارسی.

۱۰۲. «ستارگان درخشان»، ترجمه ی: «الشّیعه و الرّجعه» به فارسی: سید محمّد میر شاه ولد، ج ۱،چاپ دوّم ۱۳۷۱ ش، قم، مؤسسه ی انصاریان، ۵۱۸ ص، وزیری، ج ۲، با نام «رجعت از نظر شیعه»،چاپ اوّل ۱۳۸۱ ق،۵۶۰ ص، وزیری، ج ۲، با نام «رجعت از نظر شیعه»، چاپ دوّم ۱۳۷۶ ش، قم، دار النشراسلام.

۱۰۳. «سرّ مخزون در اثبات رجعت»، تألیف: علی صدرایی خویی، تبریز، رقعی، ۸۰ ص، فارسی.

۱۰۴. «سیف الانتقام فی حکومه قائم آل محمّد»، تألیف: ابراهیم بن محمّد باقرسخنور، نسخه: کتابخانه ی مؤلّف، ۵۰۵ ص، عربی.

۱۰۵. «سیمای رجعت در آئینه ی قرآن، تأویل و تفسیر آیات رجعت در روایات معصومین:»،تألیف: علی مشکینی، تهران، ۸۶ش، جیبی، ۲۳۲ص، فارسی.

۱۰۶. «الشّموس المضیئه فی الغیبه و الظّهور و الرّجعه»، تألیف: علی سعادت پور(۱۳۰۵ ش)، چاپ اوّل ۱۴۱۶ ق۱۳۷۴ش، تهران، پیام آزادی،۲۴۰ص، ترجمه به فارسی: محمّد جواد وزیری فرد، با نام: «ظهور نور» پژوهشی نو و مستند پیرامون وقایع دو غیبت امام، ظهور و رجعت، چاپ اوّل ۱۳۷۶ش، قم، تشیع،۲۹۶ ص.

۱۰۷. «الشّیعه و الرّجعه»، تألیف: شیخ محمّد رضا طبسی خراسانی نجفی، مشهور به فاضل طبسی، ۱۴۰۵ق، چاپ اوّل ۱۳۷۴ق، نجف، چاپخانه حیدریه.

توضیح: این کتاب تفصیل یافته کتاب «تنبیه الامّه فی اثبات الرّجعه» از همین مؤلّف است که در جلد اوّل «اخبار مهدی منتظر» را آورده و در جلد دوّم با ذکر هفتاد آیه و ذکر تواتر احادیث رجعت به «بیان اثبات رجعت» پرداخته است.

۱۰۸. «شیعه و اعتقاد به رجعت، در قرآن و حدیث»، تألیف: جلیل فلاح تفتی، یزد، وزیری، ۱۸۴ص، فارسی.

۱۰۹. «ظهور و رجعت در اسلام (اهل سنّت)، مسیحیّت، یهودیّت و آیین زردشت»، تألیف: علی سعادت پرور، مترجم: محمّد جواد وزیری فرد، دانشیاران ایران، شهر ری، ۸۷ش، وزیری، ۲۶۴ص، فارسی.

۱۱۰. «عصر شکوهمند رجعت»، تألیف: محمّد رضا اکبری، تهران، ۸۷ش، رقعی، ۳۰۴ص، فارسی.

۱۱۱. «عقیده ی رجعت»، تألیف: سید محمّد عبادت تقوی، چاپ شده، اردو.

۱۱۲. «کتاب الرّجعه»، تألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، عربی.

۱۱۳. «کتاب الرّجعه»، تألیف: احمد بن زین الدین احسایی (متوفای ۱۲۴۱ ق)، چاپ اوّل ۱۳۹۰ ق، به فرمان محمّد علی شاه قاجار، به همراه کتاب «العصمه در کتاب جوامع الحکمه» چاپ ۱۳۹۲ ق، کربلا، ۲۸۰ ص، وزیری؛ چاپ اوّل ۱۹۹۳ م، ۱۴۱۴ ق، و در بیروت، الدار العالمیه، ۲۳۰ ص، وزیری، مصوّر ،افست از روی چاپ ۱۳۹۲ ق،عربی.

ص: ۶۳

۱۱۴. «کتاب رجعت چهارده حدیث، از ولادت امام زمان۴ تا رجعت ائمّه:»، تألیف: محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی، محقّق: سیّد حسن موسوی، ۱۳۸۲ش، وزیری، فارسی.

۱۱۵. «الکره و الرّجعه فی اثبات الرّجعه بالبیان العصری» تألیف: سید محمّد صادق بن باقر بن محمّد موسوی هندی، چاپ اوّل، نجف اشرف، با رعایت اختصار به برخی از آیات رجعت پرداخته است، عربی.

۱۱۶. «کلید واژه ی آیات رجعت در قرآن کریم»، تألیف: سید محمّد جعفر روضاتی، قم، رسالت، وزیری، فارسی/عربی، (کتاب حاضر).

۱۱۷. «مجالس شب های شنبه» بیانات آیت الله العظمی حاج سید تقی طباطبایی قمی، در جلسات شب های شنبه، پیرامون مسئله ی رجعت (۱۳۰۱ ش)، به قلم عباس حاجیانی رشتی ،چاپ اوّل ۱۳۷۱ش،۱۴۱۶ ق، قم.

۱۱۸. «محاضرات فی الرّجعه»، تألیف: سید علی الحسینی الصدر، انتشارات دارالعلوم، بئرالعبد، لبنان.

۱۱۹. «مختصر اثبات الرّجعه»، تألیف: فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق)، تلخیص سیّد بهاء الدین علی بن غیاث الدین عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی (متوفای ۷۹۰ ق) چاپ اوّل ۱۴۰۹ ق، قم، مؤسسه ی آل البیت، وزیری.

۱۲۰. «مسئله ی رجعت»، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، به کوشش غلام حسین رضانژاد، چاپ اوّل ۱۳۶۷ ش، تهران، الزهرا، فارسی.

۱۲۱. «مسئله ی رجعت از دید قرآن و سنّت و عقل»، تألیف: سیّد محمّد علی موحّد ابطحی اصفهانی (متوفای ۱۳۸۱ ش)، چاپ نشده است، فارسی.

۱۲۲. «مسئله ی رجعت و ظهور در آیین زردشت»، تألیف: صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ش)، چاپ اوّل ۱۹۴۴ م۱۳۲۳ش، تهران، چاپخانه ی فرهنگ، ۱۲۸ص، جیبی.

۱۲۳. «مسئله فی الرّجعه»، تألیف: شیخ مفید ابی عبد الله محمّد بن

محمّد بن نعمان عکبری (متوفای ۴۱۳ ق)، نسخه ی کتابخانه ی آیت الله مرعشی، عربی.

۱۲۴. «مناهج الوصول فی تفسیر آیات الاصول»، مؤلّف ناشناخته، درپایان باب چهارم به صورت مفصّل به اثبات رجعت در نزد شیعه پرداخته است، عربی.

۱۲۵. «مهدیعَلَیهِ السَّلام و مسئله ی رجعت»، تألیف: سیّد ابو الحسن مولانا (۱۳۰۳ ش)، چاپ اوّل ۱۳۷۵ ش، تبریز، نور ولایت، فارسی.

۱۲۶. «النّجعه فی اثبات الرّجعه»، تألیف: سید علی نقی بن ابو الحسن نقوی لکهنوی(۱۳۲۳-۱۴۰۸ ق)، چاپ اوّل ۱۳۵۴ ق، لکهنو، عربی.

۱۲۷. «النّجعه فی الرّجعه»، تعریب رساله ی فارسی شیخ محمّد رضا طبسی، ترجمه به عربی: سید محسن نواب رضوی لکهنوی (متوفای۱۳۸۹ ق)، چاپ اول ۱۳۵۵ ق، نجف، چاپخانه الغری،۴۰ ص، وزیری.

۱۲۸. ترجمه به اردو: سیّد علی بن محمّد باقر رضوی کشمیری لکهنوی.

۱۲۹. «نور الابصار فی رجعه اهل بیت النّبی المختار»، تألیف: محمّد بن عیسی بن محمّد علی بن حیدر شروگی(شروقی) مجیراوی نجفی، متوفای ۱۳۳۳ق، که در سال ۱۳۲۰ق، به تألیف آن پرداخته است.

۱۳۰. «نور الانوار در آثار ظهور و رجعت ائمّه ی اطهار:»، تألیف: علی اصغر بروجردی(۱۲۳۱-۱۳۳۲ ق)، چاپ اوّل ۱۳۲۸ ق، تهران، کتابچی،۳۶۲ ص، وزیری، فارسی.

۱۳۱. «واکاوی مباحث رجعت: الف: فلسفه اعتقاد به رجعت، ب: اهداف رجعت»، تألیف، سجاد خانی آرانی، چاپ نشده، فارسی.

ص: ۶۵

۱۰_ حمد و سپاس

شکر بی پایان و سپاس فراوان می گویم خداونـد تبارک و تعالی را، که به بنـده ی حقیر، توفیق نگارش دوّمین اثر از مجموعه ی «کلیـد واژه هـا» را، بـا موضوع «رجعت» عنـایت نمود، تـا پس از تـألیف «کلیـد واژه ی آیات مهـدوی در قرآن کریم» که به معرّفی و شرح و تفسیر ۲۴۰ آیه در موضوع مهدویت پرداختم، آیات مربوط به «رجعت» را در غالب اسم و کُد مشخص همراه بـا تفاسیر ائمّه ی اطهـار:، بـا عنـوان «کلیـد واژه ی آیـات رجعت در قرآن کریم» را، که به معرّفی و شـرح و تفسیر ۸۰ آیه در موضوع رجعت پرداخته، به رشته ی تحریر در آورم.

بنـده در این روش برای هر آیه، یک اسم و یک کُد تعریف نموده ام، که هر کُد، از یک عـدد صـحیح که معرّف شـماره ی سوره در قرآن کریم، و یـک عـدد اعشـاری که معرّف شـماره ی آیه است، تشـکیل شـده، تا به کمک این روش، جوینـدگان معارف اهل بیت عصمت و طهارت:، به ویژه جوانان عزیز بتوانند به آسانی با آیه های رجعت در قرآن کریم آشنا شده و چراغ راهی برای دیگران گردند.

در اینجـا بر خود لازم می دانم، تـا از اسـتاد خودم، که همیشه بنـده را مورد لطف و عنایت خویش قرار داده انـد، و این بار نیز مقـدمه ی این کتـاب را، بـا قلم محققّـانه و عالمـانه ی خویش، مزین فرموده انـد، کارشـناس مباحث امامت و مهـدویت، جناب اسـتاد، علامه حاج شـیخ علی اکبر مهـدی پور دام بقائه، تقدیر و تشـکّر فراوان نمایم، و از درگاه خداوند متعال، برای ایشان، و همه ی خـدمت گزاران آسـتان ملک پاسـبان حضـرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقـدمه الفداء، آرزوی صـحّت و عافیت و طول عمر با عزّت، نمایم.

۲۰ جمادی الثّانی ۱۴۳۶ ق

قم مقدّسه سید محمّد جعفر روضاتی

ص: ۶۶

کلید واژه ی

آیات رجعت در قرآن

شماره: ۱: اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی عَلَیهِ السَّلام

شماره: ۱

کد آیه: ۵۶ / ۲

اسم آیه: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسیعَلَیهِ السَّلام

)ثُمَّ بَعَثْناکُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ(

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید.

۱ــ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَه فَقَالَ لَهُ (لابن الکوّاء) أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام سَلْ عَمَّا بَدَا لَکَ، قَالَ: نَعَمْ إِنَّ أُنَاساً مِنْ أَصْحَابِکَ یزْعُمُونَ أَنَّهُمْ یرَدُّونَ بَعْدَ الْمَوْتِ، فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام: نَعَمْ تَکَلَّمْ بِمَا سَمِعْتَ وَ لَا تَزِدْ فِی الْکَلَامِ فَمَا قُلْتَ لَهُمْ؟

قَالَ: قُلْتُ: لَا أُؤْمِنُ بِشَیءٍ مِمَّا قُلْتُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام: وَیلَکَ إِنَّ اللهَ عزّ و جلّ ابْتَلَی قَوْماً بِمَا کَانَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ فَأَمَاتَهُمْ قَبْلَ آجَالِهِمُ الَّتِی سُمِّیتْ لَهُمْ ثُمَّ رَدَّهُمْ إِلَی الدُّنْیا لِیسْتَوْفُوا أَرْزَاقَهُمْ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ بَعْدَ ذَلِکَ.

قَالَ: فَکَبُرَ عَلَی ابْنِ الْکَوَّاءِ وَ لَمْ یهْتَدِ لَهُ، فَقَالَ لَهُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام: وَیلَکَ تَعْلَمُ أَنَّ اللهَ عزّ و جلّ قَالَ فِی کِتَابِهِ: «وَ اخْتارَ مُوسی قَوْمَهُ سَبْعِینَ رَجُلًا لِمِیقاتِنا»،(۱) فَانْطَلَقَ بِهِمْ مَعَهُ لِیشْهَدُوا لَهُ إِذَا رَجَعُوا عِنْدَ الْمَلَإِ مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ إِنَّ رَبِّی قَدْ کَلَّمَنِی فَلَوْ أَنَّهُمْ سَلَّمُوا ذَلِکَ لَهُ وَ صَدَّقُوا بِهِ لَکَانَ خَیراً

ص: ۶۹

۱- ۱ . ۷/۱۵۵.

لَهُمْ، وَ لَكِنَّهُمْ قَالُوا لِمُوسَيعَلَيهِ السَّلام: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللهَ جَهْرَةً»، قَالَ اللهُ عزّ و جلّ: «فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»، «ثُمَّ بَعَثْناكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، أَ تَرَى يا ابْنَ الْكَوَّاءِ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ بَعْدَ مَا مَاتُوا؟

فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ: وَ مَا ذَاكَ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ فَكَأَنَّهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعَلَيهِ السَّلام: لَا، وَيلَكَ! أَ وَ لَيسَ قَدْ أَخْبَرَ اللهُ فِی كِتَابِهِ حَيثُ يقُولُ: «وَ ظَلَّلْنا عَلَيكُمُ الْغَمامَ وَ أَنْزَلْنا عَلَيكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوى»، فَهَذَا بَعْدَ الْمَوْتِ إِذْ بَعَثَهُمْ وَ أَيضاً مِثْلُهُمْ يا ابْنَ الْكَوَّاءِ الْمَلَأُ مِنْ بَنِی إِسْرَائِيلَ حَيثُ يقُولُ اللهُ عزّ و جلّ: «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْياهُمْ»،(۱) وَ قَوْلُهُ أَيضاً فِی عُزَيرٍ حَيثُ أَخْبَرَ اللهُ عزّ و جلّ فَقَالَ: «أَوْ كَالَّذِی مَرَّ عَلى قَرْيةٍ وَ هِی خاوِيةٌ عَلى عُرُوشِها قالَ أَنَّى يحْيی هذِهِ اللهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللهُ»،(۲) وَ أَخَذَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ مِائَةَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ وَ رَدَّهُ إِلَى الدُّنْيا، «فَقالَ كَمْ لَبِثْتَ فَقالَ لَبِثْتُ يوْماً أَوْ بَعْضَ يوْمٍ قالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عامٍ»،(۳) فَلَا تَشُكَّنَّ يا ابْنَ الْكَوَّاءِ فِی قُدْرَةِ اللهِ عزّ و جلّ.(۴)

از اصبغ بن نباته نقل است كه گفت: حضرت امير المؤمنين علیعَلَيهِ السَّلام به ابن كوّاء فرمودند: از هرچه كه می خواهی سؤال كن، ابن كوّاء گفت: گروهی از ياران شما گمان می كنند كه پس از مرگ دوباره زنده می شوند و قبل از برپايی قيامت به دنيا باز می گردند.

امير المؤمنينعَلَيهِ السَّلام فرمودند: بله! شما در مقابل اين سخن چه گفتی؟

ص: ۷۰

۱- ۱ . ۲ / ۲۴۳.

۲- ۲ . ۲ / ۲۵۹.

۳- ۳ . همان.

۴- ۴ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۷۲؛ مختصر البصائر: ص۱۰۲؛ نوادر الأخبار، ص۲۸۰؛ الوافی، ج ۲: ص۴۶۱.

گفت: هیـچ کدام از سـخنان آن ها را نپذیرفتم و به آن ها گفتم: به هیچ سـخنی از سـخنان شـما اعتقاد ندارم. حضـرت علیعَلَیهِ السَّلام فرمودنـد: وای بر تو! خداونـد گروهی را به خاطر گناهانی که مرتکب شده بودند، به گرفتاری هایی مبتلا کرد و قبل از فرا رسـیدن اجل و عمر حتمی که بر ایشان معیّن کرده بود، آن ها را می راند و سپس آن ها را زنده کرد و به دنیا بازگرداند تا از باقی مانده روزی خود استفاده کنند و پس از آن دوباره بمیرند.

چون سـخن بر ابن کوّاء گران آمد و آن را نپذیرفت، امیرالمؤمنینعَلَیهِ السَّلام سـخن را ادامه دادند و برای اثبات مطلب فرمودند: وای بر تو! ای ابن کوّاء! می دانی که در قرآن آمـده است: «حضـرت موسـی هفتـاد نفر از مردان بنی اسـرائیل را برای میقات ما انتخاب کرد...» سـپس حضـرت موسیعَلَیهِ السَّلام با آن گروه رفت تا هنگام بازگشت به بنی اسرائیل، شهادت دهند که حضرت موسـی با خدا سخن گفته است، ولی وقتی آنان این واقعه را مشاهده کردند، باز منکر شدند و به موسیعَلَیهِ السَّلام گفتند: «به تو ایمان نمی آوریم مگر خـدا را با چشم ببینیم» در این حال خداونـد متعال آن ها را عـذاب کرد و همگی را به هلاکت رساند و بعد زنده کرد: «سپس بعد از مرگ شما را زنده کردیم»

و همچنین، ای پسر کوّاء! خـدا در قرآن داسـتان گروهی از بنی اسـرائیل را ذکر کرده است که به فرمـان الهی مردنـد و دوباره زنده شدند. و داسـتان عزیر را ذکر کرده است که او صد سال مرد و دوباره زنده شد، پس ای پسر کوّاء در زنده شدن مردگان بعد از مرگ و بازگشت آن ها به دنیا قبل از برپایی قیامت تردید مکن، زیرا خدا بر هر چیزی قدرت و توانایی دارد.

ص: ۷۱

شماره: ۲: اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل

شماره: ۲

کد آیه: ۷۳ / ۲

اسم آیه: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل

)فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها کَذلِکَ یحْی اللَّهُ الْمَوْتی وَ یرِیکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ(

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد شاید اندیشه کنید!»

قَالَ عَلِیُّ بنُ اِبراهِیم فِی تَفسِیره: حَدَّثَنِی أَبِی عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِمْ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهعَلَیهِ السَّلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ خِیارِ بَنِی إِسْرَائِیلَ وَ عُلَمَائِهِمْ خَطَبَ امْرَأَةً مِنْهُمْ فَأَنْعَمَتْ لَهُ، وَ خَطَبَهَا ابْنُ عَمٍّ لِذَلِکَ الرَّجُلِ، وَ کَانَ فَاسِقاً رَدِیاً فَلَمْ ینْعِمُوا لَهُ، فَحَسَدَ ابْنَ عَمِّهِ الَّذِی أَنْعَمُوا لَهُ، فَقَعَدَ لَهُ فَقَتَلَهُ غِیلَةً، ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَی مُوسَیعَلَیهِ السَّلام، فَقَالَ: یا نَبِی اللهِ! هَذَا ابْنُ عَمِّی قَدْ قُتِلَ.

قَالَ مُوسَیعَلَیهِ السَّلام: مَنْ قَتَلَهُ؟ قَالَ: لَا أَدْرِی، وَ کَانَ الْقَتْلُ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ عَظِیماً جِدّاً فَعَظُمَ ذَلِکَ عَلَی مُوسَی، فَاجْتَمَعَ إِلَیهِ بَنُو إِسْرَائِیلَ.

فَقَالُوا: مَا تَرَی یا نَبِی اللهِ!؟ ... فَلَمَّا اجْتَمَعُوا إِلَی مُوسَی وَ بَکَوْا وَ ضَجُّوا.

قَالَ لَهُمْ مُوسَی: إِنَّ اللهَ یأْمُرُکُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ... ثُمَّ قَالُوا: مَا تَأْمُرُنَا یا نَبِی اللهِ!؟

ص: ۷۲

فَأَوْحَی اللهُ تَعَالَی إِلَیهِ، قُلْ لَهُمْ: اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا، وَ قُولُوا: مَنْ قَتَلَکَ؟

فَأَخَذُوا الذَّنَبَ فَضَرَبُوهُ بِهِ، وَ قَالُوا: مَنْ قَتَلَکَ یا فُلَانُ؟ فَقَالَ: فُلَانٌ ابْنُ فُلَانٍ، ابْنُ عَمِّی الَّذِی جَاءَ بِهِ، وَ هُوَ قَوْلُهُ: «فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها کَذلِکَ یحْی اللهُ الْمَوْتی وَ یرِیکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ».(۱)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه، از ابن ابی عمیر نقل می کند که شخصی گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: یکی از نیکان و علمای بنی اسرائیل زنی را خواستگاری کرد، زن جواب مثبت داد، سپس پسر عموی آن مرد که مرد فاسق و نالایقی بود خواستگاری کرد، وی را رد کردند، لذا بر پسر عموی خویش حسد برد، و در کمینش نشست تا بی خبر او را کشت، و جنازه را نزد موسی آورده گفت: پسر عموی مرا کشته اند؟

حضرت موسیعَلَیهِ السَّلام فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم، در بنی اسرائیل هم قتل جرم بزرگی بشمار می رفت، بستگانش گردآمده شروع به گریه و شیون کردند.

حضرت موسیعَلَیهِ السَّلام فرمود: خدا دستور می دهد (برای پیدا کردن قاتل) گاوی را بکشید ...

به حضرت موسی وحی شد بگو قسمتی از بدن گاو را به مقتول بزنند و از او بپرسند قاتل تو کیست؟ دُم گاو را به وی زدند و پرسیدند چه کسی ترا کشت؟ گفت: فلان، پسر فلان، که پسر عموی من است، این است که خداوند می فرماید: «قسمتی از آن را به وی بزنید، این طور خدا مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما می نماید شاید به عقل آئید».

---

۱ - ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۳: ص۲۵۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۲۴۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۱۴۱؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۴۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲: ص۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۸۸.

شماره: ۳: اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل

شماره: ۳

کد آیه: ۲۴۳ / ۲

اسم آیه: زنده شدن هزاران نفر از بنی اسرائیل

)أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیـارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَـذَرَ الْمَوْتِ فَقـالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَـذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یشْکُرُونَ(

ندیدی کسانی را که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از سـرزمین و دیار خود بیرون رفتند. خدا به آنان گفت: بمیرید، سـپس آنها را زنده کرد، خدا برای مردم همیشه دارای بخششو رحمت است ولی اکثر مردم سپاسگزار نیستند.

عَنْ عُمَر بْنِ یزید وَ غَیرِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام وَ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام: فِی قَوْلِ اللهِ عزّ و جلّ: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَـذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ»، فَقَالَ: إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ مَـدِینَهٍ مِنْ مَدَائِنِ الشَّام، وَ کَانُوا سَـبْعِینَ أَلْفَ بَیتٍ، وَ کَانَ الطَّاعُونُ یقَعُ فِیهِمْ فِی کُلِّ أَوَانٍ، فَکَانُوا إِذَا أَحَسُّوا بِهِ خَرَجَ مِنَ الْمَـدِینَهِ الْأَغْنِیاءُ لِقُوَّتِهِمْ وَ بَقِی فِیهَا الْفُقَرَاءُ لِضَـعْفِهِمْ، فَکَانَ الْمَوْتُ یکْثُرُ فِی الَّذِینَ أَقَامُوا وَ یقِلُّ فِی الَّذِینَ خَرَجُوا، فَیقُولُ الَّذِینَ خَرَجُوا لَوْ کُنَّا أَقَمْنَا لَکَثُرَ فِینَا الْمَوْتُ، وَ یقُولُ الَّذِینَ أَقَامُوا لَوْ کُنَّا خَرَجْنَا لَقَلَّ فِینَا الْمَوْتُ.

ص: ۷۴

قَالَ: فَأَجْمَعَ رَأْيهُمْ جَمِيعاً أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ الطَّاعُونُ وَ أَحَسُّوا بِهِ خَرَجُوا كُلُّهُمْ مِنَ الْمَدِينَهِ، فَلَمَّا أَحَسُّوا بِالطَّاعُونِ خَرَجُوا جَمِيعاً وَ تَنَحَّوْا عَنِ الطَّاعُونِ حَذَرَ الْمَوْتِ فَسَارُوا فِی الْبِلَادِ مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ إِنَّهُمْ مَرُّوا بِمَدِينَهٍ خَرِبَهٍ قَدْ جَلَا أَهْلُهَا عَنْهَا وَ أَفْنَاهُمُ الطَّاعُونُ، فَنَزَلُوا بِهَا فَلَمَّا حَطُّوا رِحَالَهُمْ وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا.

قَالَ اللهُ عزّ و جلّ: مُوتُوا جَمِيعاً، فَمَاتُوا مِنْ سَاعَتِهِمْ وَ صَارُوا رَمِيماً عِظَاماً تَلُوحُ وَ كَانُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَارَّهِ فَكَنَسَتْهُمُ الْمَارَّهُ فَنَحَّوْهُمْ وَ جَمَعُوهُمْ فِی مَوْضِعٍ.

فَمَرَّ بِهِمْ نَبِی مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِی إِسْرَائِيلَ، يقَالُ لَهُ «حِزْقِيلُ»، فَلَمَّا رَأَى تِلْكَ الْعِظَامَ بَكَى وَ اسْتَعْبَرَ، وَ قَالَ: يا رَبِّ! لَوْ شِئْتَ لَأَحْيَيتَهُمُ السَّاعَهَ، كَمَا أَمَتَّهُمْ فَعَمَرُوا بِلَادَكَ وَ وَلَدُوا عِبَادَكَ وَ عَبَدُوكَ مَعَ مَنْ يعْبُدُكَ مِنْ خَلْقِكَ.

فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيهِ: أَ فَتُحِبُّ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، يا رَبِّ! فَأَحْيهِمْ، قَالَ: فَأَوْحَى اللهُ عزّ و جلّ إِلَيهِ: قُلْ كَذَا وَ كَذَا.

فَقَالَ: الَّذِی أَمَرَهُ اللهُ عزّ و جلّ أَنْ يقُولَهُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام: وَ هُوَ الِاسْمُ الْأَعْظَمُ، فَلَمَّا قَالَ حِزْقِيلُ ذَلِكَ الْكَلَامَ، نَظَرَ إِلَى الْعِظَامِ يطِيرُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، فَعَادُوا أَحْياءً ينْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، يسَبِّحُونَ اللهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ يكَبِّرُونَهُ وَ يهَلِّلُونَهُ.

فَقَالَ حِزْقِيلُ عِنْدَ ذَلِكَ: أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ عَلى كُلِّ شَی ءٍ قَدِيرٌ، قَالَ عُمَرُ بْنُ يزِيدَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام: فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيهُ.(۱)

از عمر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَيهِ السَّلام، و به نقل بعضی، حضرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام، در تفسیر این آیه: «مگر قصه ی آنان را که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ از وطن بیرون رفتند، خداوند به

۱- ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۶: ص۱۲۳؛ البرهان فی تفسير القرآن، ج ۱: ص۵۰۲؛ تفسير الصافی، ج ۱: ص۲۷۲؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲: ص۳۷۴؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱: ص۲۴۱؛ الكافی، ج ۸: ص۱۹۸.

آنان فرمود بمیرید، سپس همه را زنده کرد، ندانستی؟»

فرمودند: اینان هفتاد هزار خانوار، و اهل یکی از شهرهای شام بودند، گاهگاهی در شهرشان طاعون می آمد، و ثروتمندان که قدرت داشتند، چون مطلب را حس می کردند، بیرون می رفتند، و فقرا که توانائی نداشتند می ماندند، و در نتیجه طاعون زده در میان باقی مانده ها بیشتر بود، از این رو همه تصمیم گرفتند وقتی که آثار طاعون را مشاهده کردند، عموماً از شهر بیرون روند.

این دفعه که احساس طاعون کردند، همه از ترس مرگ بیرون رفتند، مدّتی در شهرها می گشتند، تا به خرابه ای رسیدند که اهلش همه هجرت کرده بودند، و طاعون همه را نابود کرده بود، آنجا پیاده شدند.

وقتی که بارها را بر زمین گذاشتند، خداوند امر فرمود: بمیرید! همه در یک ساعت مردند، و کم کم پوسیدند، چون در راه عابرین بودند همه را در محلی جمع کردند.

یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل، از آنجا عبور کرد، این وضع را که دید، گریه کرد و اشکش جاری شد، و گفت: پروردگارا! ای کاش همان طور که اینان را می راندی اکنون زنده شان می کردی، تا شهرها را آباد کنند، و نسلها را به وجودآورند، و مثل سایر بندگان ترا بپرستند.

از جانب خداوند وحی شد: می خواهی زنده شان کنم! عرض کرد: آری! خطاب شد: چنین و چنان بگو، و آن کلمات اسم اعظم بود، چون به زبان جاری کرد دید استخوانها به جانب یکدیگر پرواز کردند و به هم پیوستند، و همه زنده شدند، و بنا کردند به یکدیگر نگریستن، و سبحان اللّه، و اللّه اکبر، و لا إله الا اللّه گفتن، اینجا حزقیلعَلَیهِ السَّلام گفت: می دانم که خدا بر هر چیز توانا است، عمر بن یزید گفت: حضرت صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: این آیه درباره ی اینها نازل شده است.

ص: ۷۶

شماره: ۴: اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال

شماره: ۴

کد آیه: ۲۵۹ / ۲

اسم آیه: زنده شدن عزیر پس از صد سال

)أَوْ كَالَّذى مَرَّ عَلى قَرْيةٍ وَ هِى خاوِيةٌ عَلى عُرُوشِها قالَ أَنَّى يحْيى هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ .. (

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند سپس زنده کرد...

رُوِی أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلامـ قَالَ: إِنَّ عُزَیراً خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ، وَ امْرَأَتُهُ حَامِلٌ، وَ لَهُ خَمْسُونَ سَنَهً، فَأَمَاتَهُ اللهُ مِائَهَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ، فَرَجَعَ إِلَی أَهْلِهِ هُوَ ابْنُ خَمْسِینَ سَنَهً، فَکَانَ ابْنُهُ أَکْبَرَ مِنْهُ، وَ ذَلِکَ مِنْ آیاتِ اللَّه.(۱)

ص: ۷۷

---

۱ – ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۶۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۵۳۴؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۲۹۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۲۶۹؛ روضه الواعظین، ج ۱: ص۱۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ص۶۴۱.

حضـرت امیر المؤمنین علیعَلَیهِ السَّلام فرمودند: «عزیر» وقتی از عائله اش خارج شد، همسرش باردار بود، و خود او در سن پنجاه سالگی بود، تا خـدا او را صـد سال میراند و پس از آن، زنده کرد، پس بر گشت به سوی اهلش به همان سن پنجاه سالگی، در حالی که پسرش به سن صد سالگی رسیده بود، و پسرش پنجاه سال از خودش بزرگتر بود! و این از آیات خدا بود.

ص: ۷۸

شماره: ۵: اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیم عَلَیهِ السَّلام

شماره: ۵

کد آیه: ۲۶۰ / ۲

اسم آیه: زنده شدن پرندگان به دست حضرت ابراهیمعَلَیهِ السَّلام

)وَ إِذْ قالَ إِبْراهیمُ رَبِّ أَرِنی کَیفَ تُحْی الْمَوْتی قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبی قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ یأْتینَکَ سَعْیاً وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزیزٌ حَکیمٌ(

و چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا! به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خدا فرمود: باور نداری؟ گفت: آری باور دارم، ولی برای آنکه دلم آرام گیرد. خدا فرمود: چهار مرغ را بگیر و گوشت آنها را به هم درآمیز نزد خود، آن گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست.

۱ــ ... عَنْ أَبِی بَصِیرٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: ... ثُمَّ الْتَفَتَ فَرَأَی جِیفَةً عَلَی سَاحِلِ الْبَحْرِ، نِصْفُهَا فِی الْمَاءِ وَ نِصْفُهَا فِی الْبِرِّ، تَجِی ءُ سِبَاعُ الْبَحْرِ فَتَأْکُلُ مَا فِی الْمَاءِ، ثُمَّ تَرْجِعُ فَیشُدُّ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ فَیأْکُلُ بَعْضُهَا بَعْضاً، وَ تَجِی ءُ سِبَاعُ الْبَرِّ فَتَأْکُلُ مِنْهَا فَیشُدُّ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ فَیأْکُلُ بَعْضُهَا بَعْضاً، فَعِنْدَ ذَلِکَ تَعَجَّبَ

ص: ۷۹

إِبْرَاهِيمُعَلَيهِ السَّلام مِمَّا رَأَى، وَ قَالَ: «رَبِّ أَرِنِی کَیفَ تُحْی الْمَوْتی».

قَالَ: کَیفَ تُخْرِجُ مَا تَنَاسَلَ الَّتِی أَکَلَ بَعْضُهَا بَعْضاً، «قالَ أَوَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبِی»، یعْنِی حَتَّی أَرَی هَذَا کَمَا رَأَیتُ الْأَشْیاءَ کُلَّهَا، «قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً».

فَقَطِّعْهُنَّ وَ اخْلِطْهُنَّ کَمَا اخْتَلَطَتْ هَذِهِ الْجِیفَةُ فِی هَذِهِ السِّبَاعِ الَّتِی أَکَلَ بَعْضُهَا بَعْضاً، فَخَلَّطَ ثُمَّ جَعَلَ عَلَی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً، ثُمَّ ادْعُهُنَّ یأْتِینَکَ سَعْیاً فَلَمَّا دَعَاهُنَّ أَجَبْنَهُ، وَ کَانَتِ الْجِبَالُ عَشَرَةً.(۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: ... ابراهیمعَلَیهِ السَّلام پس از آن، نگاهی کرد و در ساحل دریا، مرداری را دید که نیمی از آن در آب و نیمی از آن در خشکی قرار داشت، و حیوانات دریا را دید که می آیند و نیمه ی او را که در دریا قرار دارد می خورند و سپس بازمی گردند و به یک دیگر حمله می کنند و هم را می خورند و آن گاه درندگان خشکی می آیند و از آن می خورند و آنها هم به یک دیگر یورش می برند و یک دیگر را می خورند.

ابراهیمعَلَیهِ السَّلام از آنچه دید در شگفت شد و گفت: «رَبِّ أَرِنِی کَیفَ تُحْی الْمَوْتی»، یعنی: چگونه در روز معاد حیواناتی را زنده می کنی، که یک دیگر را خورده اند؟

«قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبِی»، یعنی همچنان که همه چیز را به چشم می بینم، این حقیقت را نیز به چشم خود بنگرم، «قالَ

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۷: ص۴۱، ح ۱۲ و ج ۱۲: ص۶۱، ح ۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۵۳۷، ح ۱۴۵۰؛ تفسیر العیاشی، ج ۱: ص۱۴۲، ح ۴۶۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸؛ علل الشرائع، ج ۲: ص۵۸۵، ح ۳۱؛ الکافی، ج ۸: ص۳۰۵، ح ۴۷۳.

فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً» یعنی: چهار پرنـده را بگیر، آنها را قطعه قطعه کن و با یکدیگر درهم آمیز، چنانچه گوشت این مردار در تن این درندگان که یکدیگر را خورده اند درهم آمیخته.

و او چنین کرد، «ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ یأْتِینَکَ سَعْیاً»، سپس آن گوشتهای درهم آمیخته را به چهار قسمت تقسیم کن و هر قسمت را بر فراز کوهی بگذار، سپس آنها را صدا بزن، و چون ابراهیمعَلَیهِ السَّلام آنها را صدا زد، زنده شدند و به نزدش آمدند، و تعداد آن کوهها ده بود.

۲ــ عَنْ عَلِی بْنِ محمّد بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ وَ عِنْدَهُ الرِّضَا عَلِی بْنُ مُوسَیعَلَیهِما السَّلام فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: یا ابْنَ رَسُولِ اللهِ أَ لَیسَ مِنْ قَوْلِکَ أَنَّ الْأَنْبِیاءَ مَعْصُومُونَ؟

قَالَ: بَلَی، ... فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: فَأَخْبِرْنِی عَنْ قَوْلِ إِبْرَاهِیمَ: «رَبِّ أَرِنِی کَیفَ تُحْی الْمَوْتی قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبی».

قَالَ الرِّضَاعَلَیهِ السَّلام إِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی کَانَ أَوْحَی إِلَی إِبْرَاهِیمَعَلَیهِ السَّلام أَنِّی مُتَّخِذٌ مِنْ عِبَادِی خَلِیلًا إِنْ سَأَلَنِی إِحْیاءَ الْمَوْتَی أَجَبْتُهُ، فَوَقَعَ فِی نَفْسِ إِبْرَاهِیمَعَلَیهِ السَّلام أَنَّهُ ذَلِکَ الْخَلِیلُ.

فَقَالَ: «رَبِّ أَرِنِی کَیفَ تُحْی الْمَوْتی قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبی»، عَلَی الْخُلَّهِ، «قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ یأْتِینَکَ سَعْیاً وَ اعْلَمْ أَنَّ اللهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ».

فَأَخَذَ إِبْرَاهِیمُعَلَیهِ السَّلام نَسْراً وَ بَطّاً وَ طَاوُساً وَ دِیکاً، فَقَطَّعَهُنَّ وَ خَلَطَهُنَ ثُمَّ جَعَلَ عَلَی کُلِّ جَبَلٍ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِی حَوْلَهُ، وَ کَانَتْ عَشَرَةً مِنْهُنَّ جُزْءاً، وَ جَعَلَ مَنَاقِیرَهُنَّ بَینَ أَصَابِعِهِ، ثُمَّ دَعَاهُنَّ بِأَسْمَائِهِنَّ، وَ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبّاً وَ مَاءً، فَتَطَایرَتْ تِلْکَ الْأَجْزَاءُ بَعْضُهَا إِلَی بَعْضٍ، حَتَّی اسْتَوَتِ الْأَبْدَانُ وَ جَاءَ کُلُّ

بَدَنٍ حَتَّی انْضَمَّ إِلَی رَقَبَتِهِ وَ رَأْسِهِ.

فَخَلَّی إِبْرَاهِیمُعَلَیهِ السَّلام عَنْ مَنَاقِیرِهِنَّ فَطِرْنَ، ثُمَّ وَقَعْنَ فَشَرِبْنَ مِنْ ذَلِکَ الْمَاءِ، وَ الْتَقَطْنَ مِنْ ذَلِکَ الْحَبِّ، وَ قُلْنَ یا نَبِی اللهِ! أَحْییتَنَا أَحْیاکَ اللهُ.

فَقَالَ إِبْرَاهِیمُعَلَیهِ السَّلام: بَلِ اللهُ یحْیی وَ یمِیتُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَی ءٍ قَدِیرٌ، قَالَ الْمَأْمُونُ: بَارَکَ اللهُ فِیکَ، یا أَبَا الْحَسَنِ!(۱)

علی بن محمّد بن الجهم گفت: در مجلس مأمون حاضر شدم در زمانی که حضرت علی بن موسیعَلَیهِما السَّلام در نزد مأمون بودند، مأمون به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا این قول شما نیست، که انبیاء معصوم هستند؟ حضرت فرمودند: بله، قول من است، ...

مأمون عرض کرد: خداوند تو را اجر خیر دهد، ای فرزند رسول خدا! خبر دهید مرا از قول ابراهیم: «رَبِّ أَرِنِی کَیفَ تُحْی الْمَوْتی قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلی وَ لکِنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبِی»، حضرت فرمودند: خداوند به ابراهیمعَلَیهِ السَّلام وحی فرمود که: من برای خودم، از میان بندگانم، دوستی را انتخاب خواهم کرد، که حتّی اگر از من بخواهد، مرده ها را زنده کنم، این کار را برای او خواهم کرد.

ابراهیمعَلَیهِ السَّلام به دلش الهام شد که او، آن دوست و خلیل است، لذا عرض کرد: خدایا! به من نشان بده که چگونه مرده ها را زنده می کنی، خداوند فرمود: آیا تو ایمان نداری؟ عرض کرد: چرا، ولی به خاطر اینکه قلبم آرام گیرد، یعنی نسبت به خلیل بودنم، خداوند فرمود: چهار پرنده را بگیر، آنها را

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۱: ص۷۸، ح۸ و ج ۱۲: ص۶۴، ح۱۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۵۳۵، ح ۱۴۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۲۹۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲: ص۴۳۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۲۷۵، ح۱۰۸۸؛ عیون أخبار الرضا ۷ ، ج ۱: ص۱۹۸، باب۱۵، ح۱.

تکه تکه کن، سپس بر هر کوهی، بخشی از آنها را قرار ده، آنگاه آنها را بخوان، به سرعت خود را بتو می رسانند، و بدان خداوند عزیز و حکیم است.

پس ابراهیمعَلَیهِ السَّلام، یک کرکس، یک طاوس، یک مرغابی و یک خروس گرفته، ذبح کرد، و سپس آنها را تکّه تکّه نمود، و اجزای آنها را با هم مخلوط کرد، و سپس هر بخشی از این اجزاء مخلوط شده را، بر کوهی از ده کوه اطراف خود قرار داد، و آنگاه منقار آنها را به دست گرفت، و هر کدام را با نامشان صدا زد، و مقداری دانه و آب، نزد خود گذاشته بود، آن اجزاء به سوی یک دیگر پرواز کردند، و به هم متّصل شدند، و بدنها کامل شد، و هر بدنی به سوی سر خود رفت، و به آن پیوست، سپس ابراهیمعَلَیهِ السَّلام منقار آنها را از دست خود رها کرد، و آنها پرواز کردند، و سپس فرود آمدند، و از آن آب و دانه ها خوردند، و گفتند: ای پیامبر خدا! تو ما را زنده کردی، خدا تو را زنده بدارد.

ابراهیمعَلَیهِ السَّلام فرمود: بلکه خداوند زنده می کند و می میراند، و اوست که بر همه کار تواناست. مأمون عرض کرد: آفرین بر شما، ای ابا الحسن!

ص: ۸۳

شماره: ۶: اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسیعَلَیهِ السَّلام

شماره: ۶

کد آیه: ۳ / ۴۹

اسم آیه: زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسیعَلَیهِ السَّلام

)وَ رَسُولاً إِلى بَنى إِسْرائيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيهٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّى أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيئَهِ الطَّيرِ فَأَنْفُخُ فيهِ فَيكُونُ طَيراً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْي الْمَوْتى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُنَبِّئُكُمْ بِما تَأْكُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فى بُيوتِكُمْ إِنَّ فى ذلِكَ لَآيهً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ(

و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده ام، من از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن (نفس قدسی) بدمم تا به امر خدا مرغی گردد، و کور مادر زاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا دهم، و مردگان را به امر خدا زنده کنم، و به شما (از غیب) خبر دهم که در خانه هاتان چه می خورید و چه ذخیره می کنید. این معجزات برای شما حجّت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید.

۱ــ مرحوم طبرسی قدس سره در تفسیرش می گوید: گفته اند که حضرت عیسیعَلَیهِ السَّلام چهار نفر را زنده کرد:

اوّل: عازر، که دوست وی بود، و سه روز پس از مرگش بر سر قبر او رفت، و گفت: (بار خدایا! ای پروردگار آسمانها و زمین! تو مرا به سوی بنی

اسرائیل فرستادی که آنها را به دین تو دعوت کنم، و به ایشان خبر دهم که مردگان را زنده خواهی کرد، اینک عازر را زنده گردان.)

پس عازر زنده شد، و برخاست، و پس از آن هم، صاحب فرزندی گردید.

دوّم: پسر پیرزنی بود، که حضرت عیسیعَلَیهِ السَّلام جنازه ی او را بر دوش مردم دید، که با تابوت می برند، پس دعایی کرد، و او زنده شد، و از دوش مردم پایین آمد، و لباس پوشید، و به خانه برگشت، و بعداً صاحب فرزند شد.

سوّم: دختری ده ساله را، که یک روز پس از مردن زنده ساخت، تا به خانه ی خود برگشت و شوهر کرد و بچه دار شد.

چهارم: سام بن نوح، که اسم اعظم خدا را خواند، و دعا کرد، و زنده شد، سپس حضرت عیسیعَلَیهِ السَّلام به او گفت: باید بمیری، وی شرط کرد که خدا مرا از سکرات موت و رنج جانکندن در امان نگهدارد، عیسیعَلَیهِ السَّلام در این باره دعایی نمود و دعایش مستجاب شد.(۱)

۱- ۱ . ترجمه ی مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص ۸۰.

شماره: ۷: اسم آیه: رجعت انبیاء علیهم السلام

شماره: ۷

کد آیه: ۳ / ۸۱

اسم آیه: رجعت انبیاء:

)وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ میثاقَ النَّبِیینَ لَما آتَیتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَهٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلی ذلِکُمْ إِصْری قالُوا أَقْرَرْنا قالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَکُمْ مِنَ الشَّاهِدینَ(

و (یاد کن) آن گاه که خدا از پیامبران (و امّتهاشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می داد به او ایمان آورده و یاری او کنید خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم. خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ: «وَ إِذْ أَخَذَ اللهُ مِیثاقَ النَّبِیینَ لَما آتَیتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَهٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، قَالَ: مَا بَعَثَ اللهُ نَبِیاً مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی عِیسَیعَلَیهِ السَّلام إِلَّا أَنْ یرْجِعَ إِلَی الدُّنْیا فَینْصُرَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام وَ هُوَ قَوْلُهُ

ص: ۸۶

«لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ»، يعْنِی رَسُولَ اللهِ «وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، یعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِین.(۱)

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیرش، از عبد اللّه بن مسکان نقل می کند که حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی این آیه: «هنگامی که خدا از پیمبران پیمان گرفت که این کتاب و حکمتی را که به شما دادم، اگر پیامبری سویتان آمد و آنچه نزد شما است تصدیق کرد باید به وی ایمان آرید و یاریش کنید»، فرمودند: از زمان حضرت آدم، تا کنون، خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده، جز این که به دنیا برمی گردد، و رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه و امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام را یاری می کند، و تأویل آیه چنین است که: «باید به پیامبر ایمان آورید و امیر المؤمنین را یاری نمایید». (و این در زمان رجعت محقّق خواهد شد. ان شاء الله تعالی)

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۹۱ و ص۶۴۶؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۳۵۱؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۲۵۱ و ص۱۰۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص۱۵۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۳۵۹؛ مختصر البصائر: ص۱۵۰.

شماره: ۸: اسم آیه: رجعت شهدا

شماره: ۸

کد آیه: ۱۴۴ / ۳

اسم آیه: رجعت شهدا

)وَ ما محمّد إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ ...(

محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه فقط پیامبر است، قبل از او نیز پیامبرانی بودند. آیا اگر او بمیرد و یا (در جنگ) کشته شود، شما بعقب بر میگردید؟

عَنْ زُرَارَه قَالَ: كَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍعَلَيهِ السَّلام فِى الرّجعه فَاحْتَلْتُ مَسْأَلَهً لَطِيفَهً، لِأَبْلُغَ بِهَا حَاجَتِى مِنْهَا، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِى عَمَّنْ قُتِلَ مَاتَ؟

قَالَ: لَا، الْمَوْتُ مَوْتٌ وَ الْقَتْلُ قَتْلٌ، فَقُلْتُ: مَا أَحَدٌ يقْتَلُ إِلَّا مَاتَ؟

قَالَ: فَقَالَ: يا زُرَارَهُ! قَوْلُ اللهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ قَدْ فَرَّقَ بَينَ الْقَتْلِ وَ الْمَوْتِ فِى الْقُرْآنِ، فَقَالَعَلَيهِ السَّلام: «أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ»، وَ قَالَ: «لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللهِ تُحْشَرُونَ»،(۱) فَلَيسَ كَمَا قُلْتَ يا زُرَارَهُ! الْمَوْتُ مَوْتٌ وَ الْقَتْلُ قَتْلٌ وَ قَدْ قَالَ اللهُ عزّ و جلّ: «إِنَّ اللهَ اشْتَرى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ

ص: ۸۸

۱- ۱ . ۱۵۸ / ۳.

يقاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللهِ فَيقْتُلُونَ وَ يقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيهِ حَقًّا».(۱)

قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يقُولُ: «كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ»،(۲) أَ فَرَأَيتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ يذُقِ الْمَوْتَ فَقَالَ: لَيسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ يرْجِعَ إِلَى الدُّنْيا حَتَّى يذُوقَ الْمَوْتَ.(۳)

از زراره نقل است که گفت: کراهت داشتم که از حضرت امام محمّد باقرعَلَيهِ السَّلام درباره ی رجعت سؤالی بپرسم، پس مسأله ای لطیف طرح نمودم، تا در ضمن پاسخ آن، به خواسته ی خود برسم، پس عرض کردم: فدایتان شوم! مرا از حال شخصی خبر دهید، که اگر کشته شود، آیا مرده به شمار می آید؟

حضرت فرمودند: خیر، مردن، مردن است، و کشته شدن، کشته شدن است.

زراره گفت: سپس به آن حضرت عرض کردم: هیچ کس کشته نشده، مگر اینکه بمیرد. پس حضرت فرمودند: ای زراره! فرمایش خداوند متعال، از گفته ی تو صحیح تر است، و او در قرآن میان آن دو (یعنی کشته شدن و مردن) تفاوت قائل شده است، آنجا که فرموده: «أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ»، و فرموده: «وَ لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللهِ تُحْشَرُونَ»، ای زراره! اینگونه که شما می گویی نیست، مردن، مردن است، و کشته شدن، کشته شدن است. همانا خداوند می فرماید:

۱- ۱. ۱۱۱ / ۹.

۲- ۲. ۱۸۵ / ۳.

۳- ۳. الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرّجعه، ص۲۷۳، ح ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۵، ح۵۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۷۰۵، ح۱۹۶۱ و ج۲: ص۸۵۶، ح۴۷۵۶؛ تفسیر العیاشی، ج۲: ص۱۱۲، ح۱۳۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص۲۳۸؛ مختصر البصائر، ص۹۳، ح ۶۱.

«إِنَّ اللهَ اشْتَرى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ يقاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللهِ فَيقْتُلُونَ وَ يقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيهِ حَقًّا»، يعنی: خداوند جانها و اموال مؤمنين را از آنها می خرد تا در عوض به آنها بهشت بدهد، آنها در راه خدا جهاد می كنند و دشمنان خدا را می كشند، و خود كشته می شوند اين وعده ی راست خداوند است.

زراره می گويد: عرض كردم: خداوند در آيه ی ديگر می فرمايد: «كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ» يعنی: هر كس مرگ را می چشد، آيا می فرمائيد كسی كه كشته می شود مرگ را نمی چشد؟ حضرت فرمودند: كسی كه با شمشير در راه خدا كشته می شود، با آن كس كه در بسترش جان می دهد يكسان نيست، كسی كه كشته می شود، به ناچار می بايد به دنيا برگردد، (و مجدداً زندگی كند و بعد بميرد) تا مزّه ی مرگ را بچشد.

ص: ۹۰

شماره: ۹: اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت

شماره: ۹

کد آیه: ۱۵۸و۱۵۷ / ۳

اسم آیه: شهادت یا مردن، در رجعت

)وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَهٌ خَیرٌ مِمَّا یجْمَعُونَ)(وَ لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَی اللَّهِ تُحْشَرُونَ(

اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید، همانا آمرزش و رحمت خدا بهتر از هر چیز است که فراهم آورند. و اگر (در راه خدا) بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور خواهید شد.

عَنْ جابِرِ بْنِ یزِیدَ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام قَالَ: سَئَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ اللهِ أَوْ مُتُّمْ»، فَقَالَ: یا جَابِرُ! أَ تَدْرِی مَا سَبِیلُ اللهِ؟ قُلْتُ: لَا وَ اللهِ إِلَّا إِذَا سَمِعْتُ مِنْکَ، فَقَالَ: الْقَتْلُ فِی سَبِیلِ عَلِیعَلَیهِ السَّلام وَ ذُرِّیتِهِ، فَمَنْ قُتِلَ فِی وَلَایتِهِ قُتِلَ فِی سَبِیلِ اللهِ، وَ لَیسَ مِنْ أَحَدٍ یؤْمِنُ بِهَذِهِ الْآیهِ إِلَّا وَ لَهُ قَتْلَهٌ وَ مَیتَهٌ، إِنَّهُ مَنْ قُتِلَ ینْشَرُ حَتَّی یمُوتَ، وَ مَنْ مَاتَ ینْشَرُ حَتَّی یقْتَلَ.(۱)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: از حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام در

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۲۴: ص۱۲، ح۶ و ج ۳۵: ص۳۷۱، ح۱۵ و ج ۵۳: ص۴۰، ح۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۷۰۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱: ص۲۰۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۴۰۴، ح۴۰۷؛ مختصر البصائر، ص۱۱۱؛ معانی الأخبار، ص۱۶۷.

باره ی تفسیر این آیه: «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بهتر است»، سؤال کردم، حضرت فرمودند: ای جابر! آیا می دانی راه خدا کدام است؟ گوید: عرض کردم، نه، به خدا قسم! مگر آنکه آن را از شما بشنوم، حضرت فرمودند: راه خدا و «سبیل اللّه» علیّعَلَیهِ السَّلام و فرزندان او می باشند، پس کسی که در راه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده، و هر مؤمنی که به این آیه ایمان داشته باشد، کشته شدنی دارد و مرگی، اگر کشته شده باشد، زنده شود، (رجعت نماید) تا بمیرد، و اگر مرده باشد، زنده شود تا کشته گردد.

ص: ۹۲

شماره: ۱۰: اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت

شماره: ۱۰

کد آیه: ۱۸۵ / ۳

اسم آیه: چشیدن طعم مرگ در رجعت

)کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ ... (

هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید ...

عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: کَرِهْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام فِی الرّجعه ... قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ یقُولُ: «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ»، أَ فَرَأَیتَ مَنْ قُتِلَ لَمْ یذُقِ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لَیسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّیفِ کَمَنْ مَاتَ عَلَی فِرَاشِهِ، إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا بُدَّ أَنْ یرْجِعَ إِلَی الدُّنْیا حَتَّی یذُوقَ الْمَوْتَ.(۱)

از زراره نقل است که گفت: دوست نداشتم آشکارا، از حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام در باره ی رجعت، سؤال کنم، تا اینکه ...

عرض کردم: همانا خداوند عزّوجلّ می فرماید: «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ»، آیا می فرمائید: کسی که کشته می شود، مرگ را نمی چشد؟

حضرت فرمودند: کسی که با شمشیر، در راه خدا کشته می شود، با آن کسی که در بسترش جان می دهد، یکسان نیستند، کسی که کشته می شود به ناچار می باید به دنیا برگردد، (و مجدداً زندگی کند و بعد بمیرد) تا مزّه ی مرگ را بچشد.

ص: ۹۳

۱- ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۲۷۳، ح ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۶، ح ۵۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۷۰۵، ح۱۹۶۱ و ج ۲: ص۸۵۶، ح۴۷۵۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱: ص۲۰۲، ح ۱۶۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۴۰۳، ح ۴۰۴؛ مختصر البصائر: ص۹۳، ح ۶۱.

شماره: ۱۱: اسم آیه: ایمان به پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه در رجعت

شماره: ۱۱

کد آیه: ۱۵۹ / ۴

اسم آیه: ایمان به پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه در رجعت

)وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یوْمَ الْقِیامَهِ یکُونُ عَلَیهِمْ شَهِیداً(

هیچکس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگش به او ایمان می آورد و روز قیامت گواه بر او خواهد بود.

۱ــ فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلَّا لَیؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یوْمَ الْقِیامَهِ یکُونُ عَلَیهِمْ شَهِیداً»، فَإِنَّهُ رُوِی أَنَّ رَسُولَ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه إِذَا رَجَعَ آمَنَ بِهِ النَّاسُ کُلُّهُمْ.(۱)

در تفسیر قمی در باره ی آیه ی: «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلَّا لَیؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یوْمَ الْقِیامَهِ یکُونُ عَلَیهِمْ شَهِیداً»، روایت شده که به تحقیق، وقتی که پیامبر اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه به دنیا رجعت می کنند، همه ی مردم به ایشان ایمان می آورند.

۲ــ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، قَالَ: قَالَ لِی الْحَجَّاجُ: یا شَهْرُ! آیهٌ فِی کِتَابِ اللهِ قَدْ أَعْیتْنِی، فَقُلْتُ: أَیهَا الْأَمِیرُ! أَیهُ آیهٍ هِی؟

۱- ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ص۱۹۷؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۵۱۹؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۱۵۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳: ص۵۸۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص۵۷۱.

فَقَالَ: قَوْلُهُ: «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، وَ اللهِ! إِنِّی لَآمُرُ بِالْيهُودِی وَ النَّصْرَانِی فَتُضْرَبُ عُنُقُهُ، ثُمَّ أَرْمَقُهُ بِعَينِی، فَمَا أَرَاهُ يحَرِّكُ شَفَتَيهِ حَتَّی يخْمُدَ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَ اللهُ الْأَمِيرَ، لَيسَ عَلَی مَا تَأَوَّلْتَ.

قَالَ: كَيفَ هُوَ؟ قُلْتُ: إِنَّ عِيسَی ينْزِلُ قَبْلَ يوْمِ الْقِيامَهِ إِلَی الدُّنْيا، فَلَا يبْقَی أَهْلُ مِلَّهٍ يهُودِی وَ لَا غَيرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يصَلِّی خَلْفَ الْمَهْدِيعَلَيهِ السَّلام.

قَالَ: وَيحَكَ! أَنَّی لَكَ هَذَا وَ مِنْ أَينَ جِئْتَ بِهِ؟

فَقُلْتُ: حَدَّثَنِی بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِی بْنِ الْحُسَينِ بْنِ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ:.

فَقَالَ: جِئْتَ وَ اللهِ بِهَا مِنْ عَينٍ صَافِيهٍ.(۱)

از شهر بن حوشب نقل است که گفت: حجّاج به من گفت: یک آیه در قرآن مرا خسته کرده، گفتم: ای امیر! آن کدام آیه است؟

گفت: این آیه: «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه ایمان می آورند به او قبل از مرگش، گفت: من دستور می دهم گردن یک یهودی یا نصرانی را بزنند، بعد دقیق تماشا می کنم، هرگز لبهای خود را تکان نمی دهد، تا موقعی که می میرد و چیزی نمی گوید، که معلوم شود ایمان آورده. گفتم: خدا امیر را خیر دهد، آن طور که تو تأویل کرده ای نیست، پرسید: پس چگونه است؟

۱- ۱ . الزام الناصب، ج ۱: ص۵۷ و ج۲: ص۲۸۴؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۳۴۰، ح۶۴؛ بحار الانوار، ج ۹: ص۱۹۵، ح۴۵ و ج۱۴: ص۳۴۹، ح۱۳ و ج۵۳: ص ۵۰، ح۲۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ص۱۹۷، ح ۲۸۳۱؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱: ص۵۸۵؛ تفسیر الصافی، ج ۱: ص۵۱۹؛ تفسیر القمّی، ج۱: ص۱۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱: ص ۵۷۱، ح۶۶۲.

گفتم: حضرت عیسیعَلَیهِ السَّلام قبل از روز قیامت به دنیا فرود خواهد آمد، احدی از ملّتها، چه یهودی و چه دیگران، نمی ماند، مگر اینکه به او ایمان می آورد، و او پشت سر حضرت مهدیعَلَیهِ السَّلام، نماز خواهد خواند.

گفت: وای بر تو! از کجا این مطلب را کشف نموده ای، و از چه کسی استفاده کرده ای؟ گفتم: این مطلب را محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب: برایم نقل نموده، گفت: به خدا قسم! از سرچشمه ی پاکی گرفته ای.

ص: ۹۶

شماره: ۱۲: اسم آیه: پادشاهان رجعت

شماره: ۱۲

کد آیه: ۲۰ / ۵

اسم آیه: پادشاهان رجعت

)... اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيكُمْ إِذْ جَعَلَ فيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً وَ آتاكُمْ ما لَمْ يؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ(

... نعمت خدا را بر خود متذکّر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!

عَنْ محمّد بْنِ سُلَيمَانَ الدَّيلَمِی، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عزّ و جلّ: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً».

فَقَالَ: الْأَنْبِياءُ: رَسُولُ اللهِصَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ وَ ذُرِّيتُهُ، وَ الْمُلُوكُ: الْأَئِمَّةُ:. قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَی مُلْكٍ أُعْطِيتُمْ؟ قَالَ: مُلْكَ الْجَنَّهِ وَ مُلْكَ الْكَرَّهِ.(۱)

از محمّد بن سلیمان دیلمی نقل است که پدرش گفت: از حضرت امام

ص: ۹۷

۱- ۱ . الزام الناصب، ج ۲: ص۲۷۳؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۶۳، ح۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج:۵۳، ص۴۵، ح۱۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ص۲۶۶، ح ۳۰۱۰؛ مختصر البصائر، ص۱۱۹، ح۹۷.

جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام تفسـير اين آيه ی شريفه: «إِذْ جَعَلَ فِيكَمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكَمْ مُلُوكاً»، را پرسيدم: حضرت فرمودند: مقصود از انبياء، رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ و ابراهيمعَلَيهِ السَّلام و اسـماعيلعَلَيهِ السَّلام و ذريه ی او هسـتند، و منظور از پادشاهان، ائمّه ی اطهار: می باشـند، عرض كردم: خداوند چه سـلطنتی به شـما عطا می كند؟ فرمودند: سلطنت بهشت، و سلطنت زمان رجعت را.

ص: ۹۸

شماره: ۱۳: اسم آیه: آرزوی کفّار

شماره: ۱۳

کد آیه: ۲۸ و ۲۷ / ۶

اسم آیه: آرزوی کفّار

)وَ لَوْ تَری إِذْ وُقِفُوا عَلَی النَّارِ فَقالُوا یا لَیتَنا نُرَدُّ وَ لا نُکَذِّبَ بِآیاتِ رَبِّنا وَ نَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ( )بَلْ بَدا لَهُمْ ما کانُوا یخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ(

و اگر ببینی حال آنها را هنگامی که بر آتش دوزخشان بازدارنـد که در آن حال (با نهایت حسـرت) گوینـد: ای کاش ما را به دنیا باز می گردانیدند تا دیگر آیات خدا را تکذیب نکرده و ایمان می آوردیم!

بلکه (وبـال) آنچه پیش از این پنهـان می داشـتند بر آنهـا آشـکار شـده و اگر بـار دیگر هم (به دنیا) برگردنـد باز همان اعمال زشتی را که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد، و آنان دروغ می گویند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَضِی اللهُ عَنْهُ، قَالَ: رَأَیتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنَ أَبِی طَالِبٍعَلَیهِ السَّلام وَ هُوَ خَارِجٌ مِنَ الْکُوفَهِ، فَتَبِعْتُهُ مِنْ وَرَائِهِ حَتَّی صَـارَ إِلَی جَبَّانَهِ الْیهُودِ وَ وَقَفَ فِی وَسْـطِهَا وَ نَـادَی: یـا یهُودُ! فَأَجَابُوهُ مِنْ جَوْفِ الْقُبُورِ: لَبَّیکَ لَبَّیکَ! مُطَاعٌ یعْنُونَ بِـذَلِکَ یا سَیدَنَا!

فَقالَ: کَیفَ تَرَوْنَ الْعَذابَ؟ فَقَالُوا: بِعِصْیانِنا لَکَ کَهارُونَ فَنَحْنُ وَ مَنْ عَصاکَ فِی الْعَذابِ إِلَی یوْمِ الْقِیامَهِ، ثُمَّ صَاحَ صَیحَهً کَادَتِ السَّمَاوَاتُ ینْقَلِبْنَ، فَوَقَعْتُ مَغْشِیاً عَلَی وَجْهِی مِنْ هَوْلِ مَا رَأَیتُ.

فَلَمَّا أَفَقْتُ رَأَیتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی سَرِیرٍ مِنْ یاقُوتَهٍ حَمْرَاءَ عَلَی رَأْسِهِ إِکْلِیلٌ مِنَ الْجَوْهَرِ وَ عَلَیهِ حُلَلٌ خُضْرٌ وَ صُفْرٌ وَ وَجْهُهُ کَدَارَهِ الْقَمَرِ، فَقُلْتُ: یا سَیدِی! هَذَا مُلْکٌ عَظِیمٌ؟

قَالَ: نَعَمْ یا جابِرُ! إِنَّ مُلْکَنَا أَعْظَمُ مِنْ مُلْکِ سُلَیمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ سُلْطَانَنَا أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ، ثُمَّ رَجَعَ وَ دَخَلْنَا الْکُوفَهَ وَ دَخَلْتُ خَلْفَهُ إِلَی الْمَسْجِدِ فَجَعَلَ یخْطُو خُطُوَاتٍ وَ هُوَ یقُولُ: لَا وَ اللهِ لَا فَعَلْتُ، لَا وَ اللهِ لَا کَانَ ذَلِکَ أَبَداً.

فَقُلْتُ: یا مَوْلَای! لِمَنْ تُکَلِّمُ وَ لِمَنْ تُخَاطِبُ وَ لَیسَ أَرَی أَحَداً، فَقَالَ: یا جَابِرُ! کُشِفَ لِی عَنْ بَرَهُوتَ فَرَأَیتُ شَیبُویه، وَ حَبْتَرَ وَ هُمَا یعَذَّبَانِ فِی جَوْفِ تَابُوتٍ فِی بَرَهُوتَ، فَنَادَیانِی: یا أَبَا الْحَسَنِ! یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! رُدَّنَا إِلَی الدُّنْیا نُقِرَّ بِفَضْلِکَ وَ نُقِرَّ بِالْوَلَایهِ لَکَ.

فَقُلْتُ: لَا وَ اللهِ لَا فَعَلْتُ، لَا وَ اللهِ لَا کَانَ ذَلِکَ أَبَداً، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآیهَ: «وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ»، یا جَابِرُ! وَ مَا مِنْ أَحَدٍ خَالَفَ وَصِی نَبِی إِلَّا حُشِرَ أَعْمَی یتَکَبْکَبُ فِی عَرَصَاتِ الْقِیامَهِ.(۱)

از جابر بن عبداللّه انصاری نقل است که گفت: امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام را خارج کوفه دیدم، به دنبال آن حضرت رفتم تا اینکه رسیدند به قبرستان یهودیان، در وسط قبرستان صدا زدند: ای یهود! از درون قبور جواب

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۲۷: ص۳۰۶، ح۱۱ و ج۴۱: ص۲۲۲، ح۳۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲: ص۴۱۲، ح۳۴۴۷؛ تأویل الآیات الظاهره، ص۱۶۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴: ص۳۱۳؛ مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۲: ص۹۸، ح۴۲۲.

دادند: لبیک لبیک! ای سرور ما!

حضرت فرمودند: عذاب را چگونه دیدید؟ جواب دادند: به خاطر مخالفت ما با تو، مانند مخالفتی که ما با هارون کردیم، و هر کسی مخالف تو باشد تا روز قیامت در عذاب است، سپس حضرت فریادی زدند، که نزدیک بود آسمان زیر و رو شود، من از ترس بیهوش شدم.

تا به هوش آمـدم، دیـدم امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام بر تختی از یاقوت قرمز نشسـته اند، و بر سـر تاجی از جواهر دارند، و لباسـهای عالی سبز و زرد پوشیده، و چهره ی آن حضرت مثل ماه می درخشید.

گفتم: آقا این سلطنت بزرگی است! حضرت فرمودند: آری،ای جابر! قدرت و فرمانروائی ما از سلیمان بن داود بزرگتر است، و سلطنت ما از سلطنت او بالاتر.

پس از آن با امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام برگشتیم و داخل کوفه شدیم، من پشت سـر آن حضرت وارد مسجد شدم، امامعَلَیهِ السَّلام هر گام بر می داشتند می فرمودند: نه به خدا انجام نمی دهم، نه به خدا چنین کاری هرگز نخواهد شد.

عرض کردم: ای سرورم! با چه کسی صحبت می کنید و حرف می زنید، من که کسی را نمی بینم؟

حضـرت فرمودند: ای جابر! برهوت برایم آشکار شد، «شیبویه» و «حبتر» را دیدم که در درون تابوت در عذاب بودند، مرا صدا زدنـد که: ای ابـا الحسن! ای امیر المؤمنین! اگر مـا را به دنیـا برگردانیـد، اقرار به برتری تو می کنیم، و ولاـیت ترا می پـذیریم، گفتم: نه، به خدا نخواهم کرد، هرگز چنین کاری نخواهد شد، بعد این آیه را تلاوت فرمودند:

«وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ»، ای جابر! هیـچ کس با وصـی پیامبری مخالفت نکرد، مگر آنکه کور برانگیخته می شود، و در عرصه های قیامت با صورت بر زمین می افتد.

ص: ۱۰۱

شماره: ۱۴: اسم آیه: رجعت پیامبرصَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَ آلِه و امام حسین عَلَیهِ السَّلام

شماره: ۱۴

کد آیه: ۹۶ / ۷

اسم آیه: رجعت پیامبرصَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَ آلِه و امام حسینعَلَیهِ السَّلام

)وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یکْسِبُونَ(

و اگر مردم شهر و روستاها ایمان می آوردند و خداترس و پرهیزکار می شدند، ما برکات آسمان و زمین را برای آنان می گشودیم. ولی آنان حقایق را تکذیب کردند. ما نیز آنها را به کیفر اعمالشان گرفتار ساختیم.

عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام قَالَ: قَالَ الْحُسَینُعَلَیهِ السَّلام لِأَصْحَابِهِ قَبْلَ أَنْ یقْتَلَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ قَالَ لِی: یا بُنَی! إِنَّکَ سَتُسَاقُ إِلَی الْعِرَاقِ وَ هِی أَرْضٌ قَدِ الْتَقَی بِهَا النَّبِیونَ وَ أَوْصِیاءُ النَّبِیینَ، وَ هِی أَرْضٌ تُدْعَی عموراء، وَ إِنَّکَ تُسْتَشْهَدُ بِهَا وَ یسْتَشْهَدُ مَعَکَ جَمَاعَهٌ مِنْ أَصْحَابِکَ، لَا یجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِیدِ، وَ تَلَا قُلْنا: «یا نارُ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ»، یکُونُ الْحَرْبُ بَرْداً وَ سَلَاماً عَلَیکَ وَ عَلَیهِمْ، فَأَبْشِرُوا فَوَ اللهِ لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرِدُ عَلَی نَبِینَا.

قَالَ: ثُمَّ أَمْکُثُ مَا شَاءَ اللهُ، فَأَکُونُ أَوَّلَ مَنْ ینْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ، فَأَخْرُجُ خَرْجَهً یوَافِقُ ذَلِکَ خَرْجَهَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ قِیامَ قَائِمِنَا ثُمَّ لَینْزِلَنَّ عَلَی وَفْدٌ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللهِ لَمْ ینْزِلُوا إِلَی الْأَرْضِ قَطُّ وَ لَینْزِلَنَّ إِلَی جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ إِسْرَافِیلُ وَ جُنُودٌ مِنَ الْمَلَائِکَهِ وَ لَینْزِلَنَّ محمّد وَ عَلِی وَ أَنَا وَ أَخِی وَ جَمِیعُ مَنْ

مَنَّ اللهُ عَلَيهِ فِی حَمُولَـاتٍ مِنْ حَمُولَـاتِ الرَّبِّ خَيلٍ بُلْقٍ مِنْ نُورٍ لَمْ يرْكَبْهَا مَخْلُوقٌ، ثُمَّ لَيهُزَّنَّ محمّـد لِوَاءَهُ وَ لَيـدْفَعَنَّهُ إِلَی قَائِمِنَا مَعَ سَيفِهِ، ثُمَّ إِنَّا نَمْكُثُ مِنْ بَعْـدِ ذَلِـكَ مَا شَاءَ اللهُ، ثُمَّ إِنَّ اللهَ يخْرُجُ مِنْ مَسْـجِدِ الْكُوفَهِ عَيناً مِنْ دُهْنٍ وَ عَيناً مِنْ مَاءٍ وَ عَيناً مِنْ لَبَنٍ، ثُمَّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَعَلَيهِ السَّلام يدْفَعُ إِلَی سَـيفَ رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ وَ يبْعَثُنِی إِلَی الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، فَلَا آتِی عَلَی عَدُوٍّ لِلهِ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ وَ لَـا أَدَعُ صَـنَماً إِلَّا أَحْرَقْتُهُ حَـتَّی أَقَعَ إِلَی الْهِنْـدِ فَأَفْتَحُهَـا وَ إِنَّ دَانِيـالَ وَ يوشَعَ يخْرُجَـانِ إِلَی أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يقُولَـانِ: صَـدَقَ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ يبْعَثُ اللهُ مَعَهُمَـا إِلَی الْبَصْـرَهِ سَـبْعِينَ رَجُلًا، فَيقْتُلُونَ مُقَاتِلِيهِمْ وَ يبْعَثُ بَعْثاً إِلَی الرُّومِ فَيفْتَـحُ اللهُ لَهُمْ ثُمَّ لَأَقْتُلَنَّ كُلَّ دَابَّهٍ حَرَّمَ اللهُ لَحْمَهَا حَتَّی لَا يكُونَ عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيبُ وَ أَعْرِضُ عَلَی الْيهُودِ وَ النَّصَارَی وَ سَائِرِ الْمِلَلِ وَ لَأُخَيرَنَّهُمْ بَينَ الْإِسْلَامِ وَ السَّيفِ.

فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيهِ وَ مَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللهُ دَمَهُ، وَ لَا يبْقَی رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللهُ إِلَيهِ مَلَكاً يمْسَحُ عَنْ وَجْهِهِ التُّرَابَ، وَ يعَرِّفُهُ أَزْوَاجَهُ وَ مَنْزِلَتَهُ فِی الْجَنَّهِ وَ لَـا يبْقَی عَلَی وَجْهِ الْـأَرْضِ أَعْمَی وَ لَـا مُقْعَـدٌ وَ لَـا مُبْتَلًی إِلَّا كَشَفَ اللهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلَ الْبَيتِ وَ لَينْزِلَنَّ الْبَرَكَهُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ حَتَّی إِنَّ الشَّجَرَهَ لَتَقْصِفُ بِمَا يرِيدُ اللهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَهِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَهَ الشِّتَاءِ فِی الصَّيفِ وَ ثَمَرَهَ الصَّيفِ فِی الشِّتَـاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَی: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يكْسِبُونَ» ثُمَّ إِنَّ اللهَ لَيهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَهً لَا يخْفَی عَلَيهِمْ شَی ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّی إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يرِيدُ أَنْ يعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيتِهِ فَيخْبِرَهُمْ بِعِلْمِ مَا يعْمَلُونَ.(۱)

ص: ۱۰۳

۱- ۱ . الإيقـاظ من الهجعه بالبرهـان على الرّجعه، ص۳۵۲؛ بحـار الأنوار، ج ۴۵: ص۸۰، ح۶ و ج ۵۳: ص۶۱، ح۵۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲: ص۸۴۸، ح۶۳؛ مختصر البصائر: ص۱۳۹، ح۱۰۷؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص۲۸۶،ح۵.

از جابر نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام فرمودند: امام حسینعَلَیهِ السَّلام قبل از اینکه به شهادت برسند، به اصحاب خود می فرمودند: پیامبر خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه به من فرمودند: ای پسر عزیزم! تو به زودی به سوی عراق رانده خواهی شد، زمین عراق همان زمینی است که پیامبران و اوصیای آنان، در آن با یکدیگر ملاقات کردند، آن زمین را عمور می خوانند، تو در آن زمین شهید خواهی شد، و گروهی که با تو شهید می شوند، درد نیزه و شمشیر را احساس نمی کنند، سپس این آیه را تلاوت کردند:

«قُلْنا یا نارُ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ»، جنگ برای تو و یارانت سرد و سلامت خواهد شد.

سپس امام حسینعَلَیهِ السَّلام به اصحاب خود فرمودند: مژده باد شما را! گر چه دشمنان، ما را می کشند، ولی ما بر پیامبرمان وارد خواهیم شد، سپس من به قدری که خدا بخواهد مکث خواهم نمود! سپس اوّل کسی که زمین برایش شکافته خواهد شد، و او خارج می شود، من خواهم بود.

پس من با خروج حضرت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام و قیام حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام، و زنده شدن پیامبر خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، خروج خواهم کرد، سپس افرادی از آسمان از طرف خدا نزد من می آیند، که هرگز در زمین نازل نشده اند.

جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و گروهی از ملائکه بر من نازل خواهند شد، حضرت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه و علیعَلَیهِ السَّلام و من و برادرم و جمیع آن افرادی که خدا بر آنان منّت نهاده، به وسیله ی شترانی از نور، که احدی از مخلوقین بر آنها سوار نشده، فرود می آئیم، پس از این جریان حضرت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه پرچم خود را به اهتزاز در می آورد، و آن را با شمشیر خود به قائم ما می دهد.

سپس ما به اندازه ای که خدا بخواهد مکث می نمائیم، بعداً خدای توانا چشمه ای از روغن و چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر در مسجد کوفه خارج می کند. پس از این جریان، امیر

المؤمنینعَلَیهِ السَّلام شمشیر پیامبر خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه را به من می دهند، و مرا به سوی مشرق و مغرب زمین می فرستند، پس من به هیچ یک از دشمنان خدا بر نمی خورم، مگر اینکه خون او را می ریزم، هیچ بُتی را نمی بینم مگر اینکه آن را می سوزانم، تا اینکه به هند می رسم، و آن را فتح می نمایم! دانیال و یوشع خارج می شوند، و به حضرت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام می گویند: خدا و رسول، راست گفته اند. سپس ایشان با تعداد هفتاد مرد، به سوی بصره می روند، و دشمنان خود را می کشند. گروهی به جانب روم اعزام می شوند، و خدای توانا پیروزی را نصیب آنان می نماید.

بعداً من هر حیوانی را که خدا گوشت آن را حرام کرده می کشم، تا اینکه در روی زمین غیر از گوشت طیب و طاهر چیزی نباشد. من بر یهود و نصارا و سائر ملل اسلام، شمشیر را عرضه می کنم، و آنان را بین اسلام و شمشیر مخیر می نمایم، هر کسی از آنان اسلام بیاورد، منّت بر او می گذارم، و هر کس که از اسلام بیزار باشد، خدا خون او را خواهد ریخت.

هیچ مردی از شیعیان ما روی زمین نیست، مگر اینکه خدا مَلَکی می فرستد تا خاک را از روی او پاک نماید، و زنان و مقام و منزلت او را در بهشت به وی معرّفی نماید، در روی زمین شخص کور و زمین گیر و مبتلائی نخواهد بود، مگر اینکه خدا به وسیله ی ما اهل بیت، بلا را از او بر طرف می کند.

به قدری برکت از آسمان به زمین نازل می شود، که شاخه ی درخت، از زیادی میوه می شکند! میوه ی زمستانی در تابستان، و میوه ی تابستانی در زمستان خورده می شود. همین است معنای قول خداوند سبحان که می فرماید:

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یکْسِبُونَ»، سپس خدای رؤف کرامتی به شیعیان ما عطا می کند، که چیزی در زمین بر آنان پنهان نخواهد بود. تا آنجا که مردی از ایشان تصمیم می گیرد، که علم اهل بیت خود را بداند، پس خداوند او را از آنچه آنها می دانند آگاه می نماید.

شماره: ۱۵: اسم آیه: یاری امیرالمؤمنین عَلَیهِ السَّلام در رجعت

شماره: ۱۵

کد آیه: ۱۵۷ / ۷

اسم آیه: یاری امیرالمؤمنینعَلَیهِ السَّلام در رجعت

)الَّذینَ یتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِی الْأُمِّی ... فَالَّذینَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِک هُمُ الْمُفْلِحُونَ(

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول و پیامبر امّی ... پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزّت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

فی تفسیر القمی: «فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ»، یعْنِی بِرَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، «وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ»، یعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام، «أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، فَأَخَذَ اللهُ مِیثَاقَ رَسُولِ اللهِ عَلَی الْأَنْبِیاءِ أَنْ یخْبِرُوا أُمَمَهُمْ وَ ینْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ وَ أَمَرُوا أُمَمَهُمْ بِذَلِکَ، وَ سَیرْجِعُ رَسُولُ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه وَ یرْجِعُونَ وَ ینْصُرُونَهُ فِی الدُّنْیا.(۱)

در تفسیر قمی روایت است که: «فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ»، کسانی که ایمان به

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۳: ص۳۰۹، ح ۹؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۲۴۲.

رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ آورند، «وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أَنْزِلَ مَعَهُ»، یعنی از امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام پیروی و تبعیت کنند، «أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آنها رستگاران هستند، خداوند از پیامبران پیمان گرفت، که امّتشان را به آمدن پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ بشارت دهند و او را یاری نمایند، انبیاء: هم، با گفتار، او را یاری نمودند، و به امّتشان دستور دادند که امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام را نصرت دهند، طولی نمی کشد که همه به دنیا برمی گردند، و در همین دنیا او را یاری می کنند.

ص: ۱۰۷

شماره: ۱۶: اسم آیه: رجعت عدّه ای ازیهودیان مؤمن

شماره: ۱۶

کد آیه: ۱۵۹ / ۷

اسم آیه: رجعت عدّه ای ازیهودیان مؤمن

)وَ مِنْ قَوْمِ مُوسی أُمَّهٌ یهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یعْدِلُونَ(

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند و به حق و عدالت حکم می نمایند.

عَن مُفَضَّلِ بْن عُمَر عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: قَالَ: یخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِعَلَیهِ السَّلام مِنْ ظَهْرِ الْکُوفَهِ سَبْعٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَهَ عَشَرَ مِنْ قَوْم مُوسَـیعَلَیهِ السَّلام الَّذِینَ کَانُوا، «یهْـدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یعْدِلُونَ»، وَ سَـبْعَهٌ مِنْ أَهْلِ الْکَهْفِ، وَ یوشَعُ بْنُ نُونٍ، وَ سَـلْمَانُ، وَ أَبُو دُجَانَهَ الْأَنْصَارِی، وَ الْمِقْدَادُ، وَ مَالِکٌ الْأَشْتَرُ، فَیکُونُونَ بَینَ یدَیهِ أَنْصَاراً وَ حُکَّاما.(۱)

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند:

ص: ۱۰۸

۱- ۱ . الزام النـاصب، ج ۲: ص۲۳۴ و ص۲۸۵؛ الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۲۴۹، ح۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص۹۰، ح ۹۵؛ البرهـان فی تفسـیر القرآن، ج ۳: ص۶۲۰، ح۶۶۳۵؛ تفسـیر الصـافی، ج ۳: ص۲۳۸؛ تفسـیر کنز الـدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص۴۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۲۵۲، ح ۴۰؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمّه، ج ۲: ص۴۶۶.

از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام بیرون می آیند، پانزده نفر آنان از قوم حضرت موسیعَلَیهِ السَّلام می باشند، که به حق هدایت کنند و بدان دادگری نمایند، و هفت تن آنان اصحاب کهف هستند، و یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد، مالک اشتر، می باشند، پس اینها یاران و حکمرانان او هستند.

ص: ۱۰۹

شماره: ۱۷: اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت

شماره: ۱۷

کد آیه: ۳۳ / ۹

اسم آیه: برتری دین حق، در رجعت

)هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ(

او خدایی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا آن را بر همه ی ادیان جهان برتری بخشد، هر چند مشرکان را خوش آیند نباشد.

عَنْ جابِرِ بْنِ یزِیدَ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: إِنَّ لِعَلِیعَلَیهِ السَّلام فِی الْأَرْضِ کَرَّةً مَعَ الْحُسَینِ ابْنِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیهِمَا، یقْبِلُ بِرَایتِهِ حَتَّی ینْتَقِمَ لَهُ مِنْ بَنِی أُمَیةَ وَ مُعَاوِیةَ وَ آلِ مُعَاوِیةَ وَ مَنْ شَهِدَ حَرْبَهُ، ثُمَّ یبْعَثُ اللهُ إِلَیهِمْ بِأَنْصَارِهِ یوْمَئِذٍ مِنْ أَهْلِ الْکُوفَةِ ثَلَاثِینَ أَلْفاً وَ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ سَبْعِینَ أَلْفاً.

فَیلْقَاهُمْ بِصِفِّینَ مِثْلَ الْمَرَّةِ الْأُولَی، حَتَّی یقْتُلَهُمْ وَ لَا یبْقَی مِنْهُمْ مُخْبِراً، ثُمَّ یبْعَثُهُمُ اللهُ عزّ و جلّ فَیدْخِلُهُمْ أَشَدَّ عَذَابِهِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَ آلِ فِرْعَوْنَ، ثُمَّ کَرَّةً أُخْرَی مَعَ رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه حَتَّی یکُونَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْضِ وَ تَکُونَ الْأَئِمَّةُ: عُمَّالَهُ وَ حَتَّی یبْعَثَهُ اللهُ عَلَانِیةً فَتَکُونَ عِبَادَتُهُ عَلَانِیةً فِی الْأَرْضِ کَمَا عَبَدَ اللهَ سِرّاً فِی الْأَرْضِ.

ص: ۱۱۰

ثُمَّ قَالَ: إِی وَ اللهِ! وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ، ثُمَّ عَقَدَ بِیدِهِ أَضْعَافاً یعْطِی اللهُ نَبِیهُصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ مُلْکَ جَمِیعِ أَهْلِ الدُّنْیا مُنْذُ یوْمَ خَلَقَ اللهُ الدُّنْیا إِلَی یوْمِ یفْنِیهَا حَتَّی ینْجِزَ لَهُ مَوْعُودَهُ فِی کِتَابِهِ کَمَا قَالَ: «لِیظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ».(۱)

از جابر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: حضرت علیعَلَیهِ السَّلام دو رجعت دارند.

یکی با امام حسینعَلَیهِ السَّلام، که با پرچم خویش بیایند، و از بنی امیّه و معاویه و آل معاویه و تمام آنان که شاهد جنگ با آن حضرت بودند، انتقام گیرند، سپس خداوند سی هزار یاور از کوفه، و هفتاد هزار نفر از جاهای دیگر برای ایشان بفرستد، در «صفین» مثل دفعه ی اوّل جنگ کنند، و به طوری دشمنان را نابود کنند که یک نفر از آنان نماند، تا سرگذشت جنگ را تعریف کند، و خداوند ایشان را برانگیخته و با فرعون و آل فرعون، به شدیدترین عذاب مبتلا خواهد نمود.

و رجعت دوّم حضرت، در حضور پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ است، که بر می گردند، تا خلیفه ی روی زمین باشند، و ائمّه ی دیگر، همه، عمّال و از کارگزاران و فرماندهان او خواهند بود، و خداوند سلطنت روی زمین را به پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ دهد، چنانکه در قرآن وعده داده: «لِیظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ».

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۳۶۳، ح۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۷۴، ح۷۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۵۰۷، ح۶۲۶۲؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار علیهم السلام ، ج ۶: ص۳۶۶؛ مختصر البصائر: ص۱۲۱، ح۹۹؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین، ص۲۸۹، ح۸.

شماره: ۱۸: اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت

شماره: ۱۸

کد آیه: ۱۱۱ / ۹

اسم آیه: خریداری جان و مال مؤمنین، در رجعت

)إِنَّ اللَّهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ یقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ فَیقْتُلُونَ وَ یقْتَلُونَ وَعْداً عَلَیهِ حَقًّا فِی التَّوْراهِ وَ الْإِنْجیلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیعِکُمُ الَّذی بایعْتُمْ بِهِ وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ(

خدا، جان و مال مردم با ایمان را در مقابل بهشتی که نصیب آنان خواهد کرد، پیش خرید می کند. این مردم با ایمان در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است که خدا در هر سه کتاب آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد کرده است. وفادارتر از خدا به عهد خود کیست؟ شما را به داد و ستدی که با وی انجام داده اید، بشارت باد، سعادت و پیروزی بزرگ همین است.

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلامـ عَنْ قَوْلِ اللهِ عزّ و جلّ: «إِنَّ اللهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ یقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ فَیقْتُلُونَ وَ یقْتَلُونَ» إِلَی آخِرِ الْآیهِ، فَقَالَ: ذَلِکَ فِی الْمِیثَاقِ، ثُمَّ قَرَأْتُ «التَّائِبُونَ الْعابِدُونَ».

ص: ۱۱۲

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍعَلَيهِ السَّلام: لَا تَقْرَأْ هَكَذَا، وَ لَكِنْ اقْرَأْ «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» إِلَى آخِرِ الْآيهِ، ثُمَّ قَالَ: إِذَا رَأَيتَ هَؤُلَاءِ فَعِنْدَ ذَلِكَ هُمُ الَّذِينَ اشْتَرَى مِنْهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ يعْنِی فِی الرّجعه، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعَلَيهِ السَّلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ مَيتَةٌ وَ قَتْلَةٌ، مَنْ مَاتَ بُعِثَ حَتَّى يقْتَلَ، وَ مَنْ قُتِلَ بُعِثَ حَتَّى يمُوتَ.(۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام پرسیدم، حضرت فرمودند: این میثاق و معامله در عالم ذر بوده، سپس آیه ی بعد را خواندم: «التَّائِبُونَ الْعابِدُونَ»، (یعنی مؤمنان عبارت اند از توبه کنندگان و عبادت کنندگان)

حضرت فرمودند: چنین بخوان: «التائبین العابدین» آنگاه فرمودند: هرگاه این توبه کنندگان و عبادت کنندگان را دیدی، بدان همان هایند که خدا جان و مالشان را خریده، یعنی در زمان رجعت، سپس حضرت فرمودند: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه مردنی دارد، و کشته شدنی. هرکه بمیرد، زنده شود تا کشته گردد، و هرکه کشته شود، زنده گردد تا بمیرد.

ص: ۱۱۳

۱- ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۳، ح۱۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۷۱، ح۷۰؛ البرهان فی تفسير القرآن، ج ۲: ص۸۵۷؛ تفسير الصافی، ج ۲: ص۳۸۲؛ تفسير العياشی، ج ۲: ص۱۱۲؛ مختصر البصائر، ص۹۹، ح۶۹.

شماره: ۱۹: اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی

شماره: ۱۹

کد آیه: ۳۹ / ۱۰

اسم آیه: تکذیب رجعت از روی نادانی

)بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يحيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يأْتِهِمْ تَأْويلُهُ كَذلِكَ كَذَّبَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيفَ كانَ عاقِبَةُ الظَّالِمينَ(

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!

۱ـ عَنْ زُرَارَه قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام عَنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ مِنَ الرّجعه وَ أَشْبَاهِهَا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الَّذِى تَسْأَلُونَ عَنْهُ لَمْ يجِئْ أَوَانُهُ، وَ قَدْ قَالَ اللهُ عزّ و جلّ: «بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ».(۱)

از زراره نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام در باره ی رجعت و امثال این امور مهم سؤال کردم، حضرت فرمودند: این را که می پرسید هنوز وقتش نرسیده است، خداوند می فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»، یعنی: بلکه آنها آنچه را که با علم خود به

۱- ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرّجعه، ص۲۷۸، ح۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۰، ح۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۳۱، ح۴۸۹۸؛ تفسیر الصافی، ج ۲: ص۴۰۳؛ مختصر البصائر: ص۱۰۸، ح۸۰.

آن احاطه نداشتند، دروغ پنداشتند در صورتی که (دروغ نیست) و هنوز (موقع) تأویل آن نرسیده است.

۲ـ فی تفسیر القمی، «بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا یأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ»، أَی لَمْ یأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ، «کَذٰلِکَ کَذَّبَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِی الرَّجعه، کَذَّبُوا بِهَا أَی أَنَّهَا لَا تَکُونُ، ثُمَّ قَالَ: «وَ مِنْهُمْ مَنْ یؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لا یؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّکَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِینَ».(۱)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، بعد از ذکر این آیه: «بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا یأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ»، یعنی: چیزی را که علم آنها به آن احاطه ندارد، تکذیب کردند، در صورتی که هنوز تأویل آن برای آنها نیامده است، «کَذٰلِکَ کَذَّبَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، و بدین گونه پیشینیان را نیز تکذیب نمودند، این آیه در باره ی رجعت نازل شده، بی دینان وقوع رجعت را تکذیب می کنند و می گویند: رجعتی نخواهد بود، سپس گفت: «وَ مِنْهُمْ مَنْ یؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لا یؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّکَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِینَ».

ص: ۱۱۵

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۱، ح ۲۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۳۱، ح۴۸۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۳۱۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲: ص۳۰۵، ح ۶۷.

شماره: ۲۰: اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت

شماره: ۲۰

کد آیه: ۵۴ / ۱۰

اسم آیه: پشیمانی ظالمین در رجعت

)وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ(

و اگر هر چه در روی زمین است، متعلق بکسی باشد که بسیار ظلم کرده است و بخواهد همه آن را فدا کند از او پذیرفته نخواهد شد و چون عذاب را مشاهده کنند، پشیمانی خود را نهان میدارند و میان آنها بعدالت حکم می شود و ستمی به آنان نخواهد شد.

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ»، آلَ محمّد: حَقَّهُمْ، «ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً لَافْتَدَتْ بِهِ»، فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ يعْنِي الرّجعه.(۱)

ص: ۱۱۶

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۸۶؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۱، ح۲۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۳۴، ح۴۹۱۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۶: ص۶۶؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۳۱۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲: ص۳۰۶، ح۷۶.

در تفسیر قمی، در باره ی آیه ی: «وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِی الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ»، می فرماید: هر کس ظلمی به آل محمّد: نموده باشد، حاضر است تمام آنچه را که در روی زمین است، اگر مالک باشد، همه را بدهد تا از کیفر روز رجعت نجات یابد.

ص: ۱۱۷

شماره: ۲۱: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

شماره: ۲۱

کد آیه: ۵ / ۱۴

اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

)... وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيامِ اللَّهِ إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ(

... و «ایام اللّه» را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!

۱ــ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَّاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍعَلَيهِ السَّلام يقُولُ: «أَيامُ اللهِ»، ثَلَاثَةٌ يوْمُ، يقُومُ الْقَائِمُ وَ يوْمُ الْكَرَّهِ وَ يوْمُ الْقِيامَهِ.(۱)

از مثنای حناط نقل است که گفت: شنیدم از حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام که می فرمودند: روزهای خداوند عزّ و جلّ سه روزند، روزی که حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام قیام می کنند، و روز رجعت، و روز قیامت.

۲ــ رُوِى عَنْ أَبِى عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام، أَنَّهُ قَالَ: أَيامُ اللهِ الْمَرْجُوَّهُ ثَلَاثَهُ أَيامٍ: يوْمُ قِيامِ الْقَائِمِ وَ يوْمُ الْكَرَّهِ وَ يوْمُ الْقِيامَهِ.(۲)

ص: ۱۱۸

---

۱ - ۱ . اثبات الهداه، ج ۵: ص۱۸۵، ح۶۲۳؛ الزام الناصب، ج ۱: ص۶۸ و ج ۲: ص۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۷: ص۶۱ و ج ۵۱: ص۵۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۲۸۶، ح۵۶۷۱؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۸۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۲۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲: ص۵۲۶؛ الخصال، ج ۱: ص۱۰۸، ح۷۵.

۲ - ۲ . احقاق الحق، ج ۱۳: ص۳۴۸؛ الزام الناصب، ج ۱،ص۹۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۲۸، ح۹۷۳۹؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۵۵۸؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴: ص۱۱۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۱۵۳.

از حضـرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام نقل است که فرمودند: روزهایی که مورد امید و آرزو هسـتند، سه روز هستند: روز قیام حضرت قائمعَلَيهِ السَّلام، و روز رجعت، و روز قیامت.

ص: ۱۱۹

شماره: ۲۲: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنین عَلَیهِ السَّلام و شیعیانشان

شماره: ۲۲

کد آیه: ۲ / ۱۵

اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام و شیعیانشان

)رُبَما یوَدُّ الَّذینَ کَفرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمینَ(

کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند!

عَنْ جَابِرِ بْنِ یزِید، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام فِی خبرٍ طَویل ... اِلی اَن قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ عزّ و جلّ: «رُبَما یوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمِینَ»، قَالَ: هُوَ أَنَا، إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَ شِیعَتِی، وَ خَرَجَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَ شِیعَتُهُ، وَ نَقْتُلُ بَنِی أُمَیهَ فَعِنْدَهَا «یوَدُّ الَّذِینَ کَفرُوا لَوْ کَانُوا مُسْلِمَینِ».(۱)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: در روایتی طولانی حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام فرمودند: وجود مقدّس امیرمؤمنان علیعَلَیهِ السَّلام در تفسیر آیه ی: «رُبَما یوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمِینَ»، فرمودند: آن هنگامی است که من و شیعیانم خارج شویم، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیّه را از دم شمشیر بگذرانیم، آن روز کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

---

۱ - ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۴، ح۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱: ص۷۲۱، ذیل ح۲۹۱۲ و ج ۳: ص۳۳۱؛ مختصر البصائر: ص۸۹، ذیل ح۵۵؛ مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۳: ص۹۸، ح۷۵۸.

شماره: ۲۳: اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت

شماره: ۲۳

کد آیه: ۳۸ / ۱۵

اسم آیه: کشته شدن شیطان در رجعت

)إِلی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ(

تا روزی که وقت آن نزد ما معلوم و مشخص است.

۱_ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِعَلَیهِ السَّلامـ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «فَأَنْظِرْنِی إِلی یوْمِ یبْعَثُونَ» «قالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ» «إِلی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، قَالَ: یوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، یوْمٌ یذْبَحُهُ رَسُولُ اللَّهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه عَلَی الصَّخْرَهِ الَّتِی فِی بَیتِ الْمَقْدِسِ.(۱)

حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلامـ در باره ی فرمایش خداوند تبارك و تعالی: «فَأَنْظِرْنِی إِلی یوْمِ یبْعَثُونَ»، «قالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ»، «إِلی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، فرمودند: «یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، روزی است که رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، شیطان را بر صخره ای در بیت المقدّس ذبح می کنند.

۲_ عَنْ عَبْدِ الْكَرِیمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِی، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام یقُولُ: إِنَّ إِبْلِیسَ، «قَالَ أَنْظِرْنِی إِلی یوْمِ یبْعَثُونَ»،(۲) فَأَبَی اللهُ ذَلِکَ عَلَیهِ، فَقَالَ:

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۱۱: ص۱۵۴ و ج ۶۰: ص۲۴۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۳۶۵؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۱۱۳؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۴۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۱۲۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۴۷۲.
۲- ۲ . ۱۴ / ۷.

«فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ»، «إِلی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم»، فَإِذَا کَانَ یوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم، ظَهَرَ إِبْلِیسُ لَعَنَهُ اللهُ، فِی جَمِیعِ أَشْیاعِهِ، مُنْذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ إِلَی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم، وَ هِی آخِرُ کَرَّهٍ، یکُرُّهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام. فَقُلْتُ: وَ إِنَّهَا لَکَرَّاتٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهَا لَکَرَّاتٌ وَ کَرَّاتٌ، مَا مِنْ إِمَامٍ فِی قَرْنٍ إِلَّا وَ یکُرُّ مَعَهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ فِی دَهْرِهِ، حَتَّی یدِیلَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْکَافِرِ.

فَإِذَا کَانَ یوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم، کَرَّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام فِی أَصْحَابِهِ، وَ جَاءَ إِبْلِیسُ فِی أَصْحَابِهِ، وَ یکُونُ مِیقَاتُهُمْ فِی أَرْضٍ مِنْ أَرَاضِی الْفُرَاتِ، یقَالُ لَهَا: الرَّوْحَاءُ قَرِیبٌ مِنْ کُوفَتِکُمْ، فَیقْتَتِلُونَ قِتَالًا لَمْ یقْتَتَلْ مِثْلُهُ، مُنْذُ خَلَقَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْعَالَمِینَ، فَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی أَصْحَابِ عَلِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام قَدْ رَجَعُوا إِلَی خَلْفِهِمُ الْقَهْقَرَی مِائَهَ قَدَمٍ، وَ کَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَیهِمْ وَ قَدْ وَقَعَتْ بَعْضُ أَرْجُلِهِمْ فِی الْفُرَاتِ.

فَعِنْدَ ذَلِکَ یهْبِطُ الْجَبَّارُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فِی ظُلَلٍ مِنَ الْغَمامِ وَ الْمَلائِکَهُ وَ قُضِی الْأَمْرُ»،(۱) رَسُولُ اللهصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه أَمَامَهُ بِیدِهِ حَرْبَهٌ مِنْ نُورٍ، فَإِذَا نَظَرَ إِلَیهِ إِبْلِیسُ، رَجَعَ الْقَهْقَرَی نَاکِصاً عَلَی عَقِبَیهِ، فَیقُولُونَ لَهُ أَصْحَابُهُ: أَینَ تُرِیدُ وَ قَدْ ظَفِرْتَ؟

فَیقُولُ: «إِنِّی أَری ما لا تَرَوْنَ»،(۲) «إِنِّی أَخافُ اللهَ رَبَّ الْعالَمِینَ»،(۳) فَیلْحَقُهُ النَّبِیصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه فَیطْعُنُهُ طَعْنَهً بَینَ کَتِفَیهِ، فَیکُونُ هَلَاکُهُ وَ هَلَاکُ جَمِیعِ أَشْیاعِهِ، فَعِنْدَ ذَلِکَ یعْبَدُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا یشْرَکُ بِهِ شَیئاً.

وَ یمْلِکُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام أَرْبَعاً وَ أَرْبَعِینَ أَلْفَ سَنَهٍ، حَتَّی یلِدَ الرَّجُلُ مِنْ شِیعَهِ عَلِیعَلَیهِ السَّلام أَلْفَ وَلَدٍ مِنْ صُلْبِهِ ذَکَراً، فِی کُلِّ سَنَهٍ ذَکَراً، وَ عِنْدَ ذَلِکَ تَظْهَرُ

۱- ۱. ۲۱۰ / ۲.

۲- ۲. ۴۸ / ۸.

۳- ۳. ۱۶ / ۵۹.

الْجَنَّتَانِ الْمُدْهَامَّتَانِ عِنْدَ مَسْجِدِ الْکَوفَهِ، وَ مَا حَوْلَهُ بِمَا شَاءَ اللَّه.(۱)

از عبد الکریم بن عمرو خثعمی نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام شنیدم که می فرمودند: همانا ابلیس به خداوند عرض کرد: مرا تا روز قیامت مهلت ده، خدای سبحان خواسته ی او را نپذیرفت و فرمود: تا روز وقت معلوم مهلت داری، زمانیکه روز وقت معلوم فرا رسد، ابلیس که لعنت خدا بر او باد، با تمام هوا دارانش، از زمان آفرینش حضرت آدم تا آن روز، پدیدار می شود، آن هنگام آخرین رجعتی است که امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام انجام می دهند، به آن حضرت عرض کردم: مگر رجعت، چند بار صورت

حضرت فرمودند: آری، رجعت چندین و چند بار است، هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی، نیست، مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انسانهای تبهکار زمان خودش، با او رجعت می کنند، تا اینکه خداوند به وسیله ی مؤمن، از کافر انتقام بگیرد، آن زمان که روز وقت معلوم فرا برسد، امیرالمؤمنینعَلَیهِ السَّلام با یاران خودشان رجعت دارند، و ابلیس و هوا دارانش نیز می آیند، و میعادگاه آنان در زمینی از زمینهای فرات است که به آن (روحاء) می گویند، و آن نزدیک کوفه ی شما است، آنان با یکدیگر آنچنان نبردی می کنند، که از زمانی که خداوند جهانیان را آفریده، بی سابقه بوده است.

گویی به یاران امیر المؤمنین علیعَلَیهِ السَّلام می نگرم، که صد گام به عقب بر می گردند، (عقب نشینی می کنند) و گویی می بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است، در این هنگام تجلّی خدای جبّار عزّ وجلّ، «به وسیله ی قطعه ی به هم پیوسته ای از ابر و فرشتگان، فرود می آید، و وعده

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۲، ح۱۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۴۴۸، ح۱۰۹۸ و ج ۳: ص۳۶۵، ح۵۸۶۴؛ مختصر البصائر، ص۱۱۵، ح۹۱؛ مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۳: ص۱۰۱، ح۷۶۴؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص۲۹۰، ح۹.

عملی می شود».

آنگاه رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ سلاحی از نور در دست دارند، هنگامی که ابلیس به آن حضرت می نگرد، به عقب بر می گردد، و عقب می نشیند. یارانش به او می گویند: کجا می خواهی بروی، تو پیروز شده ای؟

پس ابلیس می گوید: «چیزی را که من می بینم شما نمی بینید»، «من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم»، در اینجا رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه با او در گیر می شوند و حربه ای به میان کتف او فرود می آورند، که هلاکت ابلیس و کلیه ی هواداران او را در پی خواهد داشت، در این زمان خدای عزّوجلّ (به حق) عبادت می شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی شود، و امیرالمؤمنینعَلَیهِ السَّلام مدّت چهل و چهار هزار سال حکومت می کنند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علیعَلَیهِ السَّلام هزار فرزند پسر به وجود آید، که در هر سال یک پسر، و در این زمان دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن، آنگونه که خداوند بخواهد، پدیدار می گردد.

توضیح: یکی از شاگردان معروف حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام، ابو جعفر محمّد بن علی بن نعمان، معروف به (مؤمن طاق) است. او مردی سخنور و حاضر جواب و شیرین زبان، و از متکلّمین شیعه به شمار می آید، و به همین جهت، بزرگان و دانشمندان اهل تسنّن، از وی حساب می بردند.

بعضی گفته اند: علّت اینکه او را، مؤمن طاق، می گفتند، این است که، وی در کوفه دکّانی در محل معروف به (طاق المحامل) داشته، و در آن زمان سکّه های تقلّبی شیوع یافته، که تشخیص آن، از پول اصلی برای مردم مشکل بود، و تنها مؤمن طاق بود که به خوبی سکّه های تقلّبی را تشخیص می داده است، از این جهت اهل تسنّن او را (شیطان طاق) می گفتند!

ص: ۱۲۴

ابو جعفر مؤمن طاق با ابو حنیفه که بزرگترین دانشمند اهل تسنّن و فقیه نامی آنها بود، داستانهای شیرین و حکایات لطیفی دارد، که همه حاکی از ظرافت طبع و سرعت انتقال و لطافت بیان او است، که عنوان مثال توجّه شما را به یکی از آن گفتگوها جلب می نماییم:

قال أبو حنیفه لمؤمن الطاق: قد مات إمامک، جعفر بن محمّدعَلَیهِما السَّلام، فقال أبو جعفر: و لکن إمامک مِنَ الْمُنْظَرِینَ إِلی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

وقتی که حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام به شهادت رسیدند، ابو حنیفه، به مؤمن طاق گفت: ای ابو جعفر! امام تو فوت شد! مؤمن طاق در جواب گفت: آری، امام من وفات یافتند، ولی امام تو (شیطان) زنده است، تا روزی که خداوند برای او معین کرده است!

مرحوم شیخ بهائی قدس سره ، در کتاب کشکولش نوشته است که مهدی خلیفه ی عباسی از سخن مؤمن طاق خندید و امر کرد که ده هزار درهم به او بدهند!(۱)

۱- ۱ . برگرفته از کتاب مهدی موعود (ترجمه ی جلد ۵۱ بحار الأنوار)، ص۱۲۲۴.

شماره: ۲۴: اسم آیه: کفر منکران رجعت

شماره: ۲۴

کد آیه: ۲۲ / ۱۶

اسم آیه: کفر منکران رجعت

)إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَالَّذينَ لا يؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَهٌ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ(

معبود شما خداوند یگانه است امّا کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دلهایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند.

۱ــ عَنْ أَبِی حَمْزَه الثُّمَالِی قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام يقُولُ فِی قَوْلِهِ: «فَالَّذِينَ لا يؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ»، يعْنِی أَنَّهُمْ لَا يؤْمِنُونَ بِالرّجعه أَنَّهَا حَقٌّ، قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَهٌ، يعْنِی أَنَّهَا كَافِرَهٌ ...(۱)

از ابو حمزه ثمالی نقل است که گفت: از حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام درباره ی فرمایش خداوند متعال: «آنان که به آخرت ایمان نیاورند دلهایشان به انکار خو گرفته، و متکبّرند»، شنیدم، که می فرمودند: یعنی آنان که به رجعت ایمان ندارند، دلهایشان به انکار خو گرفته و کافرند.

۲ــ فی تفسیر العیاشی، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «أَمْوَاتٌ

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۶: ص۱۰۴، ح۴۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۴۱۱، ح۵۹۹۷؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۳۸۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۱۹۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۴۷، ح۵۳.

غَيرُ أَحْيـاءٍ»، يعْنِی کُفَّاراً غَیرَ مُؤْمِنِینَ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «وَ ما یشْـعُرُونَ أَیانَ یبْعَثُونَ»، فَإِنَّهُ یعْنِی أَنَّهُمْ لَا یؤْمِنُونَ وَ أَنَّهُمْ یشْـرِکُونَ، «إِلهُکَمْ إِلهٌ واحِدٌ»، فَإِنَّهُ کَمَا قَالَ اللهُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «فَالَّذِینَ لا یؤْمِنُونَ»، فَإِنَّهُ یعْنِی لَا یؤْمِنُونَ بِالرّجعه أَنَّهَا حَقٌّ.(۱)

عیاشـی در تفسیر این آیه: «آنها که به آخرت ایمان ندارند دلهایشان به انکار خو گرفته»، از جابر نقل می کند که حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام فرمودند: یعنی آنها که به حقیقت رجعت ایمان ندارند.

۱- ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۸، ح ۱۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۱۸، ح ۱۴۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۲: ص۲۵۶، ح۱۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۴۷، ح۵۳.

شماره: ۲۵: اسم آیه: عذاب در رجعت

شماره: ۲۵

کد آیه: ۳۴ / ۱۶

اسم آیه: عذاب در رجعت

)فَأَصابَهُمْ سَيئاتُ ما عَمِلُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يسْتَهْزِؤُنَ(

و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزا می کردند، بر آنان وارد شد.

روی علی بن ابراهیم، فی قوله تعالی: «فَأَصابَهُمْ سَيئاتُ ما عَمِلُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يسْتَهْزِؤُنَ»، قال: ان المراد العذاب، فی الرّجعه.(۱)

علی بن ابراهیم قمّی، در تفسیر این آیه: «و عذابی که مسخره اش می کردند دامنگیرشان شد»، روایت می کند که: مراد از عذابی که مسخره می کردند، عذاب در رجعت است.

ص: ۱۲۸

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۹۱، ح۴۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۴۱۹، ح۶۰۱۶؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۳۸۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۲۰۶.

شماره: ۲۶: اسم آیه: کافرانِ امّت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه

شماره: ۲۶

کد آیه: ۳۹ و۳۸ / ۱۶

اسم آیه: کافرانِ امّت حضرت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه

)وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيمانِهِمْ لا يبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يمُوتُ بَلى وَعْداً عَلَيهِ حَقًّا وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يعْلَمُونَ)(ليبَينَ لَهُمُ الَّذى يخْتَلِفُونَ فيهِ وَ لِيعْلَمَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كانُوا كاذِبينَ(

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، برنمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست ، ولی بیشتر مردم نمی دانند!

تا آنچه در آن اختلاف داشتند بر آنان آشکار گردد و کافران از سخنان دروغ آمیز و افکار نادرست خود کاملا آگاه شوند.

۱ــ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فی قَوْلِه تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَیمانِهِمْ لا یبْعَثُ اللهُ مَنْ یمُوتُ بَلی وَعْداً عَلَیهِ حَقًّا».

قَالَ: فَقَالَ لِی: یا أَبَا بَصِیرٍ! مَا تَقُولُ فِی هَذِهِ الْآیهُ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ

الْمُشْرِكِينَ يزْعُمُونَ وَ يحْلِفُونَ لِرَسُولِ اللهِصَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ أَنَّ اللهَ لَا يبْعَثُ الْمَوْتَى، فَقَالَ: تَبّاً لِمَنْ قَالَ هَذَا، سَلْهُمْ هَلْ كَانَ الْمُشْرِكُونَ يحْلِفُونَ بِاللهِ أَمْ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَوْجِدْنِيهِ.

فَقَالَ لِي: يا أَبَا بَصِيرٍ! لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللهُ إِلَيهِ قَوْماً مِنْ شِيعَتِنَا قَبَايِعُ سُيوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيبْلُغُ ذَلِكَ قَوْماً مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يمُوتُوا، فَيقُولُونَ: بُعِثَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ فَهُمْ مَعَ الْقَائِمِعَلَيهِ السَّلامِ، فَيبْلُغُ ذَلِكَ قَوْماً مِنْ عَدُوِّنَا، فَيقُولُونَ: يا مَعْشَرَ الشِّيعَهِ! مَا أَكْذَبَكُمْ، هَذِهِ دَوْلَتُكُمْ فَأَنْتُمْ تَقُولُونَ فِيهِ الْكَذِبَ، لَا، وَ اللهِ! مَا عَاشَ هَؤُلَاءِ وَ لَا يعِيشُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَى يوْمِ الْقِيامَهِ، فَحَكَى اللهُ قَوْلَهُمْ، فَقَالَ: «وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَيمانِهِمْ لا يبْعَثُ اللهُ مَنْ يمُوتُ».(۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلامِ پرسیدم: «به خدا قسم خوردند، قسمهای مؤکّد که خدا آنان را که می میرند زنده نمی کند، آری، وعده ای است بر او ثابت، امّا بیشتر مردم نمی دانند».

حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! مردم در باره ی این آیه چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند: مشرکان می گفتند خدا مردگان را زنده نمی کند و برای اثبات این مدّعا نزد پیامبر خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ قسم می خوردند.

حضرت فرمودند: مرگ بر آنها که آیه را چنین تفسیر می کنند، از ایشان بپرس: مشرکان به خدا قسم می خوردند، یا به «لات و عزّی»؟ عرض کردم: پس مرا از این حقیقت آگاه فرمائید.

ص: ۱۳۰

۱- ۱ . اثبات الهداه، ج ۵: ص۶۲؛ الزام الناصب، ج ۱: ص۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص۹۲، ح۱۰۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۴۲۰، ح۶۰۲۰؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۲۵۸؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۱۳۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۲۰۹؛ الکافی، ج ۸: ص۵۱ .

حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! هنگام قیام قائم ما خداوند جمعی از شیعیان ما را در حالی که قبضه ی شمشیرشان را بر دوش نهاده اند محشور فرماید، از طرفی، وقتی این خبر به شیعیان ما، که در آن وقت زنده اند، می رسد، به یکدیگر بشارت می دهند که: فلان و فلان و فلان، از قبرهایشان محشور شدند، و در رکاب حضرت قائم اند، از طرف دیگر، تا این خبر به عدّه ای از دشمنان ما می رسد، می گویند: ای گروه شیعه! شما چه قدر دروغ می گوئید؟! این دوران دولت شما است، که در آن دروغ می گوئید؟ نه، به خدا! اینها زنده نشده اند، و تا قیامت هم زنده نشوند، و این حکایت فرمایش خداوند متعال است که می فرماید: «به خدا! قسم خوردند قسمهای مؤکد که هرکس بمیرد خدا زنده اش نمی کند».

۲ــ عَنْ سِیرِینَ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام إِذْ قَالَ: مَا یقُولُ النَّاسُ فِی هَذِهِ الْآیهِ: «وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَیمانِهِمْ لا یبْعَثُ اللهُ مَنْ یمُوتُ»؟ قَالَ: یقُولُونَ: لَا قِیامَهَ وَ لَا بَعْثَ وَ لَا نُشُورَ، فَقَالَ: کَذَّبُوا، وَ اللهِ! إِنَّمَا ذَلِکَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَ کَرَّ مَعَهُ الْمُکِرُّونَ، فَقَالَ أَهْلُ خِلَافِکُمْ قَدْ ظَهَرَتْ دَوْلَتُکُمْ، یا مَعْشَرَ الشِّیعَهِ! وَ هَذَا مِنْ کَذِبِکُمْ تَقُولُونَ رَجَعَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ، لَا وَ اللهِ لَا یبْعَثُ اللهُ مَنْ یمُوتُ، أَ لَا تَرَی أَنَّهُمْ قَالُوا: «وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَیمانِهِمْ» کَانَتِ الْمُشْرِکُونَ أَشَدَّ تَعْظِیماً لِلَّاتِ وَ الْعُزَّی مِنْ أَنْ یقْسِمُوا بِغَیرِهَا، فَقَالَ اللهُ: «بَلی وَعْداً عَلَیهِ حَقًّا ...»، «لِیبَینَ لَهُمُ الَّذِی یخْتَلِفُونَ فِیهِ وَ لِیعْلَمَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ کانُوا کاذِبِینَ»، «إِنَّما قَوْلُنا لِشَیءٍ إِذا أَرَدْناهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ کُنْ فَیکُونُ».(۱)

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۷۱، ح۶۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۴۲۱، ح۶۰۲۴؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۱۳۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۲: ص۲۵۹، ح۲۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۲۰۸.

از سیرین نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام بودم، حضرت فرمودند: مردم درباره ی این آیه چه می گویند: «وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَیمانِهِمْ لا یبْعَثُ اللهُ مَنْ یمُوتُ»؟ گفتم: می گویند مربوط به انکار قیامت و حشر و نشر است، حضرت فرمودند: به خدا قسم! دروغ می گویند، مربوط به رجعت است، وقتی که حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام قیام کند و عدّه ای بر گردند و زنده شوند، سنیان گویند: دولت شما شیعیان ظاهر شد، و این هم از دروغ شما است که می گوئید فلان و فلان زنده شدند، و قسم می خورند که هرکس بمیرد خدا زنده اش نمی کند، مگر نمی بینی که می فرماید: «وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَیمانِهِمْ» مشرکین منکر قیامت به «لات و عزّی» قسم می خورند، و برای آنها بیش از خدا احترام قائل اند، خداوند هم در ردّ همان مخالفین شما می فرماید: «بَلی وَعْداً عَلَیهِ حَقًّا ...»، «لِیبَینَ لَهُمُ الَّذِی یخْتَلِفُونَ فِیهِ وَ لِیعْلَمَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ کانُوا کاذِبِینَ»، «إِنَّما قَوْلُنا لِشَیءٍ إِذا أَرَدْناهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ کُنْ فَیکُونُ».

۳ـ عَن أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: مَا یقُولُ النَّاسُ فِیهَا؟ قَالَ: یقُولُونَ نَزَلَتْ فِی الْکُفَّارِ، قَالَ: إِنَّ الْکُفَّارَ کَانُوا لَا یحْلِفُونَ بِاللهِ، وَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِی قَوْمٍ مِنْ أُمَّهِ محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه قِیلَ لَهُمْ تُرْجَعُونَ بَعْدَ الْمَوْتِ قَبْلَ الْقِیامَهِ، فَحَلَفُوا إِنَّهُمْ لَا یرْجِعُونَ، فَرَدَّ اللهُ عَلَیهِمْ فَقَالَ: «لِیبَینَ لَهُمُ الَّذِی یخْتَلِفُونَ فِیهِ وَ لِیعْلَمَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ کانُوا کاذِبِینَ»، یعْنِی فِی الرّجعه یرُدُّهُمْ فَیقْتُلُهُمْ وَ یشْفِی صُدُورَ الْمُؤْمِنِینَ فِیهِم.(۱)

حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: مردم درباره ی این آیه چه

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۸۷؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۵۳، ح۳۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۴۲۰، ح۶۰۲۱؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۱۳۵؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۳۸۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۲۰۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۵۴، ح۸۴.

می گوینـد؟ عرض شـد: می گویند که این آیه درباره ی کفّار نازل شده، حضـرت فرمودند: هیچ وقت کفّار به خدا، قسم نمی خورند، این آیه درباره ی جمعی از امّت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ نازل شده، که چون به آنها گویند:

بعـد از مرگ، پیش از قیامت به دنیا برمی گردیـد، قسم می خورنـد که برنمی گردیم، خـدا در مقام ردّ گفتار آنان می فرماید: (چرا برمی گردند) «تا آنچه در آن اختلاف دارند بر ایشان بیان کند، و آنها که کافر شدند بدانند دروغ گو بوده اند»، یعنی در زمان رجعت، آنان را برمی گرداند، و می کشد، تا دلهای مؤمنان را شفا دهد.

ص: ۱۳۳

شماره: ۲۷: اسم آیه: رجعت جناب سلمان

شماره: ۲۷

کد آیه: ۵ / ۱۷

اسم آیه: رجعت جناب سلمان

)فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَيكُمْ عِباداً لَنا أُولي بَأْسٍ شَديدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّيارِ وَ كانَ وَعْداً مَفْعُولاً(

و چون وعده مجازات فساد اولی فرا رسید، بندگانی سرسخت و خشن را بر شما مسلط ساختیم که خانه بخانه دنبال شما می گشتند و وعده خدا انجام گرفت.

عَنْ سَلْمَان رَضِی اللهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ لِی رَسُولُ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه: إِنَّ اللَهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی، لَمْ یبْعَثْ نَبیاً وَ لَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَی عَشَرَ نَقِیباً، فَقُلْتُ: یا رَسُولَ اللهِ! لَقَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابَینِ، فَقَالَ: یا سَلْمَانُ! هَلْ عَلِمْتَ مَنْ نُقَبَائِی وَ مَنِ الِاثْنَی عَشَرَ الَّذِینَ اخْتَارَهُمْ اللهُ لِلْأُمَّهِ مِنْ بَعْدِی؟ فَقُلْتُ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.

فَقَالَ: یا سَلْمَانُ! خَلَقَنِی اللهُ مِنْ صَفْوَهِ نُورِهِ، وَ دَعَانِی فَأَطَعْتُهُ، وَ خَلَقَ مِنْ نُورِی عَلِیاً، وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، وَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِی فَاطِمَهَ، وَ دَعَاهَا فَأَطَاعَتْهُ، وَ خَلَقَ مِنِّی وَ مِنْ عَلِی وَ فَاطِمَهَ: الْحَسَنَ، وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، وَ خَلَقَ مِنِّی وَ مِنْ عَلِی وَ فَاطِمَهَ: الْحُسَینَ، فَدَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، ثُمَّ سَمَّانَا بِخَمْسَهِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ، فَاللهُ الْمَحْمُودُ وَ أَنَا محمّد، وَ اللهُ الْعَالِی وَ هَذَا عَلِی، وَ اللهُ الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَهُ، وَ اللهُ

ذُو الْإِحْسَانِ وَ هَـذَا الْحَسَنُ، وَ اللهُ الْمُحْسِنُ وَ هَـذَا الْحُسَـيْنُ، ثُمَّ خَلَقَ مِنَّا وَ مِنْ نُورِ الْحُسَـيْنِ: تِسْـعَهَ أَئِمَّهٍ، فَدَعَاهُمْ فَأَطَاعُوهُ، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ سَمَاءً مَبْنِيهً، وَ أَرْضاً مَدْحِيهً، وَ لَا مَلَكاً وَ لَا بَشَراً، وَ كُنَّا نُوراً نُسَبِّحُ اللهَ، وَ نَسْمَعُ لَهُ وَ نُطِيعُ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَقُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ! بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی، فَمَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ؟

فَقَالَ: يا سَـلْمَانُ! مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ، وَ اقْتَدَی بِهِمْ، وَ وَالَی وَلِيهُمْ، وَ تَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَهُوَ وَ اللهِ! مِنَّا، يرِدُ حَيثُ نَرِدُ، وَ يسْكُنُ حَيثُ نَسْكُنُ.

فَقُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ! وَ هَلْ يكُونُ إِيمَانٌ بِهِمْ بِغَيرِ مَعْرِفَهٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ؟

فَقَالَ: لَا، يا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ! فَأَنَّی لِی بِهِمْ وَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَی الْحُسَينِ؟

قَالَ: ثُمَّ سَيدُ الْعَابِدِينَ عَلِی بْنُ الْحُسَينِ، ثُمَّ ابْنُهُ محمّد بْنُ عَلِی بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ ابْنُهُ جَعْفَرُ بْنُ محمّد لِسَانُ اللهِ الصَّادِقُ، ثُمَّ ابْنُهُ موسی بن جعفرالْكَاظِمُ غَيظَهُ صَبْراً فِی اللهِ عزّ و جلّ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِی بْنُ مُوسَـی الرِّضَی لِأَمْرِ اللهِ، ثُمَّ ابْنُهُ محمّـد بْنُ عَلِی الْمُخْتَـارُ مِنْ خَلْقِ اللهِ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِی بْنُ محمّـد الْهَادِی إِلَی اللهِ، ثُمَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِی الصَّامِتُ الْأَمِينُ لِسِـرِّ اللهِ، ثُمَّ ابْنُهُ محمّد بْنُ الْحَسَنِ الْهَادِی الْمَهْدِی النَّاطِقُ الْقَائِمُ بِحَقِّ اللهِ.

ثُمَّ قَالَ: يا سَلْمَانُ! إِنَّكَ مُدْرِكُهُ، وَ مَنْ كَانَ مِثْلَكَ، وَ مَنْ تَوَلَّاهُ بِحَقِيقَهِ الْمَعْرِفَهِ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَشَكَرْتُ اللهَ كَثِيراً، ثُمَّ قُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ! وَ إِنِّی مُؤَجَّلٌ إِلَی عَهْدِهِ؟

ص: ۱۳۵

قَالَ: یا سَلْمَانُ! اقْرَأْ: «فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَیکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ وَ کانَ وَعْداً مَفْعُولًا»، «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً».

قَالَ سَلْمَانُ: فَاشْتَدَّ بُکَائِی وَ شَوْقِی، ثُمَّ قُلْتُ: یا رَسُولَ اللهِ! أَ بِعَهْدٍ مِنْکَ؟

فَقَالَ: إِی، وَ اللهِ! الَّذِی أَرْسَلَ محمّداً بِالْحَقِّ، مِنِّی وَ مِنْ عَلِی وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَینِ وَ التِّسْعَهِ، وَ کُلِّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَ مَعَنَا، وَ مُضَامٍّ فِینَا، إِی، وَ اللهِ! یا سَلْمَانُ، وَ لَیحْضُرَنَ إِبْلِیسُ وَ جُنُودُهُ، وَ کُلُّ مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً وَ مَحَضَ الْکُفْرَ مَحْضاً، حَتَّی یؤْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَ الْأَوْتَارِ، «وَ لَا یظْلِمُ رَبُّکَ أَحَداً»،(۱) وَ یحَقِّقُ تَأْوِیلَ هَذِهِ الْآیهِ: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»، «وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِی فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یحْذَرُونَ».(۲)

قَالَ سَلْمَانُ: فَقُمْتُ مِنْ بَینِ یدَی رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ مَا یبَالِی سَلْمَانُ مَتَی لَقِی الْمَوْتَ، أَوْ الْمَوْتُ لَقِیهُ.(۳)

از سلمان فارسی نقل است که گفت: محضر مبارک رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وارد شدم، چون نظرشان به من افتاد، فرمودند: ای سلمان! خداوند متعال، هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نفرموده، جز اینکه برای او دوازده نقیب قرار

۱- ۱. ۴۹ / ۱۸.

۲- ۲. ۵و۶ / ۲۸.

۳- ۳. إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵: ص۶، ح۹ و ج ۵۳: ص۱۴۲، ح۱۶۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳: ص۵۰۳، ح۶۲۴۹ و ج ۴: ص۲۵۲، ح۸۰۹۶؛ دلائل الإمامه، ص۴۴۸، ح۴۲۴؛ مقتضب الأثر فی النص علی الأئمه الإثنی عشر، ص۶؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص۱۲۸، ح۲۶.

داده، عرض کردم: ای رسول خدا! این مطلب را از اهل کتاب تورات و انجیل دانسته ام، نقبای شما کیانند؟

حضرت فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از برگزیده نور خود آفرید، پس مرا خواند و من اطاعتش کردم، و علی را از نور من آفرید، پس او را خواند و او اطاعتش کرد، و از نور من و علی، فاطمه را آفرید، سپس او را خواند و او اطاعت کرد، و از من و علی و فاطمه حسن را آفرید و خواندش و او اطاعت کرد، و از من و علی و فاطمه و حسن، حسین را آفرید و او را خواند وی اطاعت کرد، و ما را به پنج نام از نامهای خودش نام نهاد.

خداوند محمود است و من محمّد، خدا عالی است و این علی، خدا فاطر است و این فاطمه، خدا احسان است و این حسن، خدا محسن است و این حسین، پس از آن خداوند از ما و از صلب حسین نُه امام آفرید و آنان را خواند آنها اطاعت کردند، و این پیش از آن بود که خداوند آسمان افراشته و زمین پهناور یا هوا یا ملک یا آب یا بشری را بیافریند، و ما به علم او نوری بودیم که وی را تسبیح می نمودیم، و دستورات و فرامین او را می شنیدیم و اطاعت می کردیم.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! چه ثواب و اجری است برای کسی که ایشان را بشناسد؟

حضرت فرمودند: ای سلمان! هر که ایشان را بشناسد و به حقیقت معرفت به آنان پیدا کند، و از ایشان پیروی کند، و دوست بدارد هر که آنان را دوست دارد، و دشمن بدارد دشمنان آنها را، او به خدا سوگند از ما است، وارد شود هر کجا که ما وارد شویم، و منزل کند هر جا که ما منزل کنیم.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا بدون شناختن نامهای ایشان ایمان به آنها کافی است؟ حضرت فرمودند: نه، ای سلمان! عرض کردم: ای رسول خدا! من تا حسین بیش نشناسم بقیه را از چه راهی بشناسم؟

حضرت فرمودند: پس از حسین، آقای عبادت کنندگان، فرزندش علی

بن الحسین، سپس محمّد بن علی باقر، (شکافنده ی) علم اوّلین و آخرین از پیامبران و مرسلین، و پس از او جعفر بن محمّد صادق، زبان گویای خدا، سپس موسی بن جعفرکاظم، فرو نشاننده ی غیظ و غضب خود به بردباری در راه خدای عزّ و جلّ، سپس علی بن موسی الرضا، راضی به امر پروردگار، سپس محمّد بن علی، برگزیده از خلق خدا، و پس از او علی بن محمّد، راهنمای به سوی خدا، سپس حسن بن علی، صامت (خاموش) و امین بر اسرار خدا، پس از او محمّد بن الحسن مهدی، هادی و ناطق و قائم به امر خدای عزّ و جلّ.

سلمان گوید: گریان شدم و عرض کردم: سلمان کجاست که او را درک کند؟

حضرت به من فرمودند: تو و امثال تو از کسانی هستید، که به حقیقت شناخت و معرفت، آنها را دوست دارید و او را درک کنید.

سلمان گوید: خدای را بسیار سپاسگزاری کردم، سپس عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من به زمان او می رسم؟

فرمودند: ای سلمان! بخوان این آیه را: «پس گاهی که آید وعده ی نخستین آنها، برانگیزیم بر شما بندگانی از ما، دارندگان نیرویی سخت، پس بگردند میان شهرها و بوده است وعده ی شدنی»، «پس بازگردانیم برای شما تاختن را بر ایشان و کمک دادیم شما را به مالها و پسرانی و گردانیم شما را فزونتر در گروه».

پس گریه ی شوقم شدید شد و عرض کردم: ای رسول خدا! در حضور شما است؟ فرمودند: آری، به خدایی که محمّد را فرستاده! با حضور من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نُه امام، و هر مؤمنی که در باره ی ما به او ستم شده است، می باشد، آری، به خدا سوگند! ای سلمان! سپس شیطان و لشکریانش، و همچنین هر مؤمن خالص، و هر کافر خالصی، بیایند تا

قصاص و انتقام ظلم ها و خونها گرفته شود، و خداوند احدی را ستم نکند، و مائیم تأویل این آیه شریفه:

«و اراده کنیم که منت نهیم بر آنـان که نـاتوان شـمرده شدنـد در زمین و بگردانیمشان ارث برنـدگان و فرمانروایيشان دهيم در زمین»، «و بنمایانیم فرعون و هامان و سـپاهیان ایشان را از آنچه می ترسیدند»، سلمان گویند: از نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستم و عرض کردم: هر زمان مرگ بیاید سلمان باکی ندارد.

«و اراده کنیم که منّت نهیم بر آنـان که نـاتوان شـمرده شدنـد در زمین و بگردانیمشان ارث برنـدگان و فرمانروایيشان دهيم در زمین»، «و بنمایانیم فرعون و هامان و سـپاهیان ایشان را از آنچه می ترسـیدند»، سـلمان گوید: از نزد رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه برخاستم و عرض کردم: هر زمان مرگ بیاید سلمان باکی ندارد.

ص: ۱۳۹

شماره: ۲۸: اسم آیه: رجعت امام حسینعَلَیهِ السَّلام

شماره: ۲۸

کد آیه: ۶ / ۱۷

اسم آیه: رجعت امام حسینعَلَیهِ السَّلام

)ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفیراً(

سپس شما را بر آنها چیره می کنیم و شما را به وسیله داراییها و فرزندانی کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.

۱ ـ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام ... فِی قَوْلِهِ: «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ»، خُرُوجُ الْحُسَینِعَلَیهِ السَّلام، یخْرُجُ فِی سَبْعِینَ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَلَیهِمُ الْبِیضُ، الْمُذَهَّبَهُ لِکُلِّ بَیضَهٍ وَجْهَانِ، الْمُؤَدُّون إِلَی النَّاسِ أَنَّ هَذَا الْحُسَینَعَلَیهِ السَّلام قَدْ خَرَجَ حَتَّی لَا یشُکَّ الْمُؤْمِنُونَ فِیهِ، وَ أَنَّهُ لَیسَ بِدَجَّالٍ وَ لَا شَیطَانٍ، وَ الْحُجَّهُ الْقَائِمُ بَینَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَهُ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ أَنَّهُ الْحُسَینُ عَلَیهِ السَّلام، جَاءَ الْحُجَّهَ الْمَوْتُ، فَیکُونُ الَّذِی یغَسِّلُهُ وَ یکَفِّنُهُ وَ یحَنِّطُهُ وَ یلْحِدُهُ فِی حُفْرَتِهِ الْحُسَینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِما السَّلام، وَ لَا یلِی الْوَصِی إِلَّا الْوَصِی.(۱)

ص: ۱۴۰

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۳۰۹، ح۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص۹۳، ح۱۰۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۵۰۳، ح۶۲۴۸ ؛ تفسیر الصافی، ج۳: ص۱۷۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۱۳۸، ح۷۷؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص۳۶۲، ح۵؛ الکافی، ج ۸: ص۲۰۶، ح ۲۵۰؛ مختصر البصائر، ص۱۶۴، ح۱۳۸.

از عبد اللّه بن قاسم بطل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: ... و مقصود از آیه ی شریفه: «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ»، رجعت امام حسینعَلَیهِ السَّلام است، همراه با هفتاد تن از یاران وفادار خود، که کلاه خودهای زرّین بر سر دارند، که از هر دو رو طلاست، آنها به مردم خبر می دهند که این شخص، امام حسینعَلَیهِ السَّلام است، که رجعت نموده و بیرون آمده، تا هیچ مؤمنی در باره ی آن حضرت شک و تردید نکند، و بدون تردید، او دجّال و شیطان نیست، و هنوز حجّت بن الحسنعَلَیهِ السَّلام میان مردم است، و چون در دل مؤمنان استوار شود که او امام حسینعَلَیهِ السَّلام است، اجل امام دوازدهم، که حجّت خدا است، فرا می رسد، و همان امام حسینعَلَیهِ السَّلام خواهد بود، که او را غسل می دهد و کفن و حنوط می کند، و به خاکش می سپارد، و عهده دار تجهیز جنازه ی وصیّ نشود، مگر وصیّ و امام.

۲_ عَنْ رِفَاعَهَ بْنِ مُوسَی، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ یکُرُّ إِلَی الدُّنْیا الْحُسَینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِما السَّلام وَ أَصْحابُهُ وَ یزِیدُ بْنُ مُعَاوِیهَ وَ أَصْحابُهُ، فَیقْتُلُهُمْ حِذْوَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّهِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً».(۱)

از رفاعه بن موسی نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: اوّل کسی که به دنیا برمی گردد، حضرت حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام و اصحاب او هستند، و یزید و یارانش نیز بر می گردند، آنگاه بدون ذرّه ای کم و زیاد از آنان انتقام می گیرد، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «ثُمَّ

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۴، ح۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۷۶، ح۷۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۵۰۶، ح۶۲۵۶؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۱۷۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲: ص۲۸۲، ح۲۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷: ص۳۶۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص ۱۴۰، ح۸۳؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص۳۶۹، ح۱۸.

رَدَدْنا لَکَمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً».

۳ــ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیسٍ، وَ زَیدٍ الشَّحَّام، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالا: سَمِعْنَاهُ یقُولُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ یکُرُّ فِی الرّجعه الْحُسَینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِما السَّلام، وَ یمْکُثُ فِی الْأَرْضِ أَرْبَعِینَ سَنَهً، حَتَّی یسْقُطَ حاجِبَاهُ عَلَی عَینَیهِ.(۱)

از معلی بن خنیس و زید شحام نقل است که گفتند: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: اوّل کسی که در رجعت برمی گردد، حضرت امام حسینعَلَیهِ السَّلام است، و چهل سال در دنیا بماند، تا ابروهایش روی چشمانش را بگیرد.

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۳۵۸، ح۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۴، ح۵۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۵۰۶، ح۶۲۵۷؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص۳۶۷، ح۱۳؛ مختصر البصائر: ص۹۱، ح۵۸.

شماره: ۲۹: اسم آیه: رجعت کوردلان

شماره: ۲۹

کد آیه: ۷۲ / ۱۷

اسم آیه: رجعت کوردلان

)وَ مَنْ کانَ فی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبیلًا(

امّا کسی که در این جهان نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ، عَنْ أَحَدِهِمَاعَلَیهِما السَّلام، فِی قَوْلِ اللهِ عزّ و جلّ: «وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلًا»، قَالَ: فِی الرّجعه.(۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام، و یا حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام درباره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «کسی که در این جهان از دیدن چهره حق نابیناست، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است»، فرمودند: این مربوط به رجعت است.

ص: ۱۴۳

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۷۴، ح۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۷، ح۶۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۵۶۰، ح۶۴۸۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۲: ص۳۰۶، ح۱۳۱؛ مختصر البصائر: ص۹۶، ح۶۵.

شماره: ۳۰: اسم آیه: رجعت اصحاب کهف

شماره: ۳۰

کد آیه: ۱۲ / ۱۸

اسم آیه: رجعت اصحاب کهف

)ثُمَّ بَعَثْناهُمْ لِنَعْلَمَ أَی الْحِزْبَینِ أَحْصی لِما لَبِثُوا أَمَداً(

پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه، مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد. (و پی به قدرت خدا می برند)

۱ــ رَوَی الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: یخْرِجُ الْقَائِمُعَلَیهِ السَّلام مِنْ ظَهْرِ الْکُوفَهِ سَبْعَهً وَ عِشْرِینَ رَجُلًا، خَمْسَهَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَیعَلَیهِ السَّلام الَّذِینَ کَانُوا یهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یعْدِلُونَ، وَ سَبْعَهً مِنْ أَهْلِ الْکَهْفِ، وَ یوشَعَ بْنَ نُونٍ، وَ سَلْمَانَ، وَ أَبَا دُجَانَهَ الْأَنْصَارِی وَ الْمِقْدَادَ وَ مَالِکاً الْأَشْتَرَ فَیکُونُونَ بَینَ یدَیهِ أَنْصَاراً وَ حُکَّاماً.(۱)

از مفضل بن عمر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت نفر، همراه با حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام

۱ - ۱ . الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲: ص۳۸۶؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۵۰، ح۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۹۰، ح ۹۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۶۲۰، ح۶۶۳۵؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۲۳۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۲۵۲، ح ۴۰؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲: ص۴۶۶.

بیرون می آیند، پانزده نفر از آنان، از قوم حضرت موسیعَلَیهِ السَّلام می باشند که «به حق هدایت کنند و به آن دادگری نمایند»، و هفت نفر از آنان، اصحاب کهف هستند، و بقیه: یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابو دجانه انصاری، مقداد، مالک اشتر، می باشند، (که جمعاً بیست و هفت نفر می شوند) پس اینها یاران و حکمرانان او هستند.

۲_قَالَ الْمُفِيدُ فِي إِرشَادِه: ... وَ لَمَّا أَصْبَحَ ابْنُ زِيادٍ، لَعَنَهُ اللَّهُ، بَعَثَ بِرَأْسِ الْحُسَينعَلَيهِ السَّلام فَدِيرَ بِهِ فِي سِكَكِ الْكُوفَهِ كُلِّهَا وَ قَبَائِلِهَا، فَرُوِي عَنْ زَيدِ بْنِ أَرْقَمَ أَنَّهُ قَالَ: مُرَّ بِهِ عَلَي، وَ هُوَ عَلَى رُمْحٍ، وَ أَنَا فِي غُرْفَهٍ لِي، فَلَمَّا حَاذَانِي، سَمِعْتُهُ يقْرَأُ: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً»، فَقَفَّ وَ اللهِ! شَعْرِي وَ نَادَيتُ رَأْسَكَ: وَ اللهِ! يا ابْنَ رَسُولِ اللهِ! وَ أَمْرُكَ أَعْجَبُ وَ أَعْجَبُ.(۱)

مرحوم علامه شیخ مفید قدس سره در کتاب ارشادش می فرماید: ... صبح روز بعد ابن زیاد (لعنت خدا بر او باد) دستور داد که سر مبارک حضرت سید الشهداءعَلَیهِ السَّلام را، در همه ی کوچه های کوفه و میان قبائل بگردانند.

نقل است که زید بن ارقم گفت: سر حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام را، از نزدیک منزل من عبور دادند، در حالی که بالای نیزه قرار داشت، و من در آن وقت در میان غرفه ای نشسته بودم، هنگامی که سر مبارک آن حضرت، به من نزدیک شد، شنیدم که این آیه ی مبارکه را قرائت می فرمودند:

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً»، به

---

۱ – ۱ . الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲: ص۱۱۷؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱: ص۴۷۳؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۲۱۴، ح۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۵: ص۱۲۱؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲: ص۶۷؛ مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۴: ص۱۳۵، ح۱۱۳۶.

خداوند قسم! از شـنیدن این صدا موهای بدنم راست شد، و گفتم: سـر مبارک شما، با این وضع، از داستان اصحاب کهف هم شگفت تر وعجیب تر است.

توضیح: مرحوم شیخ حرّ عاملی قدس سره می فرماید: این از رجعت هم عجیب و غریب تر است، زیرا بر گشتن روح در همه ی بـدن، بسیار اتّفـاق افتـاده، امّـا بر گشـتن روح به سـر و زنـده شـدن سـر، به تنهایی، بی سابقه است، پس هیچگاه اصل اعتقاد به رجعت را نباید بعید شمرد.

ص: ۱۴۶

شماره: ۳۱: اسم آیه: ذوالقرنین این امّت

شماره: ۳۱

کد آیه: ۸۳ / ۱۸

اسم آیه: ذوالقرنین این امّت

)وَ یسْئَلُونَکَ عَنْ ذِی الْقَرْنَینِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَیکُمْ مِنْهُ ذِکْراً(

و از تو (ای رسول) سؤال از ذو القرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او برای شما خواهم خواند.

۱ـ قَالَ أَمِیرُ الْمُـؤْمِنِینَ عَلیعَلَیهِ السَّلامـ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَینِ کَانَ مَلِکاً عَادِلًا، فَأَحَبَّهُ اللهُ وَ نَاصَحَ لِلهِ فَنَصَحَهُ اللهُ، أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَی اللهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَی قَرْنِهِ بِالسَّیفِ، فَغَابَ عَنْهُمْ مَا شَاءَ اللهُ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَیهِمْ فَدَعَاهُمْ إِلَی اللهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَی قَرْنِهِ الْآخَرِ بِالسَّیفِ، فَذَلِکَ قَرْنَاهُ، وَ فِیکُمْ مِثْلُهُ، یعْنِی نَفْسَهُ، لِأَنَّهُ ضُرِبَ عَلَی رَأْسِهِ ضَرْبَتَینِ، أَحَدُهُمَا یوْمَ الْخَنْدَقِ، وَ الثَّانِی ضَرْبَهُ ابْنِ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللهُ. (۱)

حضرت امیر المؤمنین علیعَلَیهِ السَّلامـ فرمودنـد: همانـا ذو القرنین پادشـاهی عـادل، و بنـده ی صـالحی بود، خـدا را دوست می داشت، و خداوند نیز او را دوست می داشت، برای خدا مردم را موعظه نمود، خدا هم برایش خیر

۱- ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۳۳۵، ح ۵۴؛ بحـار الأنوار، ج ۳۹: ص۴۳، ح ۱۴؛ منـاقب آل أبی طالب : (لابن شهرآشوب)، ج ۳: ص۸۷.

خواست، قوم خود را به پرهیزگاری دعوت نمود، شمشیری به یک طرف پیشانیش زدند، که در اثر همین ضربه از دنیا رفت، و پس از مدّتی زنده شد، و کار هدایت مردم را از سر گرفت، ضربت دیگری به طرف دیگر پیشانیش زدند، و این بود دو شاخ او (که ذو القرنین، یعنی صاحب دو شاخش گفتند) در بین شما هم، نظیر او هست، (مقصود خود حضرت علیعَلَیهِ السَّلام هستند، که دو مرتبه به سر مبارکشان شمشیر خورده است، یکی در عزوه ی احزاب، که عمرو بن عبدود با شمشیرش به سر آن حضرت زد، و یکی دیگر در محراب عبادت، که ابن ملجم مرادی لعنت الله علیه، به سر آن حضرت شمشیر زد).

۲ـ عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِی قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ یقُولُ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَینِ کَانَ عَبْداً صَالِحاً، جَعَلَهُ اللهُ حُجَّةً عَلَی عِبَادِهِ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ أَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ، فَضَرَبُوهُ عَلَی قَرْنِهِ، فَغَابَ عَنْهُمْ زَمَاناً حَتَّی قِیلَ مَاتَ أَوْ هَلَکَ بِأَی وَادٍ سَلَکَ ثُمَّ ظَهَرَ، وَ رَجَعَ إِلَی قَوْمِهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَی قَرْنِهِ، أَلَا وَ فِیکُمْ مَنْ هُوَ عَلَی سُنَّتِهِ وَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ مَکَّنَ لَهُ فِی الْأَرْضِ، وَ آتَاهُ مِنْ کُلِّ شَی ءٍ سَبَباً، وَ بَلَغَ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ إِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَیجْرِی سُنَّتَهُ فِی الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِی، وَ یبَلِّغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا، حَتَّی لَا یبْقَی سَهْلٌ وَ لَا مَوْضِعٌ مِنْ سَهْلٍ وَ لَا جَبَلٍ وَطِئَهُ ذُو الْقَرْنَینِ إِلَّا وَطِئَهُ، وَ یظْهِرُ اللهُ لَهُ کُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا، وَ ینْصُرُهُ بِالرُّعْبِ یمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً.(۱)

ص: ۱۴۸

۱- ۱ . إثبات الهداه، ج ۵: ص۹۶، ح ۱۸۱؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲: ص۲۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲: ص۱۹۵، ح ۱۹ و ج ۵۲: ص۳۲۳، ح ۳۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۶۶۲، ح۶۷۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص۲۹۴، ح۲۰۴؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲: ص۵۲۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲: ص۳۹۴، ح۴.

از جابر بن عبـد اللَّه انصاری نقل است که گفت: از رسول خداصَلّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه شـنیدم که می فرمودنـد: ذو القرنین یکی از بندگان صالح بود، که خداوند او را برای بندگانش حجّت قرار داده بود، وی قوم خود را به سوی خداوند دعوت کرد و آن ها را به تقوی و فضیلت خواند، ولی آنان حرف او را قبول نکردند و او را زدند، او هم مدّتی از انظار آنها ناپدید شد، و مردم می گفتند: او مرده و هلاک شده است.

پس از مدّتی، بار دیگر ظاهر شد، و به میان قومش مراجعت کرد، باز هم مردم او را مضروب نموده و از خود راندند.

آگـاه باشـید! که در میان شـما هم کسـی هست که ماننـد او خواهـد بود، پروردگار به ذو القرنین قـدرت فوق العاده ای داد، و سلطنت او تا شـرق و غرب عالم پیش رفت، و خداونـد همین سنّت را در قائم، که از فرزندان من است، جاری خواهد نمود، و سلطنت او را هم به شرق و غرب عـالم خواهـد رسانیـد، و هر جـا که مـورد تصـرّف ذو القرنین بوده، به تصرّف او هم خواهد رسـید، پروردگار گنـج های زمین را برای وی ظاهر می کند و معادن را برای او کشف می سازد، و با القاء رعب و وحشت در دلهای کفّار، او را یاری می نماید، خداوند به وسیله ی او زمین را پس از ظلم و جور پر از عدل و داد می سازد.

توضـیح: بـا توجّه به روایاتی که می فرماینـد: «هرچه در امّتهای گذشـته بوده، در این امّت هم هست»، و با توجّه به حکایت ذو القرنین و امثال آن، می توان بر اثبات رجعت، استدلال نمود.

شماره: ۳۲: اسم آیه: وعده ی رجعت به اسماعیل بن حزقیل عَلَیهِما السَّلام

شماره: ۳۲

کد آیه: ۵۴ / ۱۹

اسم آیه: وعده ی رجعت به اسماعیل بن حزقیلعَلَیهِما السَّلام

)وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولاً نَبِیا(

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود!

عَنْ بُرَیدِ بْنِ مُعَاوِیه الْعِجْلِی قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: یا ابْنَ رَسُولِ اللهِ! أَخْبِرْنِی عَنْ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی ذَکَرَهُ اللهُ فِی کِتَابِهِ حَیثُ یقُولُ: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیا»، أَ کَانَ إِسْمَاعِیلَ بْنَ إِبْرَاهِیمَعَلَیهِ السَّلام فَإِنَّ النَّاسَ یزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْمَاعِیلُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ؟

فَقَالَعَلَیهِ السَّلام: إِنَّ إِسْمَاعِیلَ مَاتَ قَبْلَ إِبْرَاهِیمَ وَ إِنَّ إِبْرَاهِیمَ کَانَ حُجَّةً لِلهِ کُلَّهَا قَائِماً صَاحِبَ شَرِیعَهٍ، فَإِلَی مَنْ أُرْسِلَ إِسْمَاعِیلُ إِذَنْ؟ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! فَمَنْ کَانَ؟

قَالَعَلَیهِ السَّلام: ذَاکَ إِسْمَاعِیلُ بْنُ حِزْقِیلَ النَّبِیعَلَیهِما السَّلام، بَعَثَهُ اللهُ إِلَی قَوْمِهِ فَکَذَّبُوهُ فَقَتَلُوهُ وَ سَلَخُوا وَجْهَهُ، فَغَضِبَ اللهُ لَهُ عَلَیهِمْ فَوَجَّهَ إِلَیهِ أَسْطَاطَائِیلَ مَلَکَ

ص: ۱۵۰

الْعَذَابِ فَقَالَ لَهُ: یا إِسْمَاعِیلُ! أَنَا أَسَطَائِیلُ مَلَکُ الْعَذَابِ وَجَّهَنِی إِلَیکَ رَبُّ الْعِزَّهِ لِأَعَذِّبَ قَوْمَکَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتَ.

فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِیلُ: لَا حَاجَهَ لِی فِی ذَلِکَ، فَأَوْحَی اللهُ إِلَیهِ فَمَا حَاجَتُکَ یا إِسْمَاعِیلُ!؟ فَقَالَ: یا رَبِّ! إِنَّکَ أَخَذْتَ الْمِیثَاقَ لِنَفْسِکَ بِالرُّبُوبِیهِ وَ لِمحمّد بِالنُّبُوَّهِ وَ لِأَوْصِیائِهِ بِالْوَلَایهِ وَ أَخْبَرْتَ خَیرَ خَلْقِکَ بِمَا تَفْعَلُ أُمَّتُهُ بِالْحُسَینِ بْنِ عَلِیعَلَیهما السَّلام مِنْ بَعْدِ نَبِیهَا، وَ إِنَّکَ وَعَدْتَ الْحُسَینعَلَیهِ السَّلام أَنْ تَکُرَّهُ إِلَی الدُّنْیا حَتَّی ینْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِکَ بِهِ، فَحَاجَتِی إِلَیکَ یا رَبِّ! أَنْ تَکُرَّنِی إِلَی الدُّنْیا حَتَّی أَنْتَقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِکَ بِی، کَمَا تَکُرُّ الْحُسَینعَلَیهِ السَّلام فَوَعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِیلَ بْنَ حِزْقِیلَ ذَلِکَ فَهُوَ یکَرُّ مَعَ الْحُسَینعَلَیهِ السَّلام.(۱)

از برید بن معاویه العجلی نقل است که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! مرا از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیا»، خبر دهید، آیا مقصود، اسماعیل بن ابراهیمعَلَیهِما السَّلام است، همان طور که مردم این گونه می پندارند، که او اسماعیل بن ابراهیمعَلَیهِما السَّلام می باشد؟

حضرتعَلَیهِ السَّلام فرمودند: اسماعیلعَلَیهِ السَّلام، قبل از حضرت ابراهیمعَلَیهِ السَّلام از دنیا رفت، و جناب ابراهیمعَلَیهِ السَّلام حجّت قائم حق تعالی، و صاحب شریعت بود، و با این حال، اسماعیلعَلَیهِ السَّلام با چنین موقعیتی، به جانب چه کسانی می توانست مبعوث شده باشد؟! راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: پس اسماعیل در آیه ی مذکور چه کسی است؟

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۲۸، ح۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۳: ص۳۹۰، ح۶ و ج ۴۴: ص۲۳۷، ح۲۸ و ج ۵۳: ص۱۰۵، ح۱۳۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۷۲۰، ح۶۹۰۱؛ کامل الزیارات، ص۶۵، ح۳؛ مختصر البصائر: ص۴۳۱، ح۵۰۹.

حضـرت فرمودند: او، اسـماعیل پسر حزقیل پیامبر می باشد، که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود، و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند، و سپس پوست صورتش را کندند، پس خداوند به ایشان غضب نمود، و اسطاطائیل را، که فرشته ی عذاب است، بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت: ای اسماعیل! من اسطاطائیل فرشته ی عذاب هستم، پروردگار متعال مرا نزد تو فرستاده، تا قوم تو را به انواع عـذاب ها، عذاب نمایم، و در صورتی که بخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری ها مبتلا سازم. اسماعیلعَلَیهِ السَّلام به او فرمود: به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل! حاجت تو چیست؟ عرض کرد: پروردگارا! از بندگانت عهد و میثاق گرفتی که تو را ربّ و پروردگار دانسته، و حضرت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه را پیامبر و اوصیاء کرامش را ولیّ، بدانند، و به بهترین مخلوقات خبر دادی که امّتش با حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام بعد از پیامبرشان چه خواهند نمود، و به حسینعَلَیهِ السَّلام وعده دادی که به دنیا رجعت می کند، تا خودش از آن قوم جفا کار انتقام بگیرد.

پس حاجت من به تو، ای پروردگارم! آن است که مرا نیز (در زمان رجعت) به دنیا برگردانی، تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم، همان طور که حسینعَلَیهِ السَّلام را به دنیا باز می گردانی، پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل، وعده داد، که او را با حضرت حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام به دنیا برگرداند.

شماره: ۳۳: اسم آیه: رجعت ناصبیان

شماره: ۳۳

کد آیه: ۱۲۴ / ۲۰

اسم آیه: رجعت ناصبیان

)وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَهً ضَنْکاً وَ نَحْشُرُهُ یوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی(

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محشور می کنیم!»

عَنْ مُعَـاوِیه بْنِ عَمَّارٍ قَـالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْـدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام عَنْ قَوْلِ اللهِ: «فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهً ضَـنْکاً»، قَالَ: هِی وَ اللهِ النُّصَّابُ، قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاکَ، قَدْ رَأَینَاهُمْ دَهْرَهُمْ الْأَطْوَلَ فِی کِفَایهٍ حَتَّی مَاتُوا، قَالَ: ذَلِکَ وَ اللهِ فِی الرّجعه یأْکُلُونَ الْعَذَرَهَ.(۱)

از معـاویه بن عمار نقل است که گفت: به حضـرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام عرض کردم: معنی زنـدگی تنگ در آیه ی: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ

ص: ۱۵۳

---

۱ – ۱ . إلزام النـاصب، ج ۲: ص۲۸۸؛ الإیقـاظ من الهجعه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۲۵۵، ح۳۷؛ بحـار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۱، ح۲۸؛ البرهـان فی تفسـیر القرآن، ج ۳: ص۷۸۵، ح۵و۶؛ تفسـیر الصافی، ج ۳: ص۳۲۵؛ تفسـیر القمی، ج ۲: ص۶۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص۳۶۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۴۰۵، ح۱۶۸؛ مختصر البصائر: ص۹۱، ح۵۹.

مَعِیشَهً ضَنْکاً»، هر کس از ذکر ما روی بگرداند، گذران تنگی برای او خواهد بود چیست؟

حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه در باره ی نواصب (و دشمنان ما) است.

عرض کردم: قربانت گردم! ما که آنها را همواره در ناز و نعمت دیده و می بینیم و بدین گونه هم می میرند. حضرت فرمودند: به خدا قسم! این، در هنگام رجعت خواهد بود، که در آن زمان آنها نجاست می خورند.

توضیح: رُوِی أَنَّ یوْماً، قَالَ أَبُو حَنِیفَهَ لِمُؤْمِنِ الطَّاقِ: إِنَّکُمْ تَقُولُونَ بِالرَّجْعَهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ أَبُو حَنِیفَهَ: فَأَعْطِنِی الْآنَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، حَتَّی أُعْطِیکَ أَلْفَ دِینَارٍ، إِذَا رَجَعْنَا، قَالَ الطَّاقِی لِأَبِی حَنِیفَهَ: فَأَعْطِنِی کَفِیلًا، بِأَنَّکَ تَرْجِعُ إِنْسَاناً، وَ لَا تَرْجِعُ خِنْزِیراً. (۱)

نجاشی در کتاب رجال خود می نویسد: مؤمن طاق، را با ابو حنیفه حکایات بسیار است، از جمله اینکه روزی ابو حنیفه از مؤمن طاق پرسید: ای ابو جعفر! آیا عقیده ی به رجعت داری؟ گفت: آری، ابو حنیفه از روی تمسخر گفت: پس، از این کیسه ی خود، هزار درهم به من قرض بده، تا وقتی من و تو در رجعت دوباره به دنیا برگشتیم، من به تو هزار دینار بپردازم!

مؤمن طاق به سرعت در جواب گفت: تو یک ضامن بیاور تا برایت ضمانت کند که تو به صورت آدم به دنیا برمی گردی، تا من این مبلغ را به تو بدهم، چون من می ترسم که تو به شکل بوزینه برگردی، و من نتوانم طلب خود را وصول نمایم!

۱- ۱ . الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص۳۸۱؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۷: ص۳۹۹؛ مختصر البصائر، ص۴۷۸، ح۵۲۷.

شماره: ۳۴: اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت

شماره: ۳۴

کد آیه: ۳۵ / ۲۱

اسم آیه: مرگ شهدا بعد از رجعت

)كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيرِ فِتْنَةً وَ إِلَينا تُرْجَعُونَ(

هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید و شما را (تا زنده هستید) با شر و خیر مورد آزمایش قرار می دهیم و همه ی شما به سوی ما بازگشت می کنید.

لطفاً به روایات ذیل آیه ی ۱۴۴ / ۳ و آیه ی ۱۸۵ / ۳ مراجعه فرمائید.

ص: ۱۵۵

شماره: ۳۵: اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان

شماره: ۳۵

کد آیه: ۹۵ / ۲۱

اسم آیه: عدم رجعت عذاب شدگان

)وَ حَرامٌ عَلى قَرْيهٍ أَهْلَكْناها أَنَّهُمْ لا يرْجِعُونَ(

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند) آنها هرگز باز نخواهند گشت!

قَالَ الصَّادِقُعَلَيهِ السَّلام: كُلُّ قَرْيهٍ أَهْلَكَ اللهُ أَهْلَهَا بِالْعَذَابِ لَا يرْجِعُونَ فِي الرّجعه، وَ أَمَّا يوْمَ الْقِيامَهِ فَيرْجِعُونَ الَّذِينَ مَحَضُوا الْإِيمَانَ مَحْضاً، وَ غَيرُهُمْ مِمَّنْ لَمْ يهْلِكُوا بِالْعَذَابِ وَ مَحَضُوا الْكُفْرَ مَحْضاً يرْجِعُونَ.(۱)

حضرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام فرمودند: هر شهری که خداوند اهلش را به عذاب هلاک کرده است، در رجعت برنمی گردند، امّا در قیامت برمی گردند، و در رجعت مؤمن خالص، و کافر خالص و آنان که به عذاب خدا نمرده اند، برمی گردند.

نکته: اگر خوب دقّت کنید، متوجّه خواهید شد که این آیه ی شریفه،

ص: ۱۵۶

۱- ۱ . إلزام الناصب ، ج ۲: ص۲۸۸؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۴۷ و ص۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۲ و ص۶۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۹۱ و ج ۳: ص ۸۴۰، ذیل ح۷۱۹۹؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۲۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص۴۷۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۴۵۸، ح۱۶۷؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۰، ذیل ح۱۱۵.

یکی از بزرگترین دلایل، اثبات رجعت است، چون هیچ مسلمانی منکر آن نیست که در قیامت همه ی مردم زنده می شوند، چه هلاک شده باشند چه نشده باشند، پس اینکه می فرماید: «آنهائی که هلاک شده اند برنمی گردند»، یعنی آنها در رجعت برنمی گردند، ولی هلاک شدگان حتماً در قیامت برمی گردند تا وارد دوزخ شوند.

ص: ۱۵۷

شماره: ۳۶: اسم آیه: به ارث بردن زمین در رجعت

شماره: ۳۶

کد آیه: ۱۰۵ / ۲۱

اسم آیه: به ارث بردن زمین در رجعت

)وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصّالِحُونَ(

و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

۱ـ عَنْ أَبِی الْوَرْدِ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصَّالِحُونَ»، هُمْ آلُ مُحَمّدٍ.(۱)

از ابو الورد نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام در باره ی آیه ی: «أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصَّالِحُونَ»، فرمودند: عباد صالح در این آیه، آل محمّد: هستند.

۲ـ مِنْ کِتَابِ عِلَلِ الشَّرَائِعِ، لِمحمّد بْنِ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ، وَ کَانَتْ عِنْدَنَا مِنْهُ نُسْخَهٌ قَدِیمَهٌ، قَالَ: أَخْبَرَ اللهُ تَعَالَی نَبِیهُصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ فِی کِتَابِهِ، مَا یصِیبُ أَهْلَ بَیتِهِ بَعْدَهُ مِنَ الْقَتْلِ وَ الْغَصْبِ وَ الْبَلَاءِ، ثُمَّ یرُدُّهُمْ إِلَی الدُّنْیا، وَ یقْتُلُونَ

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۲۴: ص۳۵۸، ح ۷۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳: ص۸۴۷، ح۷۲۱۷؛ تأویل الآیات الظاهره، ص۳۲۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸: ص۴۸۳.

أَعْـدَاءَهُمْ، وَ يمَلِّكَهُمُ الْأَرْضَ، وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يرِثُها عِبادِی الصَّالِحُونَ»، وَ قَوْلُهُ: «وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ»(۱) الْآيهَ.(۲)

مرحوم علامه مجلسی قدس سره از كتاب «علل الشرائع»، تأليف: محمّد بن علی بن ابراهيم بن هاشم (قمی)، (فرزند صاحب تفسير قمی) كه نسخه ی قديمی آن نزد ايشان موجود بوده است، می نويسد: خداوند در قرآن به پيامبرش خبر داد كه اهل بيتش بعد از وی مبتلای به كشته شدن، و غصب حقّشان، و گرفتاريهايی می شوند، و آنگاه خداوند آنها را به دنيا برمی گرداند، و آنها دشمنان خود را به مجازات اعمال و كردارشان می رسانند، و سپس خداوند زمين را در اختيار آنها قرار می دهد، و آن اين آيه ی شريفه است: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يرِثُها عِبادِی الصَّالِحُونَ» و اين آيه است: «وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ».

---

۱ - ۱ . ۵۵ / ۲۴.

۲ - ۲ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۷۷؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۹۰، ح ۱۷۵، بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۱۷، ح ۱۴۳.

شماره: ۳۷: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام

شماره: ۳۷

کد آیه: ۷۷ / ۲۳

اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام

)حَتَّی إِذا فَتَحْنا عَلَیهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَدیدٍ إِذا هُمْ فیهِ مُبْلِسُونَ(

تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان به کلّی مأیوس گردند.

عَن جابِرِ بنِ یزید، عَن أَبِی جَعفَرعَلَیهِ السَّلام، فِی قولِه: «حَتَّی إِذا فَتَحْنا عَلَیهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَدِید»، هُوَ، عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍعَلَیهِما السَّلام إِذَا رَجَعَ فِی الرّجعه.(۱)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خداوند متعال: «حَتَّی إِذا فَتَحْنا عَلَیهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَدِید»، فرمودند: او علی بن ابیطالبعَلَیهِما السَّلام است، هنگامی که در زمان رجعت، برمی گردد.

ص: ۱۶۰

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۴، ح۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۷۲۱ ، ذیل ح۲۰۱۲ و ج ۴: ص۳۲، ح۷۵۱۴؛ مختصر البصائر: ص۸۸، ذیل ح۵۵.

شماره: ۳۸: اسم آیه: ذلّت بنی امیه در رجعت

شماره: ۳۸

کد آیه: ۴ / ۲۶

اسم آیه: ذلّت بنی امیه در رجعت

)إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيهِمْ مِنَ السَّماءِ آيهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعينَ(

ما اگر بخواهیم از آسمان آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار (ایمان به) آن فرود آرند.

عَنْ أَبِی بَصِيرٍ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَيهِ السَّلامـ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيهِمْ مِنَ السَّماءِ آيهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ»، قَالَ: تَخْضَعُ لَهَا رِقَابُ بَنِی أُمَيهَ، قَالَ: ذَلِكَ بَارِزٌ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، قَالَ: وَ ذَاكَ عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍعَلَيهِ السَّلام، يبْرُزُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ سَاعَهً حَتَّى يبْرُزَ وَجْهُهُ، وَ يعْرِفُ النَّاسُ حَسَبَهُ وَ نَسَبَهُ، ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّ بَنِی أُمَيهَ لَيخْتَبِينَّ الرَّجُلُ مِنْهُمْ إِلَى جَنْبِ شَجَرَهٍ فَتَقُولُ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ بَنِی أُمَيهَ فَاقْتُلُوهُ.(۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: از حضرت امام محمّد باقرعَلَيهِ السَّلام در باره ی آیه ی شریفه ی: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيهِمْ مِنَ السَّماءِ آيهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها

ص: ۱۶۱

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۰۹، ذیل ح۱۳۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۱۶۸، ح ۷۸۸۰ ؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص۲۹۴، ح۹؛ ؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص۴۵۸؛ مختصر البصائر، ص۴۸۲، ح۵۳۳.

خاضِعِینَ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: گردنهای بنی امیه برای آن خاضع می شود، سپس فرمودند: آن نشانه، آشکار شونده ی در خورشید است، که او علی بن ابیطالبعَلَیهِ السَّلام است که به هنگام نیمروز آشکار می گردد و بالای سر مردم بر خورشید سوار می شود چنان که چهره اش نمایان گشته، و مردم خاندان و تبار وی را می شناسند.

سپس فرمودند: در آنروز بنی امیه آنقدر خوار می شوند که اگر یکی از آنها در زیر درختی پنهان شود، آن درخت بانگ می زند که: اینجا یک نفر اموی است، او را بکشید.

ص: ۱۶۲

شماره: ۳۹: اسم آیه: جنبنده ی زمین

شماره: ۳۹

کد آیه: ۸۲ / ۲۷

اسم آیه: جنبنده ی زمین

)وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّهً مِنَ الْأَرْضِ تُکَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ کانُوا بِآیاتِنا لا یوقِنُونَ(

و هنگامی که وعده ی عذاب کافران به وقوع پیوندد (و یا زمان انتقام به ظهور قائم فرا رسد) جنبنده ای از زمین بیرون آریم که با آنان تکلم کند، که مردم به آیات ما (بعد از این) از روی یقین نمی گروند.

۱_ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: انْتَهَی رَسُولُ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام وَ هُوَ نَائِمٌ فِی الْمَسْجِدِ قَدْ جَمَعَ رَمْلًا، وَ وَضَعَ رَأْسَهُ عَلَیهِ فَحَرَّکَهُ بِرِجْلِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: قُمْ یا دَابَّهَ الْأَرْضِ! فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: یا رَسُولَ اللهِ! أَ یسَمِّی بَعْضُنَا بَعْضاً بِهَذَا الِاسْمِ؟ فَقَالَ: لَا وَ اللهِ مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّهً، وَ هُوَ الدَّابَّهُ الَّتِی ذَکَرَ اللهُ فِی کِتَابِهِ «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیهِمْ، أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّهً مِنَ الْأَرْضِ تُکَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ کانُوا بِآیاتِنا لا یوقِنُونَ» ثُمَّ قَالَ: یا عَلِی! إِذَا کَانَ آخِرُ الزَّمَانِ أَخْرَجَکَ اللهُ فِی أَحْسَنِ صُورَهٍ، وَ مَعَکَ مِیسَمٌ تَسِمُ بِهِ أَعْدَاءَکَ.(۱)

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۴۲، ح۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۹: ص۲۴۳، ح۳۱ و ج ۵۳: ص۵۲، ح۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴: ص۲۲۸، ح۸۰۴۳؛ تأویل الآیات الظاهره، ص۴۰۱؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۱۳۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۹۸، ح۱۰۴؛ مختصر البصائر، ص۱۵۲، ح۱۱۸.

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام در مسجد خوابیده بودند، رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ آمدند پاهایش را حرکت دادند و فرمودند: ای جنبنده ی زمین! برخیز، مردی گفت: یا رسول اللّه! آیا ما هم می توانیم، یکدیگر را به این نام، بخوانیم؟

حضرت فرمودند: نه، به خدا قسم! این لقب اختصاصی او است، او همان جنبنده ای است که خداوند می فرماید: «هنگامی که عذاب حتمی شود «جنبنده ای» از زمین بیرون آوریم که با آنان سخن گوید»، سپس فرمودند: ای علی! در آخر الزّمان، خداوند تو را به بهترین صورتی بیرون آورد، در حالی که به وسیله ی آهنی که در دست داری، دشمنانت را داغ و نشان خواهی زد.

۲_ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: قَالَ رَجُلٌ لِعَمَّارِ بْنِ یاسِرٍ: یا أَبَا الْیقْظَانِ! آیهٌ فِی کِتَابِ اللهِ قَدْ أَفْسَدَتْ قَلْبِی وَ شَکَّکَتْنِی، قَالَ عَمَّارٌ: وَ أَی آیهٍ هِی؟ قَالَ: قَوْلُ اللهِ: «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّهً مِنَ الْأَرْضِ»، الْآیهَ فَأَی دَابَّهٍ هِی؟

قَالَ عَمَّارٌ: وَ اللهِ! مَا أَجْلِسُ وَ لَا آکُلُ وَ لَا أَشْرَبُ، حَتَّی أُرِیکَهَا، فَجَاءَ عَمَّارٌ مَعَ الرَّجُلِ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام وَ هُوَ یأْکُلُ تَمْراً وَ زَبَداً، فَقَالَ لَهُ: یا أَبَا الْیقْظَانِ! هَلُمَّ، فَجَلَسَ عَمَّارٌ وَ أَقْبَلَ یأْکُلُ مَعَهُ، فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْهُ، فَلَمَّا قَامَ عَمَّارٌ قَالَ لَهُ الرَّجُلُ: سُبْحَانَ اللهِ! یا أَبَا الْیقْظَانِ! حَلَفْتَ أَنَّکَ لَا تَأْکُلُ وَ لَا تَشْرَبُ وَ لَا تَجْلِسُ حَتَّی تُرِینِیهَا، قَالَ عَمَّارٌ: قَدْ أَرَیتُکَهَا إِنْ کُنْتَ تَعْقِلُ.(۱)

۱- ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۳۶، ح۵۹؛ ؛ بحار الأنوار، ج ۳۹: ص۲۴۲، ح۳۰ و ج ۵۳، ص۵۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۲۸، ح۸۰۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۷۴؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۱۳۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص۵۹۱؛ مختصر البصائر، ص۱۵۳، ح۱۱۹.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام نقل می کند که مردی به عمار یاسر گفت: یک آیه در قرآن دل مرا ناراحت کرده؟ عمار پرسید: کدام آیه؟ گفت: این آیه: «هنگامی که عذاب بر آنان محقّق شود جنبنده ای از زمین برایشان بیرون می آوریم، که با آنان سخن گوید»، عمار گفت: به خدا قسم! ننشینم، و چیزی نخورم و ننوشم، تا اینکه آن جنبنده را به تو نشان دهم، و سپس با هم خدمت حضرت علیعَلَیهِ السَّلام آمدند.

حضرت علیعَلَیهِ السَّلام خرما و کره می خوردند، تا عمار را دیدند، فرمودند: ای عمار! جلو بیا، عمار نشست و مشغول خوردن شد، آن مرد تعجّب کرد، وقتی که برخاست گفت: سبحان اللّه! ای عمار! تو قسم خوردی که چیزی نخوری و ننوشی و به زمین ننشینی، تا آن جنبنده را به من نشان دهی؟! عمار گفت: اگر خوب فکر کنی، می فهمی که به تو نشان دادم.

شماره: ۴۰: اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک

شماره: ۴۰

کد آیه: ۸۳ / ۲۷

اسم آیه: رجعت، رستاخیزی کوچک

)وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً مِمَّنْ یکَذِّبُ بِآیاتِنا فَهُمْ یوزَعُونَ(

آن روز از هر امتی جمعی را که منکر آیات ما بودند، محشور می سازیم و آنها باز داشته می شوند.

۱ــ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: مَا یقُولُ النَّاسُ فِی هَذِهِ الْآیهِ: «وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً»؟ قُلْتُ: یقُولُونَ إِنَّهَا فِی الْقِیامَهِ، قَالَ: لَیسَ کَمَا یقُولُونَ، إِنَّ ذَلِکَ فِی الرّجعه، أَ یحْشُرُ اللهُ یوْمَ الْقِیامَهِ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً وَ یدَعُ الْبَاقِینَ، إِنَّمَا آیهُ الْقِیامَهِ قَوْلُهُ: «وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً».(۱) (۲)

از حمّاد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: مردم در معنای این آیه ی مبارکه چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند این آیه درباره ی قیامت است، حضرت فرمودند: این گونه نیست! به راستی این آیه درباره ی رجعت است، آیا خداوند در روز قیامت گروهی از هر امّت را

ص: ۱۶۶

۱- ۱. ۴۷ / ۱۸.

۲- ۲. الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص ۶۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۹۰ و ج ۴: ص۲۲۸؛ تفسیر القمی، ج ۱: ص۲۴؛ مختصر البصائر: ص ۱۵۰.

محشور می کنـد، و بقیه را رها می نمایـد؟ آیه ای که به قیامت مربوط است این است که می فرمایـد: «و همه ی آنان (انسانها) را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد»!

۲ـ عَنِ الْمُفَضَّلِ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً»، قَالَ: لَیسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ قُتِلَ، إِلَّا یرْجِعُ حَتَّی یمُوتَ وَ لَا یرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً وَ مَنْ مَحَضَ الْکُفْرَ مَحْضاً.(۱)

از مفضّل نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خـدای متعال: «وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً»، فرمودنـد: هر کـدام از مؤمنین که کشته شـده باشـد، در زمـان رجعت برمی گردد، تا به مرگ عادی و طبیعی بمیرد، و رجعت مختصّ مؤمن محض، یا کافر محض است.

۳ـ عَنْ أَبِی محمّـد یعْنِی أَبَـا بَصِـیر، قَـالَ: قَـالَ لِی أَبُو جَعْفَرعَلَیهِ السَّلام: ینْکِرُ أَهْـلُ الْعِرَاقِ الرّجعه؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَـالَ: أَ مَا یقْرَءُونَ الْقُرْآنَ: «وَ یوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً».(۲)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضـرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام فرمودند: آیا اهل عراق، رجعت را انکار می کنند؟ عرض کردم: آری، حضـرت فرمودنـد: سبحان اللّه! مگر قرآن نمی خواننـد که می فرماید: «روزی که از هر امّتی دسته ای را محشور می کنیم».

---

۱ – ۱ . الإیقـاظ مـن الهجعه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۲۵۸، ح۴۴؛ بحـار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۳، ذیل ح ۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۲۸، ح۸۰۴۵؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۷۶؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۱۳۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص۵۹۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۱۰۰، ح۱۱۳؛ مختصر البصائر: ص۱۵۳، ح۱۱۹.
۲ – ۲ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۷۸، ح ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۰، ح۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۳۱، ح۸۰۵۶؛ مختصر البصائر، ص۱۱۰، ح۸۳.

شماره: ۴۱: اسم آیه: شناخت ائمّه در رجعت

شماره: ۴۱

کد آیه: ۹۳ / ۲۷

اسم آیه: شناخت ائمّه: در رجعت

)وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَیرِیکُمْ آیاتِهِ فَتَعْرِفُونَها وَ ما رَبُّکَ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ(

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست!

فی تفسیر القمی: «سَیرِیکُمْ آیاتِهِ فَتَعْرِفُونَها»، قَالَ: أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهُ:، إِذَا رَجَعُوا یعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ، وَ الدَّلِیلُ عَلَی أَنَّ الْآیاتِ هُمُ الْأَئِمَّهُ، قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام: وَ اللهِ! مَا لِلهِ آیهٌ أَعْظَمَ مِنِّی، فَإِذَا رَجَعُوا إِلَی الدُّنْیا یعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ فِی الدُّنْیا.(۱)

در تفسیر علی بن ابراهیم در باره ی این آیه: «سَیرِیکُمْ آیاتِهِ فَتَعْرِفُونَها»، یعنی: خداوند آیات (و علامات) خود را به شما می نماید تا شما آن را بشناسید، می فرماید: هنگامی که امیر المؤمنین و ائمّه ی طاهرین:

ص: ۱۶۸

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۳، ح۳۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۳۶، ح۸۰۷۹؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۱۳۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹: ص۶۰۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۱۰۶، ح۱۳۸؛ مختصر البصائر: ص۱۵۴، ح۱۲۰.

به دنیا رجعت نمودند، دشـمنانی که آنها را می بینند آنان را می شناسـند، و دلیل بر اینکه، این آیات، ائمّه: می باشند، فرمایش امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام است که فرمودنـد: به خـدا قسم! برای خداونـد، نشانه ای بزرگتر از من نیست، پس وقتی که آن ذوات مقدسّه ی ائمّه: به دنیا برگشتند، دشمنان آنها، آنان را می شناسند.

ص: ۱۶۹

شماره: ۴۲: اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش

شماره: ۴۲

کد آیه: ۶ / ۲۸

اسم آیه: رجعت فرعون و هامان قریش

)وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ(

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم!

روی عَن الباقِرعَلَیهِ السَّلام و الصّادِقعَلَیهِ السَّلام: أنَّ «فِرعَون وَ هامان»، هُنا هُما شَخصان مِن جَبابِرَهِ قُرَیش، یحییهِما الله تَعالی عِندَ قیامِ القائِم مِن آلِ محمّد:، فِی آخِرِ الزَّمان، فَینتَقِمُ مِنهُما بِما أسلَفه.(۱)

حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام و حضرت امام جعفر صادق عَلَیهِ السَّلام در باره ی آیه ی: «فِرعَون وَ هامان»، فرمودند: مقصود از «فرعون و هامان»، در این آیه، دو مرد جبّار و ظالم از قریش هستند، که خداوند آن دو را، هنگام قیام حضرت مهدی عَلَیهِ السَّلام، در آخر الزّمان، زنده می گرداند، سپس به خاطر ظلمها و جنایاتشان، از آن دو انتقام می گیرد.

ص: ۱۷۰

---

۱ - ۱ . إلزام الناصب، ج ۱: ص ۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۵۴، ح ۸۱۰۰؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص ۲۸۰، ح۶.

شماره: ۴۳: اسم آیه: تحقّق وعده ی الهی در رجعت

شماره: ۴۳

کد آیه: ۶۱ / ۲۸

اسم آیه: تحقّق وعده ی الهی در رجعت

)أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاقيهِ كَمَنْ مَتَّعْناهُ مَتاعَ الْحَياهِ الدُّنْيا ثُمَّ هُوَ يوْمَ الْقِيامَهِ مِنَ الْمُحْضَرينَ(

آیا کسی که ما برای او وعده نیک دادیم و البته به آن خواهد رسید، همانند کسی است که او را از متاع زندگانی دنیا برخوردار کنیم؟ و روز قیامت از حاضران در عذاب گردد؟

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ عزّ و جلّ: «أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاقِیهِ»، قَالَ: الْمَوْعُودُ، عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍعَلَیهِ السَّلام، وَعَدَهُ اللهُ أَنْ ینْتَقِمَ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ فِی الدُّنْیا، وَ وَعَدَهُ الْجَنَّهَ لَهُ وَ لِأَوْلِیائِهِ فِی الْآخِرَه.(۱)

حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خدا ی عزّ و جلّ: «أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاقِیهِ»، فرمودند: آن موعودی که این وعده به وی داده شده، علی بن ابی طالبعَلَیهِ السَّلام است، که خداوند به او وعده داده است که در رجعت از دشمنانش انتقام بگیرد، و در آخرت نیز به وی و دوستانش وعده ی بهشت داده است.

ص: ۱۷۱

---

۱ – ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۵، ح۱۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴: ص۱۶۳، ح۲ و ج ۵۳: ص۷۶، ح۷۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۸۰؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۴۱۴؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص۸۸.

شماره: ۴۴: اسم آیه: رجعت پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه و ائمّه علیهم السلام

شماره: ۴۴

کد آیه: ۸۵ / ۲۸

اسم آیه: رجعت پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه و ائمّه:

)إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ... (

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت بازمی گرداند!...

۱ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِی، عَنْ عَلِی بْنِ الْحُسَینِعَلَیهِما السَّلام، فِی قَوْلِهِ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، قَالَ: یرْجِعُ إِلَیکُمْ نَبِیکُمْصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه.(۱)

از ابو خالد کابلی نقل است که گفت: حضرت امام علی بن الحسینعَلَیهِما السَّلام، درباره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، فرمودند: مقصود زمانی است که پیامبرتان، حضرت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه رجعت می کنند.

۲ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِی، عَنْ عَلِی بْنِ الْحُسَینِعَلَیهِما السَّلام، فِی قَوْلِ اللهِ عزّ و جلّ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، قَالَ: یرْجِعُ فِیهِ إِلَیکُمْ نَبِیکُمْصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام وَ الْأَئِمَّهُ:. (۲)

ص: ۱۷۲

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۶، ح۳۳؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۴۱۶؛ مختصر البصائر: ص۱۵۶، ح۱۲۲.

۲- ۲ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۳۴۳، ح۷۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۹۱، ح۸۱۹۴؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۱۰۷؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۱۴۷؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص۱۰۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۱۴۴، ح۱۲۶.

از ابو خالـد کـابلی نقل است که گفت: حضـرت امام سـجادعَلَیهِ السَّلام، درباره ی فرمایش خداونـد عزّ و جلّ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، فرمودند: اشاره به زمانی است که پیامبرتانصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ و امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام و ائمّه: در آن برمی گردند.

۲ ـ عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِیزٍ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام، قَالَ: سُئِلَ عَنْ جَابِرٍ؟ فَقَالَ: رَحِمَ اللهُ جَابِراً! بَلَغَ مِنْ فِقْهِهِ أَنَّهُ کَانَ یعْرِفُ تَأْوِیلَ هَذِهِ الْآیهِ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، یعْنِی الرّجعه.(۱)

از حریز نقل است که گفت: از حضـرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام، درباره ی جابر سؤال شد؟ حضـرت فرمودند: خداوند جابر را رحمـت فرمایـد! علمش به جـائی رسـیده بـود، که تأویـل این آیه را می دانست: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، یعنی می دانست که این آیه مربوط به رجعت است.

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص۳۴۳، ح۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲: ص۹۹، ح۵۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۲۹۱، ح۸۱۹۳؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۴۱۶؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۱۰۷؛ تفسیر القمی، ج۱: ص۲۵ و ج ۲: ص۱۴۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۱۴۴، ح۱۲۵؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۱ و ص۱۵۵.

شماره: ۴۵: اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک

شماره: ۴۵

کد آیه: ۲۱ / ۳۲

اسم آیه: رجعت، عذابی نزدیک

)وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يرْجِعُونَ(

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند!

۱ــ عَن مُفضَّل بن عُمَر فِی خَبَرٍ طَویـل وَ سُؤالاتٍ مُتعـدِّده عَن الصّادِقِعَلَيهِ السَّلام... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يا مَوْلَای! إنَّ مِنْ شِيعَتِكُمْ مَنْ لَا يقُولُ بِرَجْعَتِكُمْ، فَقَالَعَلَيهِ السَّلام: إِنَّمَا سَمِعُوا قَوْلَ جَدِّنَا رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَيهِ وَ آلِه، وَ نَحْنُ سَائِرَ الْأَئِمَّهِ نَقُولُ: «وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ الصَّادِقُعَلَيهِ السَّلام: الْعَذَابُ الْأَدْنَى عَذَابُ الرَّجعه، وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ عَذَابُ يوْمِ الْقِيامَه، الَّذِی «تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ وَ بَرَزُوا لِلهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ»(۱)...(۲)

در خبری طولانی از مفضل بن عمر نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام سوالاتی نموده ... تا آنجا که مفضل گفت:

ص: ۱۷۴

۱- ۱ . ۴۸ / ۱۴.

۲- ۲ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۲۴؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرّجعه، ص۲۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۲۴؛ حليه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار : ، ج ۶: ص۳۹۷.

عرض کرد: آقـای من! بعضـی از شـیعیان شـما عقیـده به رجعت شـما ندارنـد، حضـرت فرمودنـد: آیا آنها سـخن جـدّ ما پیامبر خداصَـلّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ و گفته ی ما ائمّه را نشنیده اند که می گوئیم: «وَ لَنُذِیقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَذابِ الْأَکْبَرِ لَعَلَّهُمْ یرْجِعُونَ»، یعنی: به جای عذاب بزرگتر، عذاب نزدیکتر به آنها می چشانیم تا شاید برگردند.

ای مفضل! عـذاب نزدیکتر، رجعت آل محمد علیهم السـلام، و عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت است که خدا می فرماید: «یوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ وَ بَرَزُوا لِلهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ»

یعنی: قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسـمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می شوند...، یعنی: قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می شوند ...

۲ـ فی تفسیر القمی، فی قوله تعـالی: «وَ لَنُـذِیقَنَّهُمْ مِنَ الْعَـذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَـذابِ الْأَکْبَرِ»، قَالَ: الْعَـذَابُ الْأَدْنَی عَـذَابُ الرّجعه بِالسَّیفِ، وَ مَعْنَی قَوْلِهِ: «لَعَلَّهُمْ یرْجِعُونَ» أَی یرْجِعُونَ فِی الرّجعه حَتَّی یعَذَّبُوا.(۱)

در تفسـیر قمی در بـاره ی فرمـایش خداونـد متعـال: «وَ لَنُـذِیقَنَّهُمْ مِنَ الْعَـذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَـذابِ الْأَکْبَرِ»، می فرمایـد: عـذاب نزدیک، عذاب رجعت با شمشیر است، و منظور از «لَعَلَّهُمْ یرْجِعُونَ»، یعنی در رجعت بر می گردند، تا عذاب شوند.

---

۱ – ۱ . إلزام النـاصب، ج ۲: ص۲۹۰؛ بحـار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۶، ح۳۴؛ تفسـیر الصافی، ج ۴: ص۱۵۸؛ تفسـیر القمی، ج ۲: ص۱۷۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص۳۰۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۲۳۱، ح۴۴.

شماره: ۴۶: اسم آیه: زمین رجعت

شماره: ۴۶

کد آیه: ۲۷ / ۳۲

اسم آیه: زمین رجعت

)أَ وَ لَمْ یرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْماءَ إِلَی الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَ فَلا یبْصِرُونَ(

مگر نمی بینند که ما آب را در زمین خشک جاری می سازیم و با آن کشت را به ثمر می رسانیم، تا از محصول آن چهار پایان آنها و هم خودشان تغذیه کنند؟ آیا باز هم نمی بینند؟

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی: «أَ وَ لَمْ یرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْماءَ إِلَی الْأَرْضِ الْجُرُزِ»، قال: الأرض الخراب، وَ هُو مَثَل ضربه الله عزّ و جلّ فِی الرّجعه وَ القائمِعَلَیهِ السَّلام، فَلمّا أخبرهم رَسُول اللهصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه بِخَبر الرّجعه قالوا: «مَتی هذَا الْفَتْحُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ».(۱) (۲)

ص: ۱۷۶

۱- ۱ . ۲۸ / ۳۲.

۲- ۲ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۴۰۲، ح۸۵۱۰؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۱۶۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۱۷۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰: ص۳۰۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۲۳۳، ح۵۱.

در تفسیر قمی در باره ی این آیه: «أَ وَ لَمْ یرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْماءَ إِلَی الْأَرْضِ الْجُرُزِ»، روایت می کند که: زمین ویران، مثَلی است که خداوند درباره ی رجعت و حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام، زده است، چون پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه قضیه ی رجعت را به آنان خبر داد، آنان گفتند: «اگر راست می گوئید این فتح و پیروزی در چه زمانی روی می دهد؟»

ص: ۱۷۷

شماره: ۴۷: اسم آیه: نمونه ای از رجعت در امّتهای پیشین

شماره: ۴۷

کد آیه: ۱۳و۱۴ / ۳۶

اسم آیه: نمونه ای از رجعت در امّتهای پیشین

)وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحابَ الْقَرْيهِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ)(إِذْ أَرْسَلْنا إِلَيهِمُ اثْنَينِ فَكَذَّبُوهُما فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ فَقالُوا إِنَّا إِلَيكُمْ مُرْسَلُونَ(

برای این مردم حال آن قریه (انطاکیه) را مَثَل زن که رسولان حق برای هدایت آنها آمدند.

که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد و نصرت مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده ایم.

عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِی، عَنْ أَبِی جَعْفَرعَلَیهِ السَّلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَفْسِیرِ هَذِهِ الْآیهِ: «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحابَ الْقَرْیهِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ»، «إِذْ أَرْسَلْنا إِلَیهِمُ اثْنَینِ فَکَذَّبُوهُما فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ فَقالُوا إِنَّا إِلَیکُمْ مُرْسَلُونَ»، فَقَالَ: بَعَثَ اللهُ رَجُلَینِ إِلَی أَهْلِ مَدِینَهِ أَنْطَاکِیهَ، فَجَاءَاهُمْ بِمَا لَا یعْرِفُونَهُ، فَغَلَّظُوا عَلَیهِمَا فَأَخَذُوهُمَا وَ حَبَسُوهُمَا فِی بَیتِ الْأَصْنَامِ، فَبَعَثَ اللهُ الثَّالِثَ فَدَخَلَ الْمَدِینَهَ، فَقَالَ: أَرْشِدُونِی إِلَی بَابِ الْمَلِکِ.

ص: ۱۷۸

قالَ: فَلَمَّا وَقفَ عَلَى بَابِ الْمَلِكِ، قَالَ: أَنَا رَجُلٌ كُنْتُ أَتَعَبَّدُ فِی فَلَاهٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَعْبُدَ إِلَهَ الْمَلِكِ، فَأَبْلَغُوا كَلَامَهُ الْمَلِكَ، فَقَالَ: أَدْخِلُوهُ إِلَی بَیتِ الْآلِهَهِ، فَأَدْخَلُوهُ فَمَکَثَ سَنَهً مَعَ صَاحِبِیهِ، فَقَالَ لَهُمَا: بِهَذَا نَنْقُلُ قَوْماً مِنْ دِینٍ إِلَی دِینٍ لَا بِالْخُرْقِ أَ فَلَا رَفَقْتُمَا، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: لَا تُقِرَّانِ بِمَعْرِفَتِی.

ثُمَّ أُدْخِلَ عَلَی الْمَلِكِ، فَقَالَ لَهُ الْمَلِکُ: بَلَغَنِی أَنَّکَ کُنْتَ تَعْبُدُ إِلَهِی فَلَمْ أَزَلْ وَ أَنْتَ أَخِی فَسَلْنِی حَاجَتَکَ، قَالَ: مَا لِی حَاجَهٌ أَیهَا الْمَلِکُ، وَ لَکِنْ رَجُلَینِ رَأَیتُهُمَا فِی بَیتِ الْآلِهَهِ فَمَا حَالُهُمَا؟

قَالَ الْمَلِکُ: هَذَانِ رَجُلَانِ أَتَیانِی یضِلَّانِ عَنْ دِینِی وَ یدْعُوَانِ إِلَی إِلَهٍ سَمَاوِی.

فَقَالَ: أَیهَا الْمَلِکُ! فَمُنَاظَرَهٌ جَمِیلَهٌ، فَإِنْ یکُنِ الْحَقُّ لَهُمَا اتَّبَعْنَاهُمَا، وَ إِنْ یکُنِ الْحَقُّ لَنَا دَخَلَا مَعَنَا فِی دِینِنَا، فَکَانَ لَهُمَا مَا لَنَا وَ عَلَیهِمَا مَا عَلَینَا.

قَالَ: فَبَعَثَ الْمَلِکُ إِلَیهِمَا، فَلَمَّا دَخَلَا إِلَیهِ، قَالَ لَهُمَا صَاحِبُهُمَا: مَا الَّذِی جِئْتُمَانِی بِهِ؟

قَالا: جِئْنَا نَدْعُو إِلَی عِبَادَهِ اللهِ، الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ یخْلُقُ فِی الْأَرْحَامِ مَا یشَاءُ وَ یصَوِّرُ کَیفَ یشَاءُ وَ أَنْبَتَ الْأَشْجَارَ وَ الثِّمَارَ وَ أَنْزَلَ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُمَا: إِلَهُکُمَا هَذَا الَّذِی تَدْعُوَانِ إِلَیهِ وَ إِلَی عِبَادَتِهِ إِنْ جِئْنَاکُمَا بِأَعْمَی یقْدِرُ أَنْ یرُدَّهُ صَحِیحاً؟

قَالا: إِنْ سَأَلْنَاهُ أَنْ یفْعَلَ فَعَلَ إِنْ شَاءَ.

قَالَ: أَیهَا الْمَلِکُ! عَلَی بِأَعْمَی لَا یبْصِرُ قَطُّ، قَالَ: فَأُتِی بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: ادْعُوا

إِلَهَكَما أَنْ يرُدَّ بَصرَ هَذَا، فَقَامَا وَ صَلَّيا رَكْعَتَينِ، فَإِذا عَينَاهُ مَفْتُوحَتَانِ وَ هُوَ ينْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ.

فَقَالَ: أَيهَا الْمَلِكُ! عَلَى بِأَعْمَى آخَرَ، فَأُتِى بِهِ، قَالَ: فَسَجَدَ سَجْدَةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَإِذَا الْأَعْمَى بَصِيرٌ.

فَقَالَ: أَيهَا الْمَلِكُ! حُجَّةٌ بِحُجَّةٍ، عَلَى بِمُقْعَدٍ، فَأُتِى بِهِ، فَقَالَ لَهُمَا: مِثْلَ ذَلِكَ فَصَلَّيا وَ دَعَوَا اللهَ، فَإِذَا الْمُقْعَدُ قَدْ أُطْلِقَتْ رِجْلَاهُ وَ قَامَ يمْشِى.

فَقَالَ: أَيهَا الْمَلِكُ! عَلَى بِمُقْعَدٍ آخَرَ، فَأُتِى بِهِ، فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ أَوَّلَ مَرَّةٍ، فَانْطَلَقَ الْمُقْعَدُ.

فَقَالَ: أَيهَا الْمَلِكُ! قَدْ أَتَيا بِحُجَّتَينِ وَ أَتَينَا بِمِثْلِهِمَا، وَ لَكِنْ بَقِى شَى ءٌ وَاحِدٌ، فَإِنْ كَانَ هُمَا فَعَلَاهُ، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِى دِينِهِمَا.

ثُمَّ قَالَ: أَيهَا الْمَلِكُ! بَلَغَنِى أَنَّهُ كَانَ لِلْمَلِكِ، ابْنٌ وَاحِدٌ وَ مَاتَ، فَإِنْ أَحْياهُ إِلَهُهُمَا، دَخَلْتُ مَعَهُمَا فِى دِينِهِمَا، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: وَ أَنَا أَيضاً مَعَكَ، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: قَدْ بَقِيتْ هَذِهِ الْخَصْلَةُ الْوَاحِدَةُ، قَدْ مَاتَ ابْنُ الْمَلِكِ فَادْعُوا إِلَهَكُمَا أَنْ يحْيِيهُ.

قَالَ: فَخَرَّا سَاجِدَينِ لِلهِ وَ أَطَالا السُّجُودَ، ثُمَّ رَفَعَا رَأْسَيهِمَا، وَ قَالا لِلْمَلِكِ: ابْعَثْ إِلَى قَبْرِ ابْنِكَ، تَجِدْهُ قَدْ قَامَ مِنْ قَبْرِهِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّاسُ ينْظُرُونَ فَوَجَدُوهُ قَدْ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ ينْفُضُ رَأْسَهُ مِنَ التُّرَابِ، قَالَ: فَأُتِى بِهِ إِلَى الْمَلِكِ، فَعَرَفَ أَنَّهُ ابْنُهُ، فَقَالَ لَهُ: مَا حَالُكَ يا بُنَى!؟

قَالَ: كُنْتُ مَيتاً، فَرَأَيتُ رَجُلَينِ بَينَ يدَى رَبِّى السَّاعَةَ سَاجِدَينِ، يسْأَلَانِهِ أَنْ يحْيِينِى فَأَحْيانِى، قَالَ: يا بُنَى! فَتَعْرِفُهُمَا إِذَا رَأَيتَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَأَخْرَجَ النَّاسَ جُمْلَةً إِلَى الصَّحْرَاءِ، فَكَانَ يمُرُّ عَلَيهِ رَجُلٌ رَجُلٌ،

فَيقُولُ لَهُ أَبُوهُ: أُنْظُرْ، فيقُولُ: لَـا، لَـا، ثُمَّ مَرَّ عَلَيهِ بِأَحَـدِهِمَا بَعْـدَ جَمْعٍ كَثِيرٍ، فَقَالَ: هَـذَا أَحَـدُهُمَا وَ أَشَارَ بِيـدِهِ إِلَيهِ، ثُمَّ مَرَّ أَيضاً بِقَوْمٍ كَثِيرِينَ، حَتَّى رَأَى صَاحِبَهُ الْآخَرَ، فَقَالَ: وَ هَذَا الْآخَرُ.

قَـالَ: فَقَـالَ النَّبِي: صَـاحِبُ الرَّجُلَينِ، أَمَّا أَنَا فَقَـدْ آمَنْتُ بِإِلَهِكُمَا، وَ عَلِمْتُ أَنَّ مَا جِئْتُمَا بِهِ هُوَ الْحَقُّ، فَقَالَ الْمَلِكُ: وَ أَنَا أَيضاً آمَنْتُ بِإِلَهِكُمَا، وَ آمَنَ أَهْلُ مَمْلَكَتِهِ كُلُّهُمْ.(۱)

از ابو حمزه ثمـالی نقل است که گفت: حضـرت امام محمّـد باقرعَلَیهِ السَّلام در پاسـخ به سؤال از آیه ی «و برای آنان مَثَل بزن داستان مردم آن شهری را که رسولان بدان جا آمدند»، «آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم ولی آن دو را دروغگو خواندند تـا بـا فرسـتاده ی سوّمین آنان را تأییـد کردیم. پس رسولان گفتنـد : ما به سوی شـما به پیامبری فرسـتاده شـده ایم»، فرمودنـد: خداوند دو مرد به سوی مردم شـهر انطاکیه فرسـتاد، و آنان برای مردم چیزهایی (سـخنانی) آوردند که برایشان ناآشـنا و بیگانه بود، لذا بر آن دو خشم گرفتند و آنها را دستگیر و در بتکده زندانی کردند.

خداونـد رسول دیگری فرسـتاد، و او وارد شـهر شـد و گفت: مرا به کاخ پادشاه راهنمایی کنید، وقتی بر درگاه پادشاه ایسـتاد، گفت: من مردی هستم که روزگار خود را در بیابانی به عبادت می گذراندم، امّا علاقه مند شدم که خدای پادشاه را بپرستم.

سخن او را به گوش پادشاه رساندند، شاه گفت: او را به خانه ی خدایان

۱- ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۴۰، ح۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۴: ص۲۴۰، ح۲۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۵۷۰، ح۸۹۱۱؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۲۴۷؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۱۳؛ تفسـیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص۶۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۳۷۹، ح۳۰.

(بتکـده) ببرید، آن مرد را به آن جا بردند، او یک سال با دو یار خود در آن جا ماند و به آن دو گفت: با مهارت و هوشیاری است که می توان مردی را از دینی به دین دیگر درآورد، چرا از راه مدارا وارد نشدید! سپس به آنان گفت: چنان وانمود کنید که مرا نمی شناسید.

آنگاه او را به حضور پادشاه بردند، پادشاه به او گفت: شنیده ام که تو خدای مرا می پرستیدی، از این پس تو برادر من هستی، حالا بگو چه می خواهی؟

مرد گفت: پادشاها! من حاجتی ندارم، امّا در معبد خدایان دو مرد دیدم. آنها چه کرده اند؟

پادشاه گفت: این دو مرد نزد من آمده اند و می گویند دین من باطل است و مرا به سوی خدایی آسمانی دعوت می کنند.

مرد گفت: پادشاها! مناظره ای نیکو (منطقی) ترتیب دهید، تا اگر حق با آن دو بود ما پیرو آنان شویم، و اگر حق با ما بود آنها به دین و آیین ما درآیند.

پادشاه در پی آن دو نفر فرستاد، چون بر او وارد شدند، دوست آن دو به ایشان گفت: شما برای چه آمده اید؟

گفتند: آمده ایم تا شما را به عبادت و پرستش خداوندی دعوت کنیم که آسمانها و زمین را آفریده و آنچه بخواهد در زهدان ها می آفریند و آن را به دلخواه خود شکل می دهد و درختان و میوه ها را می رویاند و از آسمان باران می فرستد.

او بـه آن دو نفر گفت: آیـا این خـدای شـما که به او و عبـادتش دعـوت می کنیـد، اگر نابینـایی را بیـاوریم می توانـد بینـایش گرداند؟

گفتند: اگر از او تقاضا کنیم که این کار را بکند، و او بخواهد، البته چنین می کند.

آن مرد گفت: پادشاها! شـخص نابینایی را که هیچگاه بینایی نداشـته است، برایم بیاورید، چنین شخصـی را آوردند، به آن دو گفت: از خدایتان بخواهید بینایی این مرد را به او برگرداند.

آن دو برخاستند و دو رکعت نماز خواندند، ناگهان هر دو چشم آن نابینا باز شد، و به آسمان می نگریست.

آن مرد گفت: پادشاها! بگو نابینای دیگری بیاورند، دیگری را آوردند، خود آن مرد سجده ای کرد و سپس سر از سجده برداشت، ناگهان آن نابینا، بینا شد.

آن مرد گفت: پادشاها! این هم حجّتی از ما بود در برابر حجّت آنان، اکنون تختی برایم بیاورید، برایش آوردند، و او از آن دو تقاضایی کرد، آن دو نماز خواندند و به درگاه خدا دعا کردند، ناگهان دو پایه ی تخت بلند شد و تخت شروع به راه رفتن کرد.

مرد گفت: پادشاها! تختی دیگر برایم بیاورید، برایش آوردند، آن مرد مانند بار اوّل سجده ای کرد و تخت به راه افتاد، گفت: ای پادشاه! آنان، دو حجّت آوردند و ما نیز به مانند حجّت آنان ارائه دادیم.

اینک یک کار دیگر باقی مانده است، اگر اینها آن را انجام دادند من به دین آنها در می آیم، سپس گفت: پادشاها! شنیده ام که سلطان تنها یک پسر داشته که مرده است، حالا اگر خدای این دو مرد، او را زنده کرد، من به دین آنها گردن می نهم، پادشاه گفت: من نیز با تو به دین آنها در می آیم، آنگاه به آن دو گفت: همین یک کار باقی مانده است، پسر پادشاه مرده و شما از خدایتان بخواهید تا او را زنده گرداند.

آن دو در برابر خدا به خاک سجده افتادند، و سجده ای طولانی به جای آوردند و آنگاه سر برداشتند و به پادشاه گفتند: نزد قبر فرزندت بفرست، خواهی دید که به خواست خداوند، پسرت از قبر خویش برخاسته است.

مردم به گورستان رفتند و نگاه می کردند، دیدند که پسر پادشاه از قبرش بیرون آمده است و گرد و خاک سر خود را می تکاند، او را نزد پادشاه آوردند، دید که فرزند خود اوست، پادشاه پرسید: ای فرزندم! حالت چگونه است؟

گفت: من مرده بودم، ناگهان دیدم که دو مرد در پیشگاه پروردگارم به سجده افتاده اند، و از او می خواهند مرا زنده گرداند، و خدا هم مرا زنده کرد.

پادشاه گفت: اگر آن دو نفر را ببینی می شناسی؟ گفت: آری.

پادشاه دستور داد همه ی مردم به صحرا روند، مردم یکی یکی از برابر آن پسر عبور می کردند و پدرش به او می گفت: خوب نگاه کن، پسر پادشاه نگاه می کرد و می گفت: این نیست، این نیست، بعد از آنکه شمار زیادی از مقابل او گذشتند، یکی از آن دو نفر را از برابرش عبور دادند، پسر پادشاه با دست خود به او اشاره کرد و گفت: این یکی از آنهاست، بار دیگر عدّه ی زیادی را از مقابلش گذراندند تا آنکه آن دیگری را دید و گفت: این، آن دوّمی است.

در این هنگام، آن پیامبر که یار آن دو رسول بود گفت: اینک من به خدای شما دو تن ایمان آوردم و دانستم که آنچه آورده اید حقّ است.

پادشاه نیز گفت: من هم به خدای شما دو نفر ایمان آوردم و مردم کشور او نیز همگی ایمان آوردند.

ص: ۱۸۴

شماره: ۴۸: اسم آیه: صبر تا زمان رجعت

شماره: ۴۸

کد آیه: ۵۲ / ۳۶

اسم آیه: صبر تا زمان رجعت

)قالُوا یا وَیلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ(

و خواهنـد گفت: وای بر ما، چه کسـی ما را از آرامگاه ابـدی خود برانگیخت؟ این همان وعـده خدای رحمان است و پیامبران حقیقت را برای ما می گفتند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْوَاسِطِی، قَالَ: کَتَبْتُ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَاعَلَیهِ السَّلام أَشْکُو جَفَاءَ أَهْلِ وَاسِطٍ، وَ حَمْلَهُمْ عَلَی، وَ کَانَتْ عِصَابَهٌ مِنَ الْعُثْمَانِیهِ تُؤْذِینِی، فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ: إِنَّ اللهَ جَلَّ ذِکْرُهُ أَخَذَ مِیثَاقَ أَوْلِیائِنَا عَلَی الصَّبْرِ فِی دَوْلَهِ الْبَاطِلِ، «فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ»،(۱) فَلَوْ قَدْ قَامَ سَیدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا: «یا وَیلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».(۲)

از حسن بن شاذان واسطی نقل است که گفت: به امام هشتم، حضرت

ص: ۱۸۵

۱- ۱. ۴۸ / ۶۸.

۲- ۲. إلزام النـاصب، ج ۲: ص۲۹۰؛ الإیقـاظ من الهجعه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۲۹۵، ح۱۲۱؛ بحـار الأنوار، ج ۵۳: ص۸۹، ح۸۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۵۷۹، ح۸۹۳۴؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص۸۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۳۸۸، ح۶۲؛ الکافی، ج ۸: ص۲۴۷، ح۳۴۶.

امام رضاعَلَيهِ السَّلام نامه ای نوشـتم، و از ستم مردم واسط و حملاتی که به من وارد می کردند، به آن حضرت شکایت کردم، و آنهـا گروهی از طرفـداران عثمان بودنـد، که به من آزار می رساندنـد. آن حضـرتعَلَيهِ السَّلام به خط شـریف خود به من این گونه نوشتند:

همانـا خـدای تبـارك و تعـالی از دوسـتان مـا پیمان گرفته، که در دوره ی حکومت باطل، صبر پیشه کننـد، پس در برابر حکم پروردگارت شـکیبا باش، و آن گاه که سرور خلایق ظهور کند (و زمان رجعت فرا رسد) آنها خواهند گفت: «یا وَیلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».

ص: ۱۸۶

شماره: ۴۹: اسم آیه: فرزندان حضرت ایوبعَلَیهِ السَّلام در رجعت

شماره: ۴۹

کد آیه: ۴۳ / ۳۸

اسم آیه: فرزندان حضرت ایوبعَلَیهِ السَّلام در رجعت

)وَ وَهَبْنا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَهً مِنّا وَ ذِكْرى لِأُولِي الْأَلْبابِ(

و ما اهل و فرزندانی که از او مردند، و به مقدار آنها هم علاوه به او عطا کردیم، تا در حق او لطف و رحمتی کنیم و تا صاحبان عقل متذکر شوند.

۱ــ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ آتَیناهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، قُلْتُ: وُلْدُهُ كَیفَ أُوتِی مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ؟ قَالَ: أَحْیا لَهُ مِنْ وُلْدِهِ الَّذِینَ كَانُوا مَاتُوا قَبْلَ ذَلِكَ بِآجَالِهِمْ مِثْلَ الَّذِینَ هَلَكُوا یوْمَئِذٍ.(۱)

از ابوبصیر نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام درباره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «وَ آتَیناهُ أهلَهُ وَ مِثلَهُم مَعَهُم»، پرسیدم که چگونه خداوند، مانند آنها را، به ایوبعَلَیهِ السَّلام داد؟» حضرت فرمودند: خداوند، چه آن فرزندانش را، که قبلاً مرده بودند، و چه آنان که در واقعه ی امتحان مردند، همه را با هم زنده نمود.

ص: ۱۸۷

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه: ص۱۲۵، ح۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۲: ص۳۴۷، ح۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳ ص۸۳۳، ح۷۱۸۱؛ تفسیر الصافی، ج ۳: ص۳۵۱ و ج ۴: ص۳۰۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳: ص۴۴۸، ح۱۳۲؛ الکافی، ج ۸: ص۲۵۲، ح۳۵۴.

۲ــ قال الشیخ الطبرسی قدس سره : قال ابن عباس و ابن مسعود: رد الله سبحانه علیه أهله الذین هلکوا بأعیانهم، و أعطاه مثلهم معهم، و کذلک رد الله علیه أمواله و مواشیه بأعیانها و أعطاه مثلها معها.(۱)

مرحوم طبرسی قدس سره در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه: «وَ آتَیناهُ أهلَهُ وَ مِثلَهُم مَعَهُم»، روایتی را از ابن عباس و ابن مسعود نقل می کند، که:

خداوند، فرزندان ایّوب را که مرده بودند، به وی برگرداند، و مثل آنان هم به وی عطا کرد، و همچنین اموال و چارپایانش را نیز، دو برابر به او برگرداند.

سپس مرحوم طبرسی قدس سره از قول ابن یسار می نویسد: فرزندان حضرت ایّوب، هفت پسر، و هفت دختر بودند، که از دنیا رفته بودند، و سپس خداوند آن ها را زنده نمود.

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۳۶، ح۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲: ص۳۴۶، ذیل ح۶؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷: ص۹۴؛ مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶: ص۲۳۰.

شماره: ۵۰: اسم آیه: حیات دو باره در رجعت

شماره: ۵۰

کد آیه: ۱۱ / ۴۰

اسم آیه: حیات دو باره در رجعت

)قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَینِ وَ أَحْییتَنَا اثْنَتَینِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَلْ إِلی خُرُوجٍ مِنْ سَبیلٍ(

آنهـا می گوینـد: «پروردگـارا! مـا را دو بار میرانـدی و دو بار زنـده کردی اکنون به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟»

۱ــ قَالَ عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیم: فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَینِ وَ أَحْییتَنَا اثْنَتَینِ»، قَالَ الصَّادِقُعَلَیهِ السَّلام: ذَلِکَ فِی الرّجعه.(۱)

علی بن ابراهیم در باره ی فرمایش خـدای متعال: «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَینِ وَ أَحْییتَنَا اثْنَتَینِ»، یعنی: خداوندا! ما را دو بار می رانیدی و دو بار زنده کردی، گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: این آیه در باره ی رجعت است.

۲ــ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَّامٍ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَینِ

ص: ۱۸۹

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۵۸، ح۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۶، ح۳۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۷۴۹، ح۹۳۲۷؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۳۳۶؛ تفسـیر القمی، ج ۲: ص۲۵۶؛ تفسـیر کنز الـدقائق و بحر الغرائـب، ج ۱۱: ص۳۶۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۵۱۳، ح۱۹؛ مختصر البصائر: ص۱۵۷، ح۱۲۴.

وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَينِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَلْ إِلی خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»، قَالَعَلَيهِ السَّلام: هُوَ خَاصٌّ لِأَقْوَامٍ فِی الرّجعه بَعْدَ الْمَوْتِ وَ يجْرِی فِی الْقِيامَهِ، «فَبُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِين».(۱) (۲)

از محمّد بن سلام نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَيهِ السَّلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی»، فرمودند: این مخصوص عدّه ایست که بعد از مرگ، در رجعت زنده می شوند و در قیامت هم «جریان» دارد. (یعنی درباره ی رجعت نازل شده و با قیامت هم قابل تطبیق است)، «پس رحمت حق از ستمکاران دور باد».

۳ــ رَوَی الصَّفْوَانِی فِی كِتَابِهِ، بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: سُئِلَ الرِّضَاعَلَيهِ السَّلام عَنْ تَفْسِيرِ: «أَمَتَّنَا اثْنَتَينِ وَ أَحْيیتَنَا اثْنَتَينِ»، قَالَ: وَ اللهِ! مَا هَذِهِ الْآيهُ إِلَّا فِی الْكَرَّه.(۳)

صفوانی روایت کرده که: از حضرت امام رضاعَلَيهِ السَّلام از تفسیر آیه ی: «أَمَتَّنَا اثْنَتَينِ وَ أَحْيیتَنَا اثْنَتَينِ»، سؤال شد، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه جز در مورد رجعت، نیست.

توضیح: یکی از مواردی که خداوند مرده، زنده می کند، در رجعت است، و دیگری در قیامت، و یکی از مرگ ها، در دنیا است، و دیگری در رجعت می باشد.

۱- ۱. ۴۱ / ۲۳.

۲- ۲. إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۱؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۸، ح۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۱۶، ح۱۳۹؛ البرهان فی تفسير القرآن، ج ۴: ص۷۴۹، ح۹۳۲۸؛ مختصر البصائر: ص۴۶۳، ح۵۱۹.

۳- ۳. إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۴۴.

شماره: ۵۱: اسم آیه: یاری انبیاء و ائمّه علیهم السلام در رجعت

شماره: ۵۱

کد آیه: ۵۱ / ۴۰

اسم آیه: یاری انبیاء و ائمّه: در رجعت

)إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الْأَشْهادُ(

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم!

عَنْ جَمیل عَن أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام، قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعَالَی: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الْأَشْهادُ»، قَالَ: ذَلِکَ وَ اللهِ فِی الرّجعه، أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبیاءَ کَثِیرَهً لَمْ ینْصَرُوا فِی الدُّنْیا وَ قُتِلُوا، وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ ینْصَرُوا، وَ ذَلِکَ فِی الرّجعه.(۱)

از جمیل نقل است که گفت: از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الْأَشْهادُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است.

ص: ۱۹۱

---

۱ – ۱ . بحار الأنوار، ج ۱۱: ص۲۷، ح۱۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۷۶۴، ح ۹۳۷۰؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۳۴۵؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴: ص۵۲۶، ح۶۹؛ مختصر البصائر: ص۹۲، ح ۶۰ و ص۱۵۷، ح۱۲۵.

مگر نمی دانی که بسیاری از پیامبران: در دنیا یاری نشدنـد، بلکه کشـته شدند، و ائمّه: هم کشـته شدند، و کسـی آنها را یاری نکرد؟ پس این نصرت و یاری در زمان رجعت است.

۲ــ عَنْ سُلَیمَان بْنِ خَالِد، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «یوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَهُ»، «تَتْبَعُهَا الرَّادِفَهُ»،(۱) قَالَ: «الرَّاجِفَهُ»، الْحُسَینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِما السَّلام، وَ «الرَّادِفَهُ»، عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍعَلَیهِ السَّلام، وَ أَوَّلُ مَنْ ینْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِما السَّلام فِی خَمْسَهٍ وَ سَبْعِینَ أَلْفاً، وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الْأَشْهادُ»، «یوْمَ لا ینْفَعُ الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّار».(۲)

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «روزی که لرزاننده بلرزاند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید»، فرمودند: «الرَّاجِفَهُ»، حضرت حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام، و «الرَّادِفَهُ»، امیر المؤمنین علیعَلَیهِ السَّلام، هستند، و اوّلین کسی که گرد و خاک از سرش پاک می کند، حضرت حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام هستند، که با هفتاد و پنج هزار نفر وارد می شوند.

و این است تفسیر این آیه: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آنها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است».

۱- ۱ . ۷و۶ / ۷۹.

۲- ۲ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۸۲، ح ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۰۶، ح۱۳۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۵۷۵، ح۱۱۳۶۱؛ تأویل الآیات الظاهره : ص۷۳۷؛ تفسیر فرات الکوفی: ص۵۳۷، ح۶۸۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۱۱۵؛ مختصر البصائر: ص۴۹۲، ح۵۵۴.

شماره: ۵۲: اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت

شماره: ۵۲

کد آیه: ۸۱ / ۴۰

اسم آیه: دیدن نشانه های خداوند در رجعت

)وَ یرِیکُمْ آیاتِهِ فَأَی آیاتِ اللَّهِ تُنْکِرُونَ(

خداوند آیات خود را برای شما نشان می دهد، پس کدام یک از آیات خدا را انکار توانید کرد؟

فی تفسیر القمی، قَالَ عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ فِی قَوْلِهِ: «وَ یرِیکُمْ آیاتِهِ»، یعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیهِمْ، فِی الرّجعه فَإِذَا رَأَوْهُمْ، «قالُوا آمَنَّا بِاللهِ وَحْدَهُ وَ کَفَرْنا بِما کُنَّا بِهِ مُشْرِکِینَ»، أَی جَحَدْنَا بِمَا أَشْرَکْنَاهُمْ، «فَلَمْ یکُ ینْفَعُهُمْ إِیمانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنا سُنَّتَ اللهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ فِی عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْکافِرُون».(۱)

علی بن ابراهیم قمی در باره ی فرمایش خدای متعال: «وَ یرِیکُمْ آیاتِهِ»، می گوید: مقصود این است که خداوند، امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلامو ائمّه ی معصومین: را در رجعت به دشمنان آنها نشان می دهد، «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنا قالُوا آمَنَّا بِاللهِ وَحْدَهُ وَ کَفَرْنا بِما کُنَّا بِهِ مُشْرِکِینَ» یعنی: چون آنها را دیدند خواهند گفت: ایمان آوردیم به خدای یگانه، و کافر شدیم به آنچه قبلاً شرک می ورزیدیم، «فَلَمْ یکُ ینْفَعُهُمْ إِیمانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنا سُنَّتَ اللهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۴۴، ح۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۶، ح۳۷؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۶۱؛ مختصر البصائر: ص۱۵۸، ح۱۲۶.

فِی عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْکافِرُونَی»، یعنی: وقتی آنها در آن روز، عذاب ما را دیدند، دیگر ایمانشان سودی به حالشان ندارد، این سنّت الهی است که همیشه در میان بندگانش جریان داشته و در این مورد کافران زیانکار گردیده اند.

ص: ۱۹۴

شماره: ۵۳: اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت

شماره: ۵۳

کد آیه: ۴۴ / ۴۲

اسم آیه: عذاب ستمگران در رجعت

)...وَ تَرَی الظّالِمِینَ لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ یقُولُونَ هَلْ إِلی مَرَدٍّ مِنْ سَبِیلٍ(

... و ستمگران را خواهی دید هنگامی که عذاب را با چشم به یقین مشاهده کنند، می گویند: آیا برای ما راه بازگشتی وجود دارد؟

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی: «وَ تَرَی الظّالِمِینَ»، آلَ محمّد: حَقَّهُمْ «لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ»، وَ عَلِیعَلَیهِ السَّلام، هُوَ الْعَذَابُ فِی هَذَا الْوَجْهِ، «یقُولُونَ هَلْ إِلی مَرَدٍّ مِنْ سَبِیلٍ» فَنُوَالِی عَلِیاً.(۱)

علی بن ابراهیم قمی در باره ی فرمایش خدای متعال: «وَ تَرَی الظّالِمِینَ»، گفت: و ستمگران در حق آل محمّد: را می بینی، وقتی که علی بن ابی طالبعَلَیهِ السَّلام را، که برای ستمکاران عذاب است، در زمان رجعت، ببینند، (چون آن حضرت می خواهند از آنان انتقام بگیرند) می گویند: آیا راهی برای بازگشت هست؟ تا ولایت حضرت علیعَلَیهِ السَّلام را بپذیریم.

ص: ۱۹۵

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۵۸، ح۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۱: ص۵۸۰، ذیل ح۱۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ص۸۳۰، ذیل ح۹۵۴۲؛ تفسیر الصافی، ج ۴: ص۳۸۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۷۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱: ص۵۳۵.

شماره: ۵۴: اسم آیه: دود آشکار در رجعت

شماره: ۵۴

کد آیه: ۱۰ / ۴۴

اسم آیه: دود آشکار در رجعت

)فَارْتَقِبْ یوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبینٍ(

پس در انتظار روزی باش که دودی آشکار از آسمان پدید آید.

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «فَارْتَقِبْ»، أَی اصْبِرْ «یوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ»، قَالَ: ذَلِکَ إِذَا خَرَجُوا فِی الرّجعه مِنَ الْقَبْرِ تَغْشَی النَّاسَ کُلَّهُمُ الظُّلْمَهُ فَیقُولُوا «هذا عَذابٌ أَلِیمٌ»، «رَبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ».

فَقَالَ اللهُ رَدّاً عَلَیهِمْ: «أَنَّی لَهُمُ الذِّکْری»، فِی ذَلِکَ الْیوْمِ «وَ قَدْ جاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِینٌ»، أَی رَسُولٌ قَدْ بَینَ لَهُمْ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ «وَ قالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، قَالَ: قَالُوا: ذَلِکَ لَمَّا نَزَلَ الْوَحْی عَلَی رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه وَ أَخَذَهُ الْغَشْی.

فَقَالُوا: هُوَ مَجْنُونٌ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّا کاشِفُوا الْعَذابِ قَلِیلًا إِنَّکُمْ عائِدُونَ»، یعْنِی إِلَی الْقِیامَهِ وَ لَوْ کَانَ قَوْلُهُ: «یوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ»، فِی الْقِیامَهِ لَمْ یقُلْ إِنَّکُمْ عَائِدُونَ، لِأَنَّهُ لَیسَ بَعْدَ الْآخِرَهِ وَ الْقِیامَهِ حَالَهٌ یعُودُونَ إِلَیهَا.

ثُمَّ قَالَ: «یوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَهَ الْکُبْری»، یعْنِی فِی الْقِیامَهِ «إِنَّا مُنْتَقِمُون».(۱)

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۹۴، ح۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۷، ح۳۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۱۳، ح۹۶۹۶؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۹۰؛ مختصر البصائر: ص۱۵۸، ح۱۲۷.

در تفسیر قمی ذیل آیه ی: «فَارْتَقِبْ یوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ»، یعنی منتظر باش روزی خواهد آمد که آسمان دودی آشکار می آورد، می گوید:

این هنگامی است که مردم در رجعت از قبر بیرون آمده به دنیا باز می گردند، و ظلمت و تاریکی همه ی مردم را فرا می گیرد، به همین دلیل خواهند گفت:

این است عذاب دردناک، «رَبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»، خدایا! این عذاب را از ما برطرف کن، ما ایمان آوردیم.

خداوند جواب رد به آنها می دهد، و می فرماید: «أَنَّی لَهُمُ الذِّکْری وَ قَدْ جاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِینٌ».

یعنی: چه شده است که در آن روز ایمان می آورند، در حالی که قبلاً پیامبری برای آنها آمده بود تا حقیقت را آشکار نماید، «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»، سپس از وی روی برتافتند و گفتند: وی چیزهائی را آموخته و دیوانه است.

وقتی وحی بر رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه نازل می شد، آن حضرت از هیبت وحی الهی از هوش می رفتند، آنها می گفتند: پیامبر دیوانه شده است.

سپس علی بن ابراهیم این آیه را ذکر می کند: «إِنَّا کاشِفُوا الْعَذابِ قَلِیلًا إِنَّکُمْ عائِدُونَ» یعنی: اندکی از عذاب را برطرف می کنیم، زیرا شما به قیامت برخواهید گشت.

اگر منظور از «یوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ»، آن بود که این امر در قیامت اتّفاق خواهد افتاد، خداوند در پایان آن نمی فرمود: شما بازگشت خواهید نمود، زیرا بعد از آخرت و قیامت حالتی وجود ندارد که مردگان بازگشت به آن کنند.

سپس علی بن ابراهیم می گوید: «یوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْکُبْری إِنَّا مُنْتَقِمُونَ»، روزی که باز خواست بزرگ را از مردم می نمائیم، ما انتقام از آنها می گیریم، که البته این انتقام و بازخواست در قیامت است.

ص: ۱۹۷

شماره: ۵۵: اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

شماره: ۵۵

کد آیه: ۱۴ / ۴۵

اسم آیه: رجعت، یکی از روزهای خدا

)قُلْ لِلَّذینَ آمَنُوا یغْفِرُوا لِلَّذینَ لا یرْجُونَ أَیامَ اللَّهِ لِیجْزِی قَوْماً بِما کانُوا یکْسِبُونَ(

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امیـد به ایام اللّه ندارنـد مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد»!

«لطفاً به روایات ذیل آیه ی ۵ / ۱۴ مراجعه فرمائید.»

ص: ۱۹۸

شماره: ۵۶: اسم آیه: خبر رجعت امام حسینعَلَیهِ السَّلام

شماره: ۵۶

کد آیه: ۱۵ / ۴۶

اسم آیه: خبر رجعت امام حسینعَلَیهِ السَّلام

)وَ وَصَّینَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً... (

ما انسان را بر احسان و نیکی در حق پـدر و مادر سـفارش بسـیار کردیم. مادرش با رنـج و زحمت بار حمل کشـیده و با درد و رنج وضع حمل نموده...

فی تفسـیر القمی، فی قوله تعـالی: «وَ وَصَّینَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیهِ»، إِنَّمَا عَنَی الْحَسَنَ وَ الْحُسَـینَعَلَیهِما السَّلام، ثُمَّ عَطَفَ عَلَی الْحُسَـینِ، فَقَالَ: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَـعَتْهُ کُرْهاً» وَ ذَلِکَ أَنَّ اللهَ أَخْبَرَ رَسُولَ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه وَ بَشَّرَهُ بِالْحُسَینِعَلَیهِ السَّلام قَبْلَ حَمْلِهِ، وَ أَنَّ الْإِمَامَهَ یکُونُ فِی وُلْدِهِ إِلَی یوْمِ الْقِیامَهِ، ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا یصِیبُهُ مِنَ الْقَتْلِ وَ الْمُصِیبَهِ فِی نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ، ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَهَ فِی عَقِبِهِ، وَ أَعْلَمَهُ أَنَّهُ یقْتَلُ، ثُمَّ یرُدُّهُ إِلَی الدُّنْیا وَ ینْصُرُهُ حَتَّی یقْتُلَ أَعْدَاءَهُ ...(۱)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ذیل آیه ی: «وَ وَصَّینَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیهِ»،

ص: ۱۹۹

---

۱ – ۱ . الإیقـاظ من الهجعه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۳۴۵، ح۸۱؛ بحـار الأنوار، ج ۴۳: ص۲۴۶، ح۲۱ و ج ۵۳: ص۱۰۲، ۱۲۶؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۲۹۷؛ تفسـیر نور الثقلین، ج ۵: ص۱۱، ح۱۲؛ تفسـیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۱۷۹؛ مختصر البصائر: ص۱۵۹، ح۱۲۸.

می فرماید: منظور از والدین: امام حسن و امام حسینعَلَیهِما السَّلام هستند، آنگاه در باره ی امام حسینعَلَیهِ السَّلام فرموده: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً»، زیرا خدای علیم، قبل از انعقاد نطفه ی امام حسینعَلَیهِ السَّلام، رسول گرامی خود را به وجود حسینعَلَیهِ السَّلام و اینکه مقام امامت تا روز قیامت نصیب فرزندان وی خواهد شد، بشارت و مژده داده بود، آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که دچار حسینعَلَیهِ السَّلام و فرزندانش می شود، آگاه نموده بود، سپس مقام امامت را، در عوض آن مصائب، به فرزندانش خواهد داد، و پیامبر خود را خبر داده بود که حسینعَلَیهِ السَّلام کشته خواهد شد، سپس خداوند او را به دنیا باز می گرداند و وی را یاری می کند تا دشمنان خود را به مجازات برساند.

ص: ۲۰۰

شماره: ۵۷: اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن

شماره: ۵۷

کد آیه: ۴۲ / ۵۰

اسم آیه: رجعت، روز بیرون آمدن

)يوْمَ يسْمَعُونَ الصَّيحَهَ بِالْحَقِّ ذلِكَ يوْمُ الْخُرُوجِ(

آن روز همه مخلوقات، آن صیحه ی آسمانی را قطعاً خواهند شنید که (می گوید) امروز، روز خروج از قبرهاست.

۱_ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تعالی: «يوْمَ يسْمَعُونَ الصَّيحَهَ بِالْحَقِّ ذلِكَ يوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِی الرَّجعه.(۱)

حضرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام در تفسیر آیه ی: «روزی که مردم صدای حق را می شنوند، آن روز روز قیام است»، فرمودند: این آیه مربوط به رجعت است.

۲_ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِی الْحَياهِ الدُّنْيا وَ يوْمَ يقُومُ الْأَشْهادُ»،(۲) قَالَ: ذَلِكَ وَ اللهِ فِی الرّجعه، أَ مَا عَلِمْتَ، أَنَّ أَنْبِياءَ اللهِ كَثِيراً لَمْ ينْصَرُوا فِی الدُّنْيا وَ

۱- ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۵۹، ح۵۱؛ البرهان فی تفسير القرآن، ج ۵: ص۱۵۲، ح۱۰۱۰۰؛ تفسير الصافی، ج ۵: ص۶۵؛ تفسير القمی، ج ۲: ص۳۲۷؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۴۰۰؛ تفسير نور الثقلين، ج ۵: ص۱۱۹، ذيل ح۵۹؛ مختصر البصائر: ص۱۶۰، ح۱۲۹.

۲- ۲ . ۵۱ / ۴۰.

قُتِلُوا، وَ الْأَئِمَّهَ قَدْ قُتِلُوا وَ لَمْ ینْصَرُوا، فَذَلِکَ فِی الرّجعه.

قُلْتُ: «وَ اسْتَمِعْ یوْمَ ینادِ الْمُنادِ مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ»، «یوْمَ یسْمَعُونَ الصَّیحَهَ بِالْحَقِّ ذلِکَ یوْمُ الْخُرُوجِ»، قَالَ: هِی الرّجعه.(۱)

از جمیل درّاج روایت است که، گفتم به حضرت صادقعَلَیهِ السَّلام آیه ی: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الْأَشْهادُ»، چیست؟

حضرت فرمودند: به خدا سوگند! که این در رجعت است، آیا نمی دانی که بیشتر دوستان خدای تبارک و تعالی در دنیا یاری نشدند، و به قتل رسیدند و امامان کشته شدند و یاری نگشتند؟! بنابر این، یاری آنان در رجعت خواهد بود.

جمیل درّاج گوید، عرض کردم: «وَ اسْتَمِعْ یوْمَ ینادِ الْمُنادِ مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ. یوْمَ یسْمَعُونَ الصَّیحَهَ بِالْحَقِّ ذلِکَ یوْمُ الْخُرُوجِ»، حضرت فرمودند: این رجعت است.

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۶۵، ح ۵۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۱۵۱، ح۱۰۰۹۸؛ مختصر البصائر، ص۹۲، ح ۶۰؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص۲۸۱، ح۳.

شماره: ۵۸: اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت

شماره: ۵۸

کد آیه: ۴۴ / ۵۰

اسم آیه: شکافته شدن زمین در رجعت

)يوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِراعاً ذلِكَ حَشْرٌ عَلَينا يسيرٌ(

روزی که زمین سریعا شکافته و از وجود آنان خالی گردد، آن روز، روز حشر است و اینکار برای ما بسیار آسان است.

قَالَ عَلِی بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِی قَوْلِهِ تَعالی: «يوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِراعاً»، قَالَ: فِی الرّجعه.(۱)

علی بن ابراهیم در باره ی آیه ی: «يوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِراعاً»، می فرماید: این آیه مربوط به رجعت است.

ص: ۲۰۳

۱- ۱ . إلزام النـاصب، ج ۲: ص۲۹۲؛ الإیقـاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۹۵، ح۵۳ و ص ۲۶۰، ح۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۸، ح۴۰؛ البرهان فی تفسـیر القرآن، ج ۵: ص۱۵۲، ح۱۰۱۰۱؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۲۷؛ تفسـیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۴۰۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۱۱۹، ح۵۹؛ مختصر البصائر: ص ۱۶۰، ح ۱۳۰.

شماره: ۵۹: اسم آیه: امتحان رجعت

شماره: ۵۹

کد آیه: ۱۳ / ۵۱

اسم آیه: امتحان رجعت

)یوْمَ هُمْ عَلَی النَّارِ یفْتَنُونَ(

همان روزی است که آنها را بر آتش می سوزانند!

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِ اللهِ عزّ و جلّ: «یوْمَ هُمْ عَلَی النَّارِ یفْتَنُونَ»، قَالَ: یكْسَرُونَ فِی الْكَرَّهِ كَمَا یكْسَرُ الذَّهَبُ حَتَّی یرْجِعَ كُلُّ شَی ءٍ إِلَی شِبْهِهِ یعْنِی إِلَی حَقِیقَتِهِ.(۱)

حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خداوند عزّ و جلّ: «یوْمَ هُمْ عَلَی النَّارِ یفْتَنُونَ»، فرمودند: یعنی روزی که آنها بر آتش امتحان می شوند، فرمودند: مقصود اینست که در رجعت، شکسته می شوند، همان گونه که طلا شکسته می شود، تا هر چیزی به حقیقت خود بازگردد.

ص: ۲۰۴

---

۱ - ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۴، ح۱۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۱۵۹، ح۱۰۱۱۷؛ مختصر البصائر: ص۱۱۷، ح۹۴؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص۲۸۵، ح۱۹.

شماره: ۶۰: اسم آیه: اخبار رجعت

شماره: ۶۰

کد آیه: ۲۲ / ۵۱

اسم آیه: اخبار رجعت

)وَ فِی السَّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ(

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود!

فِی تَفسِیرِ عَلیِ بنِ إبراهِیم فِی قَولِهِ تَعالَی: «وَ فِی السَّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ»، قَالَ: المَطرُ ینزِلُ مِنَ السَّماءِ، فَتُخرجُ بِهِ أقوات العالَم مِن الأرضِ، وَ مَا تُوعَدُون مِن أخبارِ الرّجعه وَ القِیامَه، وَ الَاخبارِ الَّتی فِی السَّماء.(۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «روزیِ شما و آنچه به شما وعده داده می شود، در آسمان است»، روایت می کند که: منظور از روزی، بارانی است که از آسمان می آید، و به وسیله ی آن رزق عالم از زمین خارج می شود، و منظور از «ما توعدون»، یعنی آنچه که از اخبار رجعت و قیامت، وعده می دهند، و آنها اخباری است که در آسمان است.

ص: ۲۰۵

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۲؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۶۰، ح۵۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۶۱، ح۱۰۱۲۶؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۷۱؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۳۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۴۱۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۱۲۴، ح۲۵.

شماره: ۶۱: اسم آیه: عذاب در رجعت

شماره: ۶۱

کد آیه: ۴۷ / ۵۲

اسم آیه: عذاب در رجعت

)وَ إِنَّ لِلَّذينَ ظَلَمُوا عَذاباً دُونَ ذلِكَ وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يعْلَمُونَ(

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان) ولی بیشترشان نمی دانند.

۱_ عَن سَعْدِ بنِ عَبْدِ اللهِ، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعَلَيهِ السَّلام: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ بِهَذِهِ الْآيهِ هَكَذَا: فَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ آلَ محمّد حَقَّهُمْ، «عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يعْلَمُونَ»، يعْنِي عَذَاباً فِي الرّجعه.(۱)

از سعد بن عبد اللّه نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام فرمودند: جبرئیل این آیه را چنین نازل کرد: آنها که حق آل محمّد: را گرفتند، عذابی غیر از این دارند، و این عذاب در رجعت است.

۲_ قَالَ عَلِي بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا»، آلَ محمّد حَقَّهُمْ، «عَذاباً دُونَ ذلِكَ»، قَالَ: عَذَابَ الرّجعه بِالسَّيفِ.(۲)

ص: ۲۰۶

۱- ۱ . الإيقاظ من الهجعه بالبرهان على الرّجعه، ص۲۹۸، ح۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۱۷، ح۱۴۴.

۲- ۲ . بحار الأنوار، ج ۹: ص۲۳۹، ح۱۳۸ و ج۵۳: ص۱۰۳، ح۱۲۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۱۸۰، ح۱۰۱۷۳؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۳۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۴۶۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۱۴۳، ح۳۸؛ مختصر البصائر، ص۱۶۰، ح۱۳۱.

علی بن ابراهیم قمی در باره ی آیه ی: «وَ إِنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا» می گوید: یعنی کسانی که در حقّ آل محمّد: ظلم کردند، «عَذاباً دُونَ ذلِکَ»، در زمان رجعت به وسیله ی شمشیر عذاب خواهند شد.

ص: ۲۰۷

شماره: ۶۲: اسم آیه: شهر واژگون شده

شماره: ۶۲

کد آیه: ۵۳ / ۵۳

اسم آیه: شهر واژگون شده

)وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوى(

و نیز شهرهای زیر و رو شده، را فرو کوبید.

قَالَ عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوى»، قال: المؤتفكه، البصره، و الدلیل علی ذلک، قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام: یا أَهْلَ الْبَصْرَهِ! وَ یا أَهْلَ الْمُؤْتَفِكَهِ! یا جُنْدَ الْمَرْأَهِ! وَ أَتْبَاعَ الْبَهِیمَهِ، رَغَا فَأَجَبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهَرَبْتُمْ، مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ، وَ أَحْلَامُكُمْ رِقَاقٌ وَ فِیكُمْ خَتْمُ النِّفَاقِ، وَ لُعِنْتُمْ عَلَی لِسَانِ سَبْعِینَ نَبِیاً، إِنَّ رَسُولَ اللهصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه أَخْبَرَنِی: أَنَّ جَبْرَئِیلَعَلَیهِ السَّلام أَخْبَرَهُ أَنَّهُ طَوَی لَهُ الْأَرْضَ، فَرَأَی الْبَصْرَهَ أَقْرَبَ الْأَرَضِینَ مِنَ الْمَاءِ وَ أَبْعَدَهَا مِنَ السَّمَاءِ، وَ فِیهَا تِسْعَهُ أَعْشَارِ الشَّرِّ وَ الدَّاءُ الْعُضَالُ، الْمُقِیمُ فِیهَا مُذْنِبٌ، وَ الْخَارِجُ مِنْهَا بِرَحْمَهٍ، وَ قَدِ ائْتَفَكَتْ بِأَهْلِهَا مَرَّتَینِ، وَ عَلَی اللهِ تَمَامُ الثَّالِثَهِ وَ تَمَامُ الثَّالِثَهِ فِی الرّجعه.(۱)

علی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود، در باره ی فرمایش خدای متعال:

ص: ۲۰۸

---

۱ - ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۲، ح۳۹؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۶۰، ح۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۲: ص۲۲۶، ح۱۷۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۲۰۹، ح۱۰۲۴۷؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۹۷؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۳۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲: ص۵۲۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص: ۱۷۲، ح۱۰۵.

«وَ الْمُؤْتَفِكَهَ أَهْوی»، چنین گفته است: شـهر واژگون شده، همان شـهر بصره است، به دلیل خطبه ی امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام که فرمودند:

ای مردم بصـره! ای سـپاهیان زن! و ای پیروان چهارپائی که زوزه کشـید و شـما او را اجابت کردیـد! و زمانی که پی شـد، فرار کردید! آب شما تلخ، دین شما سطحی است، و در دلهایتان نفاق است، شما از با زبان هفتاد پیامبر الهی، نفرین شده اید.

همانـا رسـول خداصَـلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ به من خـبر داد که: جـبرئیلعَلَیهِ السَّلام او را آگـاه سـاخته است که: زمین برای او در هم پیچیده شد و او بصـره را دید که نزدیکترین سـرزمین ها به آب، و دورترین آنها به آسـمان است، نُه دهم شـرّ و بیماری سخت در آن قرار دارد، هر که در آن بماند، اهل معصیت است، و هر که از آن خارج شود، به رحمت الهی دست یافته است.

این شهر، دو بار بر اهلش واژگون گشته، و بر خداست که سوّمین بار نیز آن را واژگون نماید، و مرتبه ی سوّم در زمان رجعت است.

شماره: ۶۳: اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران

شماره: ۶۳

کد آیه: ۸ / ۵۴

اسم آیه: رجعت، روز سختی برای کافران

)مُهْطِعینَ إِلَی الدَّاعِ یقُولُ الْکافِرُونَ هذا یوْمٌ عَسِرٌ(

در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) به سوی این دعوت کننده گردن می کشند کافران می گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!»

قالَ عَلی بن إبراهِیم فِی قَولِهِ تَعالَی: «مُهْطِعِینَ إِلَی الدَّاعِ»، إذَا رَجَعَ، فَیقُولُ: اِرجِعُوا، «یقُولُ الْکافِرُونَ هذا یوْمٌ عَسِرٌ».(۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «شتابان به سوی دعوت کننده می کشانند»، می فرماید: هنگامیکه در رجعت به آنان می گویند: برگردید، «و کافران می گویند: این روز سخت و دشواری است».

ص: ۲۱۰

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۶۱، ح۵۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۲۱۸؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۱۰۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۴۱.

شماره: ۶۴: اسم آیه: یأس کفّار در رجعت

شماره: ۶۴

کد آیه: ۱۳ / ۶۰

اسم آیه: یأس کفّار در رجعت

)يا أَيهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيهِمْ قَدْ يئِسُوا مِنَ الْآخِرَهِ كَما يئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ(

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند!

عَنْ أَبِی الْجَارُودِ، عَمَّنْ سَمِعَ عَلِیاًعَلَیهِ السَّلام، یقُولُ: الْعَجَبُ کُلُّ الْعَجَبِ بَینَ جُمَادَی وَ رَجَبٍ.

فَقَامَ رَجُلٌ، فَقَالَ: یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! مَا هَذَا الْعَجَبُ الَّذِی لَا تَزَالُ تَعْجَبُ مِنْهُ؟

فَقَالَ: ثَکلَتْکَ أُمُّکَ! وَ أَی عَجَبٍ أَعْجَبُ مِنْ أَمْوَاتٍ یضْرِبُونَ کُلَّ عَدُوٍّ لِلهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَهْلِ بَیتِهِ؟

وَ ذَلِکَ تَأْوِیلُ هَـذِهِ الْآیهِ: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللهُ عَلَیهِمْ قَدْ یئِسُوا مِنَ الْآخِرَهِ کَما یئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ»، فَإِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ قُلْتُمْ مَاتَ أَوْ هَلَکَ أَوْ أَی وَادٍ سَلَکَ.

وَ ذَلِکَ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیهِ: «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ

ص: ۲۱۱

وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً».(۱) (۲)

از ابو الجارود نقل است که گفت: از قول کسی که از امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام شنیده است، که آن حضرت می فرمودند: عجب و همه ی عجب بین جمادی و رجب است!

مردی به پا خاست و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین! این چه شگفتی است که شما پیوسته از آن در تعجّب دارید؟

حضرت فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند! کدام شگفتی از این عجیب تر است، که مردگانی، همه ی دشمنان خدا و پیامبر و اهل بیتش را، گردن بزنند؟

و این است تأویل این آیه: «ای کسانی که ایمان آورده اند، هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آن ها از جهان آخرت مأیوس و نا امیدند، هم چنان که کافران از اهل قبور نا امیدند»، پس هنگامی که کشتار شدّت یابد، گویند: او مرده و هلاک گشته، و به کدام وادی رفته است، و همان است تأویل این آیه: «سپس بار دیگر شما را بر آنان مسلّط کنیم و به وسیله ی اموال و فرزندان مدد رسانیم و تعداد (افراد) تان را بیش تر سازیم».

ص: ۲۱۲

۱- ۱ . ۶ / ۱۷.

۲- ۲ . الزام النـاصب، ج ۱: ص۹۴؛ بحـار الانوار، ج ۵۳: ص ۶۰، ح۴۸؛ البرهـان فی تفسـیر القرآن، ج ۵: ص ۳۶۰، ح۱۰۶۷۶؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۶۵۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص۲۱۷.

شماره: ۶۵: اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت

شماره: ۶۵

کد آیه: ۱۶ / ۶۸

اسم آیه: علامت دشمنان در رجعت

) سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ(

(ولی) ما به زودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم!

عن علی بن ابراهیم فی تفسیر قَوْله تعالی: «سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ»، قَالَ: فِي الرّجعه إِذَا رَجَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَعَلَيهِ السَّلام وَ يرْجِعُ أَعْدَاؤُهُ فَيسِمُهُمْ بِمِيسَمٍ مَعَهُ كَمَا تُوسَمُ الْبَهَائِمُ عَلَى الْخَرَاطِيمِ الْأَنْفُ وَ الشَّفَتَانِ.(۱)

در تفسیر قمی روایت است که: این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که شاه ولایت، حضرت امیرالمؤمنین علیعَلَیهِ السَّلام رجعت کنند و دشمنان آن حضرت نیز برگردند، آن حضرت بر پیشانی آنها مُهر می زنند، و آنها را نشاندار می کنند، همان گونه که بر بینی و لبهای چهارپایان، داغ می زنند تا نشاندار شوند.

ص: ۲۱۳

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۳؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۴۶، ح۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۰: ص۱۶۶ و ج ۵۳: ص۱۰۳، ح۱۲۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۴۵۹، ح۱۰۹۷۷؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۲۱۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۸۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص۳۸۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۳۹۴، ح۴۵؛ مختصر البصائر: ص۱۶۱، ح۱۳۲.

شماره: ۶۶: اسم آیه: روز پنج هزار ساله

شماره: ۶۶

کد آیه: ۴ / ۷۰

اسم آیه: روز پنج هزار ساله

)تَعْرُجُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ إِلَیهِ فی یوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ خَمْسینَ أَلْفَ سَنَهٍ(

فرشتگان و روح (فرشته ی مقرّب خداوند) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام أَنَّهُ قَالَ: حِینَ سُئِلَ عَنِ الْیوْمِ الَّذِی ذَکَرَ اللهُ تَعَالَی مِقْدَارَهُ فِی الْقُرْآنِ: «فِی یوْم کانَ مِقْدارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍ»، وَ هِی کَرَّهُ رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، فَیکُونُ مُلْکُهُ فِی کَرَّتِهِ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍ، وَ یمْلِکُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام فِی کَرَّتِهِ أَرْبَعاً وَ أَرْبَعِینَ أَلْفَ سَنَهٍ.(۱)

از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام روایت است که، وقتی تفسیر آیه: «فِی یوْم کانَ مِقْدارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍ»، را از آن حضرت پرسیدند، حضرت فرمودند: این در موقع بازگشت و رجعت پیامبر اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه به دنیا است، که مدّت سلطنتش پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می کنند.

ص: ۲۱۴

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۴؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۶۸، ح۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۰۴، ذیل ح۱۳۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۴۸۷، ح۱۱۰۷۴؛ مختصر البصائر: ص۱۶۷، ح۱۴۳.

شماره: ۶۷: اسم آیه: ضعف کفّار در رجعت

شماره: ۶۷

کد آیه: ۲۴ / ۷۲

اسم آیه: ضعف کفّار در رجعت

)حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یوعَدُونَ فَسَیعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً(

(این کار شکنی کفّار هم چنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند آن گاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیتش کمتر است!

علی بن إبراهیم: قوله تعالی: «حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یوعَدُونَ»، قَالَ: الْقَائِمُ وَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَعَلَیهِما السَّلام فِی الرّجعه، «فَسَیعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً»، قَالَ: هُوَ قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام لِزُفَرَ: وَ اللهِ! یا ابْنَ صَهَاکَ! لَوْ لَا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، وَ «کِتَابٌ مِنَ اللهِ سَبَقَ»،(۱) لَعَلِمْتَ أَینا أَضْعَفُ نَاصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً، قَالَ: فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه مَا یکُونُ مِنَ الرّجعه قَالُوا: مَتَی یکُونُ هَذَا؟ قَالَ اللهُ: «قُلْ یا محمّد! إِنْ أَدْرِی أَ قَرِیبٌ ما تُوعَدُونَ أَمْ یجْعَلُ لَهُ رَبِّی أَمَدا».(۲)

۱- ۱. ۶۸ / ۸.

۲- ۲. الزام الناصب، ج ۱: ص۹۷ و ج ۲: ص۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳: ص۵۸، ح۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۵۱۳، ح۱۱۱۴۹؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۲۳۸؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۹۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص۴۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۴۴۱، ح۴۷؛ مختصر البصائر، ص۱۶۱، ح۱۳۳.

علی بن ابراهیم در باره ی فرمایش خـدای تعالی: «تا آنچه را به آنان وعـده داده شـده ببینند»، فرمود: مقصود، دیدن قائم و امیر مؤمنانعَلَیهِمـا السَّلامـ در هنگـام رجعـت است، آن گـاه می فهمنـد، چه کسـی یـاورش ضـعیف تر و گروهش کمـتر است، امیر مؤمنـانعَلَیهِ السَّلامـ به ابن صـهاک فرمودنـد: اگر پیمان رسول خـدا و خواست الهی نبود، می فهمیـدی کـدام یک از ما یاورش ضعیف تر و گروهش کمتر است، وقتی رسول اللهصَـلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه، مردم را از رجعت آگـاه کرد، سؤال شـد: زمـان آن چه وقت است؟ خـدا این آیه را نـازل کرد: ای محمّـد! بگو: نمی دانم آنچه به شـما وعـده داده شـده، نزدیـک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می دهد.

شماره: ۶۸: اسم آیه: اسرار رجعت

شماره: ۶۸

کد آیه: ۲۶ / ۷۲

اسم آیه: اسرار رجعت

)عالِمُ الْغَیبِ فَلا یظْهِرُ عَلی غَیبِهِ أَحَداً(

عالم بر غیب تنها اوست و هیچ دانایی بر غیب او آگاه نیست.

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: ... وَ قَوْلُهُ «عالِمُ الْغَیبِ فَلا یظْهِرُ عَلی غَیبِهِ أَحَداً»، «إِلَّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ یسْلُکُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً»، قَالَ: یخْبِرُ اللهُ رَسُولَهُ الَّذِی یرْتَضِیهِ بِمَا کَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ، وَ مَا یکُونُ بَعْدَهُ مِنْ أَخْبَارِ الْقَائِمِعَلَیهِ السَّلام وَ الرّجعه وَ الْقِیامَه.(۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ی: «دانای غیب است و احدی را بر غیب خویش آشکار نکند جز آن پیامبری را که مورد رضایش باشد»، روایت می کند که خداوند به پیامبرش، که مورد رضایش بود، حوادث زمان خود و حوادث آینده، راجع به حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام و رجعت و قیامت را به آنجناب خبر داد.

ص: ۲۱۷

---

۱ – ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۴؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۸، ح۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۵۱۳، ح۱۱۱۴۹؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۲۳۸؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۹۱؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳: ص۴۹۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۴۴۵، ح۶۳.

شماره: ۶۹: اسم آیه: قیام پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ در رجعت

شماره: ۶۹

کد آیه: ۲ و ۱ / ۷۴

اسم آیه: قیام پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ در رجعت

)یا أَیهَا الْمُدَّثِّرُ)(قُمْ فَأَنْذِرْ(

ای جامه به خود پیچیده!

برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده).

۱ـ فی تفسیر القمی فی قَوله تَعَالَی: «قُمْ فَأَنْذِرْ»، قَالَ: هُوَ قِیامُهُ فِی الرّجعه ینْذِرُ فِیهَا، وَ فِی قَوْلِهِ: «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ»، «نَذِیراً لِلْبَشَرِ»، یعنی محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ نَذِیراً لِلْبَشَرِ فِی الرّجعه.(۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بترسان»، فرمود: مقصود، حضرت محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، و آمدن آن حضرت در زمان رجعت است، که مردم را از نافرمانی خدا برحذر می دارند.

نیز در قول خداوند: «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ، نَذِیراً لِلْبَشَر»، مقصود: پیامبر اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ هستند، که در رجعت به دنیا بازگشته، بشر را از معصیت خدا برحذر می دارند.

ص: ۲۱۸

---

۱ - ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۴؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۹: ص۲۴۴ و ج ۱۶: ص ۹۷ و ج ۵۳ : ص۴۲ و ص۶۴ و ص۱۰۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۷۲۱ و ج ۵: ص۵۲۳؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۳۹۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۱۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۴۵۳؛ مختصر البصائر: ص۸۸ و ص۱۱۳ و ص۱۶۲.

۲ـ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام: إِنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام کَانَ یقُولُ: إِنَّ الْمُدَّثِّرَ هُوَ کَائِنٌ عِنْدَ الرّجعه، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! أَ حَیاهٌ قَبْلَ الْقِیامَهِ ثُمَّ مَوْتٌ؟ فَقَالَ لَهُ عِنْدَ ذَلِکَ: نَعَمْ وَ اللهِ لَکَفْرَهٌ مِنَ الْکُفْرِ بَعْدَ الرّجعه أَشَدُّ مِنْ کَفَرَاتٍ قَبْلَهَا.(۱)

حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام فرمودند: هنگامی که حضرت امیرالمؤمنینعَلَیهِ السَّلام مسئله ی رجعت را برای مردم بیان کردند، فرمودند: آمدن «مدّثّر» در رجعت حتمی است، مردی پرسید: مگر پیش از قیامت هم زنده شدن، و مرگ دوباره ای هست؟ حضرت فرمودند: آری، به خدا قسم! یک لحظه کفر بعد از رجعت سخت تر از چند کفر قبل از رجعت است.

ص: ۲۱۹

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۸۵، ح۱۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۲، ح۱۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۵۲۲، ح۱۱۱۸۵؛ مختصر البصائر: ص۱۱۴، ح۸۹.

شماره: ۷۰: اسم آیه: انذار پیامبرصَلَّی اللّٰه عَلَیهِ وَ آلِه در رجعت

شماره: ۷۰

کد آیه: ۳۶ و ۳۵ / ۷۴

اسم آیه: انذار پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه در رجعت

)إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ)(نَذیراً لِلْبَشَرِ(

که این یکی از بزرگترین آیات خداست.

در آن پند و اندرز آدمیان است.

عَنْ جَابِرِ بْنِ یزِیدَ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَل: ... «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ، نَذِیراً لِلْبَشَرِ»، یعنی محمّدصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه نَذِیراً لِلْبَشَرِ فِی الرّجعه.(۱)

از جابر بن یزید نقل است که گفت: حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ، نَذِیراً لِلْبَشَرِ»، فرمودند: مقصود، پیامبر اکرمصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه هستند، که در رجعت به دنیا بازگشته، بشر را از معصیت خدا، برحذر می دارند.

ص: ۲۲۰

۱- ۱ . بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۲ و ص۶۴ ؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص۷۲۱ و ج ۵: ص۵۲۲؛ مختصر البصائر: ص۸۷ و ص۱۱۴.

شماره: ۷۱: اسم آیه: اوّلین رجعت کننده

شماره: ۷۱

کد آیه: ۱۸ / ۷۸

اسم آیه: اوّلین رجعت کننده

)یوْمَ ینْفَخُ فِی الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً(

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آیید!

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام سُئِلَ عَنِ الرّجعه أَحَقٌّ هِی؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقِیلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ یخْرُجُ؟ قَالَ: الْحُسَینُعَلَیهِ السَّلام، یخْرُجُ عَلَی أَثَرِ الْقَائِمِعَلَیهِ السَّلام، قیلَ: وَ مَعَهُ النَّاسُ کُلُّهُمْ؟ قَالَ: لَا، بَلْ کَمَا ذَکَرَ اللهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ: «یوْمَ ینْفَخُ فِی الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً»، قَوْماً بَعْدَ قَوْمٍ.(۱)

از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام سؤال شد: آیا رجعت حق است؟ حضرت فرمودند: آری، عرض شد: اوّل کسی که از قبر بیرون می آید، کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام است، که پس از قیام حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام خارج می شود، گفته شد: مردم هم همراه ایشان هستند؟ فرمودند: نه، چنانکه خداوند می فرماید: دسته دسته بیایند، به ترتیب خواهند آمد، قومی پس از قوم دیگر.

ص: ۲۲۱

۱- ۱ . إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۴؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۶۷، ح۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۰۳، ح۱۳۰؛ مختصر البصائر: ص۱۶۵، ح۱۳۹؛ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین (للفیض)، ص۲۸۶، ح۲.

شماره: ۷۲: اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام پس از امام حسینعَلَیهِ السَّلام

شماره: ۷۲

کد آیه: ۷ و ۶ / ۷۹

اسم آیه: رجعت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام پس از امام حسینعَلَیهِ السَّلام

)یوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَهُ)(تَتْبَعُهَا الرَّادِفَهُ (

آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی آورد.

و بدنبال آن، حادثه دومین (صیحه عظیم محشر)رخ می دهد.

عَنْ سُلَیمَان بْنِ خَالِـد، قَـالَ: قَـالَ أَبُو عَبْـدِ اللهعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تَعـالَی: «یوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَهُ»، «تَتْبَعُهَا الرَّادِفَهُ»، قَالَ: «الرَّاجِفَهُ»، الْحُسَـینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِمـا السَّلام، وَ «الرَّادِفَهُ»، عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍعَلَیهِ السَّلام، وَ أَوَّلُ مَنْ ینْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَـینُ بْنُ عَلِیعَلَیهِما السَّلام فِی خَمْسَهٍ وَ سَبْعِینَ أَلْفاً.

وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ: «إِنَّا لَنَنْصُـرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یوْمَ یقُومُ الْأَشْهادُ»، «یوْمَ لا ینْفَعُ الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّار».(۱) (۲)

از سلیمان بن خالد نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در

۱- ۱ . ۵۱و۵۲ / ۴۰.

۲- ۲ . الإیقـاظ مـن الهجعـه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۳۸۲، ح ۱۵۰؛ بحـار الأـنوار، ج ۵۳: ص۱۰۶، ح۱۳۴؛ البرهان فی تفسـیر القرآن، ج ۵: ص۵۷۵، ح۱۱۳۶۱؛ تأویـل الآیات الظاهره : ص۷۳۷؛ تفسیر فرات الکوفی: ص۵۳۷، ح۶۸۹؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۱۱۵؛ مختصر البصائر: ص۴۹۲، ح۵۵۴.

تأویل این آیه: «روزی که لرزاننده بلرزاند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید»، فرمودند: اوّلی حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام است، و دوّمی امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام، اوّل کسی که گرد و خاک از سر می فشاند، حسین بن علیعَلَیهِما السَّلام است، که با هفتاد و پنج هزار نفر وارد می شود.

و این است تفسیر این آیه: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا برای آنها، و جایگاهی بد نیز برای آنان است».

ص: ۲۲۳

شماره: ۷۳: اسم آیه: بازگشت زیانبار

شماره: ۷۳

کد آیه: ۱۳ و ۱۲ / ۷۹

اسم آیه: بازگشت زیانبار

)قالُوا تِلْکَ إِذاً کَرَّهٌ خاسِرَهٌ)(فَإِنَّما هِی زَجْرَهٌ واحِدَهٌ(

می گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار!»

ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است!

عَن محمّـد بْن عَبْـدِ اللهِ بْنِ الْحُسَـینِ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِی، عَلَی أَبِی عَبْـدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام، فَجَرَی بَینَهُمَا حَدِیثٌ، فَقَالَ أَبِی لِأَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: مَا تَقُولُ فِی الْکَرَّهِ؟

قَـالَعَلَیهِ السَّلامـ: أَقُولُ فِیهَـا مَـا قَـالَ اللهُ عزّ و جلّ، وَ ذَلِکَ أَنَّ تَفْسِـیرَهَا صَارَ إِلَی رَسُولِ اللهِصَـلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ قَبْلَ أَنْ یأْتِی هَـذَا الْحَرْفُ بِخَمْسَهٍ وَ عِشْرِینَ لَیلَهً، قَوْلُ اللهِ عزّ و جلّ: «تِلْکَ إِذاً کَرَّهٌ خاسِرَهٌ»، إِذَا رَجَعُوا إِلَی الدُّنْیا وَ لَمْ یقْضُوا ذُحُولَهُمْ.

فَقَـالَ لَهُ أَبِی: یقُولُ اللهُ عزّ و جلّ: «فَإِنَّما هِی زَجْرَهٌ واحِـدَهٌ، فَإِذا هُمْ بِالسَّاهِرَهِ»، أَی شَـی ءٍ أَرَادَ بِهَـذَا؟ فَقَالَ: إِذَا انْتَقَمَ مِنْهُمْ وَ بَاتَتْ بَقِیهُ الْأَرْوَاحِ سَاهِرَهً لَا تَنَامُ وَ لَا تَمُوتُ.(۱)

ص: ۲۲۴

---

۱ - ۱ . إلزام النـاصب ، ج ۲: ص۲۹۵؛ الإیقـاظ من الهجعه بالبرهـان علی الرّجعه، ص۲۷۹، ح۹۳؛ بحـار الأنوار، ج ۵۳: ص۴۴، ح۱۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۵۷۶، ح۱۱۳۶۴؛ مختصر البصائر: ص۱۱۸، ح۹۶.

از محمّد بن عبد اللَّه بن حسین نقل است که گفت: همراه پدرم بر حضرت صادقعَلَیهِ السَّلام وارد شدیم، میان آن حضرت و پدرم سخنی گذشت، سپس پدرم به حضرت عرض کرد: در باره ی رجعت چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند: می گوئیم آنچه که خداوند فرموده، و آن این است که بیست و پنج شب پیش از این اتفاق تفسیرش برای پیامبرصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ آمده، همان که خدا می فرماید، «(گویند:) این بازگشتی زیان بار است»، و این هنگامی است که مردم به دنیا برمی گردند و خونخواهی آنها تمام می شود.

پدرم عرض کرد: اینکه خداوند در قرآن می فرماید: «فَإِنَّما هِیَ زَجْرَهٌ واحِدَهٌ، فَإِذا هُمْ بِالسَّاهِرَهِ»، مقصود چیست؟

حضرت فرمودند: وقتی که از آنها انتقام گیرند و بدنها بمیرد روحها بیدار بماند، ارواح آنها بیدار است نه می خوابد و نه می میرد.

شماره: ۷۴: اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام در رجعت

شماره: ۷۴

کد آیه: ۲۲ / ۸۰

اسم آیه: مأموریت امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام در رجعت

)ثُمَّ إِذا شاءَ أَنْشَرَهُ(

سپس هر گاه بخواهد او را زنده می کند!

عَنْ أَبِی سَلَمَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرعَلَیهِ السَّلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ: «قُتِلَ الْإِنْسانُ ما أَکْفَرَهُ»، قَالَ: نَعَمْ، نَزَلَتْ فِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام، «ما أَکْفَرَهُ»، یعْنِی بِقَتْلِکُمْ إِیاهُ، ثُمَّ نَسَبَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَعَلَیهِ السَّلام فَنَسَبَ خَلْقَهُ وَ مَا أَکْرَمَهُ اللهُ بِهِ، فَقَالَ: «مِنْ أَی شَیءٍ خَلَقَهُ»، یقُولُ: مِنْ طِینَهِ الْأَنْبِیاءِ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ لِلْخَیرِ، «ثُمَّ السَّبِیلَ یسَّرَهُ»، یعْنِی سَبِیلَ الْهُدَی، «ثُمَّ أَماتَهُ»، مِیتَهَ الْأَنْبِیاءِ، «ثُمَّ إِذا شاءَ أَنْشَرَهُ»، قُلْتُ: مَا قَوْلُهُ: «ثُمَّ إِذا شاءَ أَنْشَرَهُ»، قَالَ: یمْکُثُ بَعْدَ قَتْلِهِ فِی الرّجعه فَیقْضِی مَا أَمَرَهُ.(۱)

از ابو سلمه نقل است که گفت: از حضرت امام محمّد باقرعَلَیهِ السَّلام در باره ی تفسیر آیه ی: «قُتِلَ الْإِنْسانُ ما أَکْفَرَهُ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: این آیه درباره ی امیر المؤمنینعَلَیهِ السَّلام نازل شده، پس این «انسان» امیر المؤمنین علیعَلَیهِ السَّلام است، آن جناب کشته شد مگر چه کرده بود که او را کشتند؟ سپس

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۳۴۸، ح۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶: ص۱۷۴، ذیل ح۱۶۳ و ج ۵۳: ص۹۹، ذیل ح۱۱۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۵۸۴، ح۱۱۳۸۷؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۷۴۰؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۴۰۶؛ مختصر البصائر: ص۱۶۳، ح۱۳۶.

خداونـد می فرمايد: «مِنْ أَی شَـی ءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَهٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ثُمّ السَّبِيلَ يسّـرَهُ»، او را از چه چيز آفريده، يعنی از گِل پيامبران، آفريـدش و برای کارهـای خير آمـاده اش کرد، سـپس راه، يعنی راه هـدايت را برايش آسـان کرد، «ثُمّ أَمـاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمّ إِذا شاءَ أَنْشَـرَهُ»، سـپس او را ميرانيـد و به خاک سپرد، آنگاه هر وقت بخواهـد، يعنی در رجعت زنـده اش می فرمايد، «کَلَّا لَمّا يقْضِ ما أَمَرَهُ»، ولی آن انسـان (امير المؤمنين) نتوانست مـأموريت خود را انجام دهـد، و از اين رو در زمان رجعت به دنيا برمی گردد تا کار خود را به پايان رساند، و آنچه خدا به وی دستور داده بود را اجرا نمايد.

شماره: ۷۵: اسم آیه: سنّت امّتهای گذشته

شماره: ۷۵

کد آیه: ۱۹ / ۸۴

اسم آیه: سنّت امّتهای گذشته

)لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ(

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید.

۱ـ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَیبَةً یطُولُ أَمَدُهَا، فَقُلْتُ لَهُ: یا ابْنَ رَسُولِ اللهِ! وَ لِمَ ذَلِکَ؟ قَالَ: لِأَنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَی إِلَّا أَنْ تَجْرِی فِیهِ سُنَنُ الْأَنْبِیاءِ: فِی غَیبَاتِهِمْ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ، یا سَدِیرُ! مِنِ اسْتِیفَاءِ مَدَدِ غَیبَاتِهِمْ، قَالَ اللهُ تَعَالَی: «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ»، أَی سَنَنَ مَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ.(۱)

از حنان بن سدیر نقل است که پدرش گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام فرمودند: برای قائم ما غیبتی است که مدّت آن به طول می انجامد، گفتم: ای فرزند رسول خدا! آن برای چیست؟ حضرت فرمودند: زیرا خدای تعالی می خواهد در او سنّتهای پیامبران: را در

ص: ۲۲۸

۱- ۱ . إثبات الهداه، ج ۵: ص۱۰۳، ح۲۱۱؛ إلزام الناصب، ج ۱: ص۹۹، ح۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱: ص۱۴۲، ح۲ و ج ۵۲: ص۹۰، ح۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۶۱۹، ح۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲: ص۹۵۵؛ علل الشرائع، ج ۱: ص۲۴۵، ح۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲: ص۴۸۰، ح۶.

غیبتهایشان جاری کند، و ای سدیر! گریزی از آن نیست که مدّت غیبتهای آنها به سر آید، خدای تعالی می فرماید: «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ»، یعنی: سنّتهای پیشینیان در شما جاری خواهد شد.

۲_ ... فَقَالَ الْمَأْمُونُ: یا أَبَا الْحَسَنِ! فَمَا تَقُولُ فِی الرّجعه؟ فَقَالَ الرِّضَاعَلَیهِ السَّلام إِنَّهَا لَحَقٌّ قَدْ کَانَتْ فِی الْأُمَمِ السَّالِفَهِ، وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللهِصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه یکُونُ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ کُلُّ مَا کَانَ فِی الْأُمَمِ السَّالِفَهِ، حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّهِ.(۱)

... پس مأمون پرسید: ای ابا الحسن! شما در باره ی رجعت چه می فرمایید؟ امام رضاعَلَیهِ السَّلام فرمودند: آن به جا و حقّ است، و در امّتهای پیشین هم بوده است، و قرآن مجید هم به آن ناطق است، و رسول خداصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه هم فرموده اند: هر چه در امّتهای سابق اتّفاق افتاده، در این امّت نیز اتّفاق خواهد افتاد، بی کم و کاست، طابق النّعل بالنّعل و بدون تفاوت.

ص: ۲۲۹

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۱۰۷ و ص۳۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵: ص۱۳۵، ح۶ و ج ۵۳: ص۵۹، ح۴۵؛ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار : ، ج ۴: ص۳۴۸؛ عیون أخبار الرضا ۷ ، ج ۲: ص۲۰۱، ح۱.

شماره: ۷۶: اسم آیه: قدرت خدا در رجعت

شماره: ۷۶

کد آیه: ۸ / ۸۶

اسم آیه: قدرت خدا در رجعت

)إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٌ(

مسلّماً او (خدایی که انسان را از چنین چیز پستی آفرید) می تواند او را بازگرداند!

فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٌ»، قال: کَمَا خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَهٍ یقْدِرُ أَنْ یرُدَّهُ إِلَی الدُّنْیا وَ إِلَی الْقِیامَهِ.(۱)

در تفسیر قمی در باره ی فرمایش خدای متعال: «خدا به برگرداندنش توانا است»، می فرماید: چنانکه بشر را از نطفه آفرید، می تواند او را هم در دنیا و هم در قیامت برگرداند.

توضیح: این آیه یکی از برهانهای اثبات رجعت است، یعنی همانطور که خداوند، توانائی دارد که همه ی آفریدگانش را در رستاخیز بزرگ، یعنی قیامت، برگرداند، این قدرت را دارد که برخی از آنان را در رستاخیز کوچک

ص: ۲۳۰

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۶۲، ح ۶۰ و ص۳۴۸، ح۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۷: ص۴۷، ح۲۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۶۳۱، ح۱۱۵۳۳؛ تفسیر الصافی، ج ۵: ص۳۱۴؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۴۱۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۲۲۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۵۵۲، ح۱۳.

یعنی «رجعت» زنـده نمایـد، و به همین دنیـا بـاز گردانـد، پس کسـی که منکر رجعت است، در واقع قـدرت خداونـد را انکـار نموده، و چون قـدرت خـدا، جزء ذات پرودگـار است، کسـی که قـدرت خداونـد را انکـار کنـد، کـافر است، بنا بر این، منکر «رجعت» کافر است.

ص: ۲۳۱

شماره: ۷۷: اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفّار

شماره: ۷۷

کد آیه: ۱۷ / ۸۶

اسم آیه: رجعت، پایان مهلت کفّار

«فَمَهِّلِ الْکافِرینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیداً»

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام ... فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «فَمَهِّلِ الْکافِرینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیداً»، لِوَقْتِ بَعْثِ الْقَائِمِعَلَیهِ السَّلام، فَیَنْتَقِمُ لِی مِنَ الْجَبَّارِینَ وَ الطَّوَاغِیتِ مِنْ قُرَیشٍ وَ بَنِی أُمَیهَ وَ سَائِرِ النَّاسِ. (۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی فرمایش خدای متعال: «فَمَهِّلِ الْکافِرینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیداً»، فرمودند: من نیز با آنها مقابله به مثل می کنم، ایشان را مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائمعَلَیهِ السَّلام، خداوند ستمگران و طغیان گران قریش و بنی امیه و دیگران را، برای او زنده می کند، تا از آنها انتقام گیرد.

ص: ۲۳۲

۱- ۱ . الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۶۲، ح۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۳: ص۳۶۸، ح۴۰ و ج ۵۱: ص۴۹، ح۱۹ و ج ۵۳: ص۵۸، ح۴۲ و ص۱۲۰، ح۱۵۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۶۳۲، ح۱۱۵۳۴؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۴۱۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۲۳۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵: ص۵۵۳، ح۱۹.

شماره: ۷۸: اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت

شماره: ۷۸

کد آیه: ۱۴ / ۹۱

اسم آیه: تکرار عذاب در رجعت

«فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوها فَدَمْدَمَ عَلَيهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاها»

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند) از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را به خاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد!

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَيهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ تَعالی: «فَدَمْدَمَ عَلَيهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاها»، قَالَ: فِی الرّجعه، «وَ لا يخافُ عُقْباها»، قَالَ: لَا يخَافُ مِنْ مِثْلِهَا إِذَا رَجَعَ.(۱)

از فضل بن عباس نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَيهِ السَّلام در تفسیر این آیه: «پروردگارشان به سزای گناهانشان هلاکشان کرد و دیارشان را هموار کرد»، فرمودند: این در رجعت است، و بعد که می فرماید: «و از عاقبت آن بیم ندارد»، یعنی اگر مانند آن (در رجعت) تکرار شود، نمی ترسد.

ص: ۲۳۳

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۱: ص۱۰۲ و ج ۲: ص۲۹۶؛ الإيقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۹۹، ح ۱۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۴: ص۷۳، ح۶ و ج ۵۳: ص ۱۲۰، ح۱۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۶۷۲، ح۱۱۶۶۴؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۷۷۷.

شماره: ۷۹: اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا

شماره: ۷۹

کد آیه: ۴ / ۹۳

اسم آیه: رجعت، بهتر از دنیا

«وَ لَلْآخِرَهُ خَیرٌ لَکَ مِنَ الْأُولی»

و مسلّماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام فِی قَوْلِهِ: «وَ لَلْآخِرَهُ خَیرٌ لَکَ مِنَ الْأُولی»، قَالَ: یعْنِی الْکَرَّهَ هِی الْآخِرَهُ لِلنَّبِیصَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه قُلْتُ: قَوْلُهُ: «وَ لَسَوْفَ یعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی»، قَالَ: یعْطِیکَ مِنَ الْجَنَّهِ فَتَرْضَی.(۱)

از ابو بصیر نقل است که گفت: حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام در باره ی آیه: «وَ لَلْآخِرَهُ خَیرٌ لَکَ مِنَ الْأُولی»، فرمودند: یعنی ای پیامبر! رجعت برای تو از دنیا بهتر است، عرض کردم: «وَ لَسَوْفَ یعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی»، یعنی چه؟ فرمودند: خداوند به زودی بهشت را به تو می دهد، تا خشنود گردی.

...

ص: ۲۳۴

---

۱ - ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۵۹، ح۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۶۸۲، ح۱۱۷۰۱؛ تفسیر القمی، ج ۲: ص۴۲۷؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۳۱۷؛ مختصر البصائر: ص۱۶۴، ح۱۳۷.

شماره: ۸۰: اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت

شماره: ۸۰

کد آیه: ۴ و ۳ / ۱۰۲

اسم آیه: دیدن حقیقت در رجعت

«کَلاَّ سَوْفَ تَعْلَمُونَ»«ثُمَّ کَلاَّ سَوْفَ تَعْلَمُونَ»

چنین نیست که می پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست!

باز چنان نیست که شما می پندارید بزودی خواهید دانست!

عَنْ عَبْدِ الله بْنِ نَجِیحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللهِعَلَیهِ السَّلام: قَوْلُهُ عزّ و جلّ: «کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «ثُمَّ کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، قَالَ: یعْنِی مَرَّهً فِی الْکَرَّهِ وَ مَرَّهً أُخْرَی یوْمَ الْقِیامَهِ.(۱)

از عبد اللّه بن نجیح نقل است که گفت: معنی این آیه را از حضرت امام جعفر صادقعَلَیهِ السَّلام پرسیدم: «بس کنید به زودی خواهید دانست»، «باز هم بس کنید به زودی خواهید دانست»، حضرت فرمودند: یک مرتبه در رجعت است، و مرتبه ی دیگر در قیامت.

ص: ۲۳۵

۱- ۱. إلزام الناصب، ج ۲: ص۲۹۶؛ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه، ص۲۸۲، ح۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳: ص۱۲۰، ح۱۵۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ص۷۴۵، ح۱۱۸۶۴؛ تأویل الآیات الظاهره: ص۸۱۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴: ص۴۱۸.

منابع و مأخذ

۱ـ قرآن کریم.

۲ـ مفاتیح الجنان.

۳ـ إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات/ ۵جلدی/ شیخ حر عاملی، محمّد بن حسن/ اعلمی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۲۵ ق.

۴ـ الإحتجاج علی أهل اللجاج(للطبرسی)/ ۲جلدی/ طبرسی، احمد بن علی/ محقق: خرسان، محمّد باقر/ نشر مرتضی/ مشهد/ ۱۴۰۳ ق.

۵ـ احقاق الحق و ازهاق الباطل/ ۲۳جلدی/ قاضی نور الله مرعشی/ مکتبه آیه الله المرعشی النجفی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۶ـ الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد/ ۲جلدی/ مفید، محمّد بن محمّد/ کنگره ی شیخ مفید/ قم/ ۱۴۱۳ ق.

۷ـ اعتقادات الإمامیه (للصدوق)/ ۱جلدی/ ابن بابویه، محمّد بن علی/ کنگره ی شیخ مفید/ قم/ ۱۴۱۴ ق.

۸ـ إعلام الوری بأعلام الهدی/ ۲جلدی/ طبرسی، فضل بن حسن/ مؤسسه آل البیت/ قم/ ۱۴۱۷ ق.

۹ـ الإقبال بالأعمال الحسنه/ ۳جلدی/ ابن طاووس، علی بن موسی/ محقّق: قیومی اصفهانی، جواد/ دفتر تبلیغات اسلامی/ قم/ ۱۳۷۶ ش.

ص: ۲۳۷

۱۰_ إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب۲ /جلدی/ یزدی حایری، علی/ مؤسسه الأعلمی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۲۲ ق.

۱۱_ الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرّجعه/ ۱جلدی/ شیخ حر عاملی، محمّد بن حسن/ نوید/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۶۲ ش.

۱۲_ بحار الأنوار/ ۱۱۰جلدی/ مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی/ إحیاء التراث العربی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.

۱۳_ البرهان فی تفسیر القرآن/ ۵جلدی/ بحرانی، سید هاشم/ بنیاد بعثت/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۶ ق.

۱۴_ تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره/ ۱جلدی/ استرآبادی، علی/ مؤسسه النشر الإسلامی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۱۵_ تفسیر شریف لاهیجی/ ۴جلدی/ شریف لاهیجی محمّد بن علی/ دفتر نشر داد/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۳ ش.

۱۶_ تفسیر الصافی/ ۵جلدی/ فیض کاشانی، محمّد بن شاه مرتضی/ مکتبه الصدر/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.

۱۷_ تفسیر العیاشی/ ۲جلدی/ عیاشی، محمّد بن مسعود/ المطبعه العلمیه/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۸۰ ق.

۱۸_ تفسیر فرات الکوفی/ ۱جلدی/ کوفی، فرات بن ابراهیم/ مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الإرشاد الإسلامی/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.

۱۹_ تفسیر قمی/ ۲جلدی/ قمی علی بن ابراهیم/ دار الکتاب/ قم/ سال چاپ: ۱۳۶۷ ش .

۲۰_ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب/ ۱۴جلدی/ قمی مشهدی، محمّد بن محمّد رضا/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۶۸ ش.

۲۱_ تفسیر نور الثقلین/ ۵جلدی/ عروسی حویزی عبد علی بن جمعه/ انتشارات اسماعیلیان/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.

ص: ۲۳۸

۲۲ــ تهذیب الأحکام/ ۱۰جلدی/ طوسی، محمّد بن الحسن/ محقّق: خرسان، حسن الموسوی/ دار الکتب الإسلامیه/ تهران/ ۱۴۰۷ ق.

۲۳ــ حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار۵ /جلدی/ علامه بحرانی، سید هاشم بن سلیمان/ مؤسسه المعارف الإسلامیه/ قم/ ۱۴۱۱ ق.

۲۴ــ الخرائج و الجرائح/ ۳جلدی/ قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله/ مؤسسه ی امام مهدی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۲۵ــ الخصال/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمّد بن علی/ جامعه مدرسین/ قم/ سال چاپ: ۱۳۶۲ ش.

۲۶ــ دلائل الإمامه/ ۱جلدی/ طبری آملی صغیر، محمّد بن جریر بن رستم/ بعثت/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.

۲۷ــ روضه الواعظین و بصیره المتعظین/ ۲جلدی/ فتال نیشابوری، محمّد بن احمد/ انتشارات رضی/ قم/ ۱۳۷۵ ش.

۲۸ــ زاد المعاد- مفتاح الجنان/ ۱جلدی/ مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی/ محقّق: اعلمی، علاءالدین/ مؤسسه الأعلمی للمطبوعات/ بیروت/ ۱۴۲۳ ق.

۲۹ــ سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی البحار الانوار/ ۸جلدی/ قمی، حاج شیخ عباس/ اسوه/ قم، ۱۴۱۴ق.

۳۰ــ علل الشرائع/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمّد بن علی/ کتاب فروشی داوری/ قم/ ۱۳۸۵ ش.

۳۱ــ عیون أخبار الرضاعَلَیهِ السَّلام/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمّد بن علی/ محقق: لاجوردی، مهدی/ نشر جهان/ تهران/ ۱۳۷۸ ق.

۳۲ــ الفصول المختاره/ ۱جلدی/ مفید، محمّد بن محمّد/ محقق: میر شریفی، علی/ کنگره ی شیخ مفید/ قم/ ۱۴۱۳ ق.

۳۳ــ الکافی/ ۸جلدی/ کلینی، محمّد بن یعقوب بن اسحاق/ دار الکتب الإسلامیه/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۰۷ ق.

ص: ۲۳۹

۳۴_ کامل الزیارات/ ۱جلدی/ ابن قولویه، جعفر بن محمّد/ دار المرتضویه/ نجف اشرف/ سال چاپ: ۱۳۵۶ ش.

۳۵_ کتاب الغیبه (للطوسی)/ طوسی، محمّد بن الحسن/ ۱جلدی/ محقّق: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد/ دار المعارف الإسلامیه/ قم/ ۱۴۱۱ ق.

۳۶_ کشف الغمه فی معرفه الأئمه۲ /جلدی/ اربلی، علی بن عیسی/ بنی هاشمی/ تبریز/ سال چاپ: ۱۳۸۱ ق.

۳۷_ کمال الدین و تمام النعمه/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمّد بن علی/ محقق: غفاری، علی اکبر/ اسلامیه/ تهران/ ۱۳۹۵ ق.

۳۸_ مجمع البیان فی تفسیر القرآن/ ۱۰جلدی/ طبرسی فضل بن حسن/ انتشارات ناصر خسرو/ تهران/ ۱۳۷۲ش.

۳۹_ مختصر البصائر/ ۱جلدی/ حلّی، حسن بن سلیمان بن محمّد/ مؤسسه النشر الإسلامی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۲۱ ق.

۴۰_ مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول۲۶ /جلدی/ مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی/ دار الکتب الإسلامیه/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۰۴ ق.

۴۱_ المصباح للکفعمی(جنه الأمان الواقیه)/ ۱جلدی/ کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی/ دار الرضی(زاهدی)/ قم/ ۱۴۰۵ ق.

۴۲_ مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد/ ۱جلدی/ طوسی، محمّد بن الحسن/ مؤسسه فقه الشیعه/ بیروت/۱۴۱۱ ق.

۴۳_ معانی الأخبار/ ۱جلدی/ ابن بابویه، محمّد بن علی/ محقق: غفاری، علی اکبر/ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم/ قم/ ۱۴۰۳ ق.

۴۴_ مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمه الإثنی عشر/ ۱جلدی/ جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز/ انتشارات طباطبایی/ قم.

۴۵_ مناقب آل أبی طالب (لابن شهرآشوب)/ ۴جلدی/ ابن شهر آشوب

ص: ۲۴۰

مازندرانی، محمّد بن علی/ نشر علامه/ قم/ ۱۳۷۹ ق.

۴۶_ من لا یحضره الفقیه/ ۴جلدی / ابن بابویه، محمّد بن علی / محقّق: غفاری، علی اکبر/ دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم/ ۱۴۱۳ ق.

۴۷_ نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین/ ۱جلدی/ فیض کاشانی، محمّد محسن بن شاه مرتضی/ مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۱ ش.

۴۸_ الوافی/ ۲۶جلد ی/ فیض کاشانی، محمّد محسن بن شاه مرتضی/ کتابخانه ی امام أمیر المؤمنین علیهعَلَیهِ السَّلام/ اصفهان/ سال چاپ: ۱۴۰۶ ق.

۴۹_ وسائل الشیعه/ ۳۰جلدی/ شیخ حر عاملی، محمّد بن حسن/ مؤسسه آل البیت/ قم/ ۱۴۰۹ ق.

کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم

معرّفی ۲۴۰ آیه در باره ی امام زمانعَلَیهِ السَّلام

جهت تهیه، با شماره ی ۰۹۱۰۹۶۷۱۵۱۸ تماس بگیرید.

ص: ۲۴۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹